



اشارات دانشگاه تهران

۴۰

این کتاب در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود

تاریخ صنایع اروپا

در قرون وسطی

(صنعت رمان و گتیک)

عیسی هبنا

دیر تاریخ صنایع در دانشگاه ادبیات تهران

۱۳۲۷

انتشارات دانشگاه تهران

- | | |
|------------------------------|-------------------------------------|
| تألیف دکتر ذبیح الله صفا | حماسه سرانی در ایران |
| > > عزت الله خیبری | وراثت (زیست شناسی ۱) |
| ترجمه دکتر برزو سپهری | آراء فلاسفه درباره عادت |
| تألیف دکتر نعمت الله کیهانی | کالبدشناسی هنری |
| > مهدی برکشلی | موسیقی ساسانی |
| بتصحیح مدرس رضوی | اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی |
| > سعید نفیسی | تاریخ بیهقی (۲) |
| تألیف دکتر محمود سیاسی | بیماریهای دندان |
| > > سرهنگ شمس | بهداشت و بازرسی خوراکیها |
| > > محمد معین | مز دیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی |
| > مهندس حسن شهیدی | نقشه برداری (۲) |
| > حسین گل کلاب | گیاه شناسی |
| > دکتر حسن ستوده تهرانی | تاریخ دیپلوماسی عمومی |
| > دکتر علی اکبر پریمین | روش تجزیه |
| فراهم آورده دکتر مهدی بیانی | بدایع الازمان فی وفایع کرمان |
| تألیف دکتر قاسم زاده | حقوق اساسی |
| > مهندس حبیب الله ثابتی | درختان جنگلی ایران |
| — | مقررات دانشگاه |
| — | راهنمای دانشگاه |
| تألیف زین العابدین ذوالمجدین | فقه و تجارت |
| ترجمه بزرگ علوی | حماسه ملی ایران |
| تألیف دکتر یکانه حایری | اصول گداز و استخراج فلزات (۲ و ۱) |
| > > عزت الله خیبری | زیست شناسی (۲) بحث در نظریه لامارک |
| > > علینقی وحدتی | هندسه تحلیلی |
| > مهندس کریم ساعی | جنگل شناسی (۱) |
| > دکتر اسماعیل زاهدی | فیزیولوژی گیاهی (۱) |
| > > غلامحسین صدیقی | گزارش سفر هند |
| > > محمدعلی مجتهدی | جبر و آنالیز |
| > > پرویز نائل خانلری | تحقیق انتقادی و عروض فارسی |

زبانهای دیگر

A Strain Theory of Matter

Dr. M. Hessabi

Les Espaces Normaux

Dr. M. Hächtroudi

University Handbook

Guide de l'Université



تدوین شده
ص ۱۱۱ - انتشارات دانشگاه تهران

۴۰

اسکن شد

تاریخ صنایع اروپا

در قرون وسطی

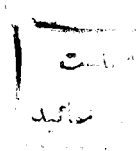
(صنعت رمان و کتیک)

عیسی هبنا

دیر تاریخ صنایع در دانشکده ادبیات تهران



۱۳۲۷



هنگام

صنایع اروپا در گذشته و حال همیشه در کشور ایران مورد علاقه عموم بوده و هموطنان ما که بگفته اروپائیه‌ها طبعاً صنعتگر و هنرمندند در همان زمانی که در خاک ایران بزرگترین شاهکارهای صنعتی را در رشته معماری و نقاشی و سایر صنایع مربوط باین دو رشته بوجود آورده‌اند از مشاهده آثار صنایع ملل دیگر مشرق یا مغرب نیز لذت می‌برده‌اند. برای نمونه کافی است نقاشی‌های رضای عباسی در اصفهان و علاقه او را به سبک نقاشی غربی بخاطر بیاریم.

در چند سال اخیر نویسندگان کشور ما ابنیه و آثار گذشته ایران را خوب مطالعه کرده و رسالات و مقالات متعدد راجع بآن بطبع رسانیده‌اند. ولی صنایع اروپا نه در گذشته و نه در عصر حاضر آنطوریکه لازم است در کشور ما مطالعه نشده و کسانی از اهل فن و تحقیق که در این مسائل تحقیقات و مطالعاتی کرده و می‌کنند بزبان فارسی درباره معرفی صنایع اروپا کتابهایی انتشار نداده‌اند که علاقمندان را بدانها دسترسی باشد. نظریه احتیاجی که دانشجویان و دانش پژوهان برای مطالعه صنایع اروپا بمتون فارسی دارند اینجانب درصدد برآمدم که در باب صنایع اروپا بطبع کتابی اقدام کنم و اینک کتاب حاضر که راجع بابنیه قرون وسطی اروپا است بهمت اولیاء محترم دانشگاه تهران انتشار مییابد.

شناساندن ابنیه قرون وسطی بخوانندگان که تا کنون کوچکترین نمونه آنرا ندیده‌اند کار بسیار مشکلی است. غالب اصطلاحاتی که برای نامیدن قسمتهای مختلف یک بنای کهنه مغرب زمین بسکار میرود در فارسی معادلی ندارد و ازینرو در غالب موارد نقص اصطلاح موجب نارسائی معنی و مفهوم میگردد. مثلاً برج ناقوس یک کلیساهیچ شباهت به مناره مسجد ندارد که بتوان کلمه «مناره» را برای نامیدن آن استعمال کرد و ازاین قبیل اصطلاحات در ابنیه قدیم اروپا فراوان است که متأسفانه برای اکثر آنها کلمه فارسی وجود ندارد. بنابراین تدوین کتابی تحت عنوان تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی کار آسانی نیست و چون این کتاب اولین کتابی است که راجع باین موضوع بزبان فارسی تدوین شده خواه ناخواه دارای نقائصی است که امیدوارم اهل فن بربنده منت گذاشته متذکر فرمایند.

چون راجع به تاریخ صنایع یونان و روم بیش و کم مطالعاتی در ایران شده است بنظر اینجانب چنین رسید که مطلب را از بعد از انقراض امپراطوری روم یعنی از دوره رمان شروع کنیم . در حقیقت صنعت رمان و کتیک مجموع کاملی از صنایع اروپا است که در زمان معین با جمع کردن باقیمانده های صنایع غرب و شرق بصورت نوینی بوجود آمده و پس از رسیدن به کمال طبیعی خود مانند سایر صنایع راه زوال پیش گرفته و جای خود را به صنایع جوان تری داده است .

در این دوره صنعت معماری به عنوان صنعت اصلی معمول و متداول و صنایع حجاری و نقاشی تابع صنعت معماری بوده است باین معنی که عموماً مجسمه ها یا شیشه های رنگین یا نقوش برجسته و تابلوه های نقاشی برای تزئین ابنيه مذهبی ساخته می شده . بنابراین قسمت مهم مطالعات ما مربوط بساختمان های مذهبی اروپا در قرون وسطی خواهد بود . برای تکمیل آشنائی صنایع مغرب زمین لازم است بعد از مطالعه دوره رمان و کتیک صنایع دوره رنسانس و مخصوصاً صنعت نقاشی و مجسمه سازی در اروپا از قرن ۱۶ به بعد مورد مطالعه قرار گیرد و امیدوارم که این امر نیز بدست نگارنده یا دیگران انجام گیرد.

عیسی بهنام

صنعت رمان

اصطلاح سبک رمان (۱) که در تاریخ صنایع از قرن نوزدهم ابتدای تشکیل صنایع میلادی معمول شده کاملاً صحیح نیست، بابتکار بردن این اصطلاح رمان شرایط تاریخی، فرانسویان قرن نوزدهم خواسته اند بگویند سبک صنعتی مخصوصی بسط صنایع رمان که در حدود قرن دهم میلادی در ساختمانهای مذهبی اروپا معمول شد مشتق از صنایع رومی بوده است و همانطوری که زبانی که بعد از سقوط روم در اروپا معمول شد و از زبان لاتین مشتق شده بود زبان «رمان» نامیده میشد، این سبک صنعتی جدید را نیز سبک صنعتی «رمان» نامیده اند.

حقیقت مطلب اینست که بر محققان در طی سی سال اخیر ثابت شد که سبک صنعتی رمان تنها از سرچشمه روم قدیم آب نمیخورد بلکه «مشرق» نیز در تشکیل این سبک سهم مهمی دارد. گذشته از تحقیقات در آثار سبک «رمان» که هنوز باقی است حقایق تاریخی نیز برای روشن کردن این مطلب کمک میکند:

در اواسط هزاره اول بعد از میلاد امپراطوری روم در نتیجه تهاجم و حملات ملل شمالی اروپا قطعه قطعه شده بود و روی خرابه های آن تازه واردان کشورهای متعدد بر پا نموده بودند. پس از چند قرن شارلمانی خواست وحدتی بین این کشورها ایجاد کند و خود را امپراطور نامید ولی بین این امپراطوری جدید و امپراطوری قدیم روم تفاوت بسیار بود.

هنگامی که امپراطوری روم قدیم گرفتار سرنوشت شومی شده بود مردم امپراطوری روم شرقی در امنیت بسر میبردند. امپراطوران روم شرقی خود را جانشینان حقیقی امپراطوران روم میدانستند و پس از سقوط شهر روم شهر بیزانس پایتخت سیاسی دنیای غرب شده بود.



ش ۱ — حیاط صومعه و رواق آن در موناژور (۱۲۰۰ میلادی) :
 ستونهای دو قلو، سرستونهای شبیه بسر ستون کرتی و جرزهای مزین
 به « ناودانك » مانند سرستونها و جرزهای قدیم روم

هنگامیکه وحدت سیاسی مانند سابق در امپراطوری روم شرقی برقرار بود در امپراطوری روم غربی که در نتیجه تهاجم و تصرف ملت‌های تازه وارد « باربار » (۱) بکشورهای متعدد تقسیم شده بود چیزی جز عدم ثبات وضعیت سیاسی دیده نمی شد.

در این دو محیط مختلف اوضاع سیاسی در پیشرفت صنایع بدو نحو مختلف مؤثر واقع شد. هنگامیکه در مشرق اروپا صنایع در راه ترقی و تکامل سیر مینمود مغرب اروپا تاریکی مطلق فرا گرفته بود. بعلاوه در آن زمان مشرق زمین در چشم غربیها اهمیت و آبرویی داشت. در زمانی که مورد بحث ماست، یعنی در حدود قرن دهم میلادی، صنایع و تمدن مغرب زمین در مقابل تمدن و صنایع مشرق بسیار ناچیز بود و هنگامی که اروپائیها هنوز در خانه های محقر چوبی زندگانی میکردند در قرطبه کاخهای مجلل برپا میشد و شهر سامره و بغداد پایتخت های خلیفه هارون الرشید، مرکز تمدن دنیای آنروز بشمار میرفت. بنابراین هر چه از مشرق زمین، مستقیماً از اسپانیا بوسیله مسلمانان و یا از راه غیر مستقیم بوسیله بیزانسی ها، وارد اروپای غربی میشد مورد پسند واقع شده منشاء تقلید میگردد.

اگر این موضوع را در نظر بگیریم که مذهب مردم مغرب زمین یعنی مذهب مسیح نیز از مشرق بسوی آن نواحی رفته علت علاقه غربیها بصنایع و تمدن شرقی برایمان روشن میشود. مشرق زمین برای اروپائیهای آن زمان در درجه اول کشور روم شرقی (یونان و قسمتی از آسیای صغیر و سواحل دریای سیاه) و در درجه دوم ایران ساسانی بود که پس از ظهور اسلام جزئی از عالم اسلامی محسوب میشد.

صنایع مشرق زمین (در درجه اول بیزانس و در درجه دوم صنایع ایران از راه آسیای صغیر) در تشکیل صنعت رمان دخالت بسیار داشته است ولی تعیین مقدار این سهم کار آسانی نیست. تجارت اشیاء قابل حمل بین مشرق و مغرب از قدیم برقرار بود و همه میدانیم که اشیائی از قبیل جام طلای خسرو و بعضی پارچه های دست بافت که امروز در موزه ها یا کلیسا های کشور فرانسه حفظ میشود از همان زمان قدیم بآن کشور

رفته است. در دوره اسلامی روابط بین مشرق زمین و مغرب زیاد تر شد. لذا جای تعجب نیست که در صنایع فرعی، از قبیل جواهر آلات یا روی سر ستونها، آثاری از سبك صنعت شرقی مشاهده كنیم. ولی پذیرفتن عقاید بعضی از نویسندگان تندرو مبنی بر اینکه بعضی از کلیساهاى دوره گتیک تقلیدی از ابنیه مشرق زمینی است بدون شرط احتیاط میسر نیست. بطور کلی با در نظر گرفتن نتایج تحقیقاتی که اخیراً بوسیله چند نفر از محققان تاریخ صنایع انجام گرفته میتوان گفت که پایه و اساس صنعت رمان روی اصول صنعت رومی قرار دارد ولی در ابتدای تشکیل تحت نفوذ صنایع مشرق نیز واقع شده است.

با قبول این فرض که سبك رمان در ابتدای تشکیل تحت نفوذ صنایع مشرق واقع شده باشد باید معین کرد که این نفوذ بالاخص از کدام قسمت سرزمین پهناور مشرق آمده است.

جواب این سؤال را با سانی نمیتوان داد و ما فقط در اینجا متذکر میشویم که در ایامی که مورد بحث ما است دو مرکز مهم تمدن و صنایع در دنیای قدیم وجود داشت: یکی تمدن روم شرقی و دیگری تمدن ایران که پس از طی دوره های درخشان زمان ساسانی در این تاریخ بصورت «تمدن اسلامی» از هند تا اسپانیا برقرار بود. ما در اینجا وارد بحث هایی که هنوز کاملاً روشن نشده نمیشویم و شاید این موضوع که سبك صنعتی رمان از مشرق بارو پا رفته یا در همان سرزمین بوجود آمده خود بخود در ضمن مطالعه ابنیه رمان آشکار گردد.

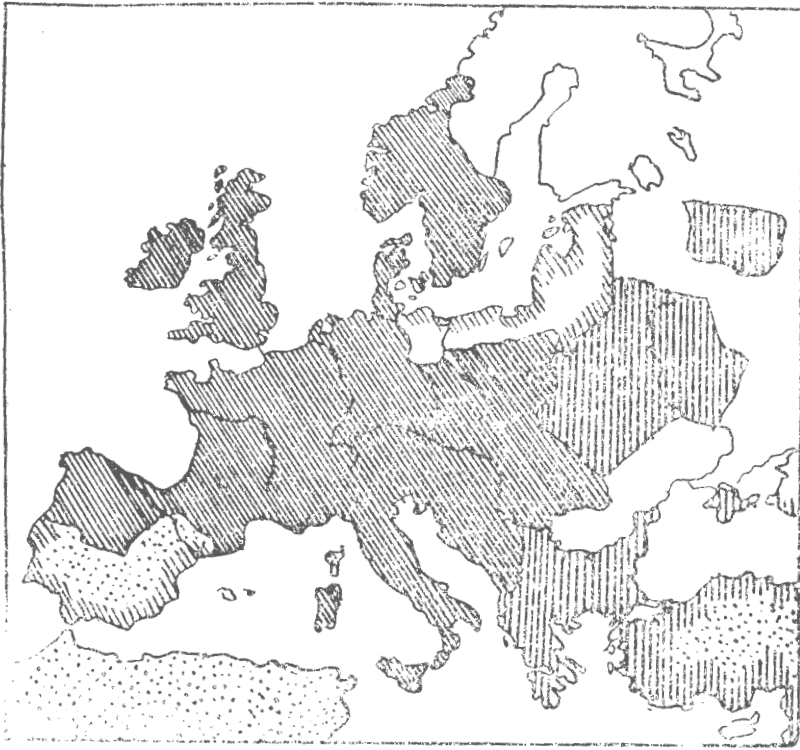
سبک صنعتی رمان مخصوص قسمتی از اروپای مسیحی است که
 حدود از نقطه نظر مذهبی مطیع قدرت روحانی مستقر در شهر روم
 تاریخی و جغرافیائی یعنی پاپ بوده و نفوذ آن در مشرق بوسیله صلیبیان انجام گرفته
 سبک رمان است. دوره حیات ابن سبک از اواخر قرن دهم میلادی شروع شده
 و تا اوایل قرن سیزدهم ادامه یافته است.

در ایامی که مورد بحث ماست قدرت روحانی پاپ در کشور های فرانسه و
 ایتالیا و مغرب و مرکز ژرمانی و انگلستان برسمیت شناخته میشد ولی از اواسط قرن
 چهارم هجری (اواخر قرن دهم میلادی) تقریباً تمام اسپانیا و جزائر با لئار تحت تسلط
 مسلمانان درآمد و فقط در شمال اسپانیا مردم کشور کوچکی که مرکز آن شهر بارسا لون
 بود از مذهب مسیح پیروی مینمودند. دو قرن بعد یعنی در اواخر قرن دوازدهم در
 وضعیت سیاسی اسپانیا تغییرات مهمی رخ داد و مسیحیان تقریباً تمام اسپانیا را از
 مسلمانان پس گرفتند و فقط نوار کوچکی در ساحل جنوبی این شبه جزیره چند زمانی
 تحت عنوان حکومت اندلس در دست مسلمانان باقی ماند.

جزیره سسیل که تا قرن دهم میلادی در دست مسلمانان بود در قرن یازدهم
 تحت اختیار نرماند ها درآمد (ش ۲)

اسلاو ها و فنلاندیها مذهب مسیح را از دست ژرمن ها پذیرفتند و متدرجاً تا
 اواخر قرن سیزده میلادی ناحیه های وسیعی که بین رود خانه های الب و ویستول از
 یکطرف و خلیج فنلاند از طرف دیگر واقعند جزو عالم مسیحیت گردید. کشور های
 شبه جزیره اسکاندینا و در طی قرون ۱۱ و ۱۲ مذهب مسیح را پذیرفتند. از سال ۱۰۰۰
 بعد از میلاد کشور لهستان نیز جزو ممالک مسیحی مذهب شد. در بوهم عیسویها در
 قرن یازده نفوذ پیدا کردند و اسقف نشین (۱) شهر پراگ در سال ۹۷۳ تأسیس شد.
 کشور مجارستان نیز در همین تاریخ بکیش مسیحی گروید و ملل نواحی ترانسیلوانی
 و کروآسی و دالماسی از مجار ها تقلید کردند. باین طریق اگر از دریای بالتیک تا

دریای آدریاتیک خطی رسم کنیم ساکنین کشورهای آنی که در مغرب این خط واقعست در اواخر



ش ۲ - اروپا هنگام ظهور «سبک اول رمان» - هاشورهای ریز کشورهای آنی که مذهب کاتولیک رومی را پذیرفته بودند - هاشورهای درشت کشورهای کاتولیک یونانی - نقطه ها کشورهای اسلامی - سفید کشورهای آنی که هنوز مذهب کاتولیک را نپذیرفته بودند

قرن دهم میلادی مذهب مسیح را برسمیت شناخته بودند و سبک صنعت رمان نیز در همین کشور های مسیحی ایجاد شده نشو و نما کرد .

سبک صنعتی رمان در کشور هایی که با تمدن روم قدیم آشنائی داشتند بیشتر ترقی کرد و چنانکه میدانیم حدود شرقی کشور هایی که تحت اطاعت روم درآمدند از دانوب ورن (۱) تجاوز نمی کرد بعلاوه قسمت مهمی از نواحی واقع در جنوب دانوب

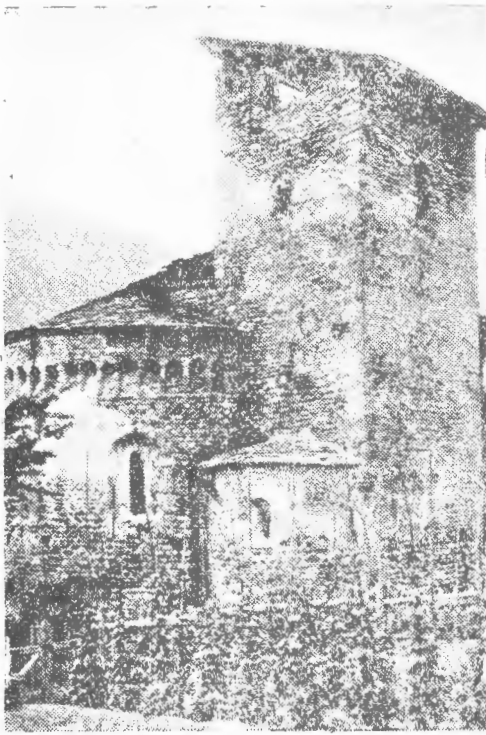
که سابقاً تمدن روم را پذیرفته بودند در نتیجه تاخت و تاز قبایل شرقی ویران شده و یادگار زیادی از تمدن روم در آن نواحی باقی نمانده بود.

هنگامی که در کشور هائی نظیر انگلستان و فرانسه حکومت نسبتاً ثابتی برقرار شده بود در نواحی شرقی اروپا هنوز قبایل تازه وارد در جستجوی محلی برای استقرار خود بودند و تحت اطاعت مرکز مشخصی در نیامده بودند. در این قبیل کشورها مانند کشور مجارستان و کشور اسلاوهای مرکزی موضوع تقلید از انبیه قدیم روم در بین نبود بلکه لازم بود سبک رمان را همانطور که در کشورهای همسایه بوجود آمده بود ساخته و پرداخته قبول نمایند و نظیر آن کلیساها را در کشورهای خود بسازند. بهمین علت سبک صنعتی ژرمانی در تمام نواحی شرقی اروپا نفوذ یافت و مورد تقلید واقع شد.

در مقابل سرزمین پهنای ژرمانی و نواحی تابعه آن، در فرانسه در محیط کوچکتري سبک رمان سیر تکاملی خود را میپیمود و مکتب های فراوانی از این سبک در آن ایجاد شده بود.

مکتب نرماندی هنگام فتح انگلستان بدست نرماندها مورد تقلید مردم بریتانیای کبیر واقع شد و این سبک از آنجا بکشور نروژ نیز نفوذ یافت. در دوره رمان اسپانیا از نظر وحدت سیاسی وجود خارجی نداشت و باین دلیل فاقد وحدت صنعتی نیز بود. کشور ایتالیا در این تاریخ بنواحی متعدد تقسیم شده بود و در هر ناحیه از آن صنایع بنحوی مخصوصی که متناسب با مقتضیات سیاسی و جغرافیائی آن بود پیشرفت میکرد. ولی در کشور ژرمانی برخلاف کشورهای نامبرده در فوق در نتیجه وجود وحدت سیاسی مکتب صنعتی واحدی پایدار بود و سبک این مکتب در تمام نواحی امپراطوری ژرمانی یعنی از دریای آدریاتیک تا دریای مدیترانه بیک نحو رو بتکامل میرفت. حدود غربی امپراطوری ژرمن ها رودخانه های سون (۱) و رون (۲) بود و از طرف مشرق حد معینی نداشت. از طرف جنوب قسمت شمالی کشور ایتالیا یا امباردی جزو این مکتب بود و فورمولهای صنعتی رومی از همین ناحیه بسایر نقاط امپراطوری ژرمانی میرفت.

رویم رفته در اروپای آنروز با وجود اینکه مانند عصر حاضر ملل مختلف مسکن داشتند و بزبان های مختلف حرف می زدند از نظر مذهبی و صنعتی وحدت کامل برقرار بود . در این اوقات همانطوری که بین ما مسلمانان مرسوم است که برای حج بمکه می رویم بین مسیحیان نیز مرسوم بود برای زیارت بشهر های کمپوستل (۱) یا



روم یا بیت المقدس می رفتند . زائران کشور های مختلف در نقاط نامبرده با همدیگر آشنا می شدند و در کشور هایی که سر راه آنها واقع شده بود سبک صنعتی واحدی ایجاد گردید و فیورمولهای صنعتی از شهری شهری سرایت می کرد مهمترین این راههای بین المللی راه دره های رود رن و سون میباشد و این همان راهی است که جنوب اروپا یعنی ایتالیا را بشمال آن یعنی ژرمانی متصل میکند . راه دیگر از تنگه برنر عبور کرده ایتالیا را به دره دانوب و مشرق اروپا اتصال میدهد .

ش ۳- کلیسای سن مارتن در «ام» (ناحیه ساوآ) (۲)- یکی از نمونه های ابنیه سبک اول رمان- مصالح ریز (شیشه به آجر) - طاقچه های کوچک در بالای محراب از خارج بنا

اگر صنعت رمان را از نظر زمان با صنعت بیزانس مقایسه کنیم دوره رمان مطابق است با دومین

دوره عصر طلایی صنایع بیزانس و سلطنت سلسله امپراطوران مقدونی و کوم نئس (۳). از نظر ماهیت بین این دو مکتب صنعتی غرب و شرق اختلاف زیاد است .

هنگامی که صنعت بیزانس روی یادگارهای گذشته میزیست سبک رمان با تیه امیدوار بود. زمانی که صنعت اولی بصورت واحدی شناخته میشد در صنعت دومی مکتب های متعدد وجود داشت. صنعت بیزانس چشم بگذشته دوخته بود در حالی که صنعت رمان که فاقد گذشته بود هر روز در راه تکمیل و ابتکار پیش میرفت و پیش از



مرک نوزادی بوجود آورد که تحت نام « صنعت گتیک » روزهای بسیار درخشانی پیمود.

پیش از ظهور سبک رمان سبک بین‌المللی بسیار وسیعی در نواحی نامبرده در فوق وجود داشت که تا سالهای اخیر با سبک اصلی رمان اشتباه میشد و هر دو سبک را متعلق بیک زمان میدانستند ولی در نتیجه تحقیق باستان‌شناسان امروز این دو سبک از هم جدا شده: سبک اول را « سبک اول رمان » میخوانند و سبک دوم تحت عنوان « سبک رمان »

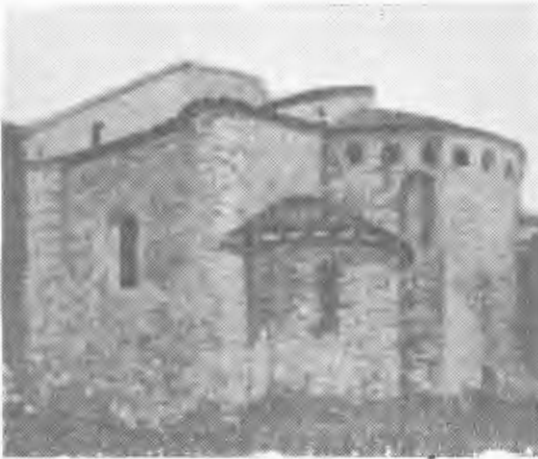
شناخته میشود و اکنون ما بمطالعه سبک « اول رمان » میپردازیم.

ش ۴- کلیسای سن وریل (۱) در فرانسه- نمونه دیگری از ابنیه « سبک اول رمان » - « نوارهای لمبارد » یا « طاقنماهای دنداندار » از خصوصیات ابنیه « سبک اول رمان » میباشد.

صنعت اول رمان سابقاً کلیساهائی مانند جلوخان کلیسای تورنوس (۲) (ناحیه بورگونی) و کلیسای اوتن (۳) (ناحیه بورگونی) و سن ژاک در شهر کمپستل (۴) که از حیث سبک صنعتی و مصالح و تزئینات متمایزند

- (1) Saint Vorles de Châtillon sur Seine (Côte d' or) (2) Tournous
(3) Autun (4) Saint Jacques de Compestelle

تحت عنوان واحد «رمان» شناخته می‌شدند. باستان‌شناس معروف اسپانیولی «پویچ کادافالک» (۱) اول کسی است که وجه تمایز بین این دودسته کلیسا را مشخص نمود و در نتیجه مطالعات او معلوم شد پیش از سبک «رمان» سبک بین‌المللی و سبکی وجود داشته که تا این تاریخ آنرا مکتب صنعتی «لمباردی» (۲) مینامیدند و جزء سبک رمان محسوب می‌شد. سبک معماری صنعت «اول رمان» در بسیاری از نواحی قدیم‌تر از سبک



معماری صنعتی است که تحت عنوان «مکتب‌های مختلف، رمان» پیش از قرن ۱۲ یا بعد از آن معمول شده و سابقاً سبک «رمان» مطلق نامیده می‌شد.

سبک «اول رمان» دارای قواعد معینی است که در عموم ابنیه مربوط به آن سبک دیده می‌شود: اولاً مصالح آن مرکب از قطعه سنگ‌های کوچکی باندازه آجر است (شکل ۳) و چنین بنظر میرسد که این سبک از کشورهای آمده که در آن استعمال

ش - ه کلیسای سن پیترو در آگلیات (۱) ایتالیا (۳) - «طاقچه» های کوچک در بالای محراب کلیسا یکی از خصوصیات «سبک اول رمان» است - قابل مقایسه با شکل ۳

آجر معمول بوده. ثانیاً در خارج بناچیزی شبیه به طاقچه یا طاقنماهای کوچک (۴) دیده می‌شود (ش ۳-۶)، بعلاوه تزئیناتی شبیه به دندانه‌ها در این ابنیه وجود دارد (ش ۴) که آنها را مشخص مینماید.

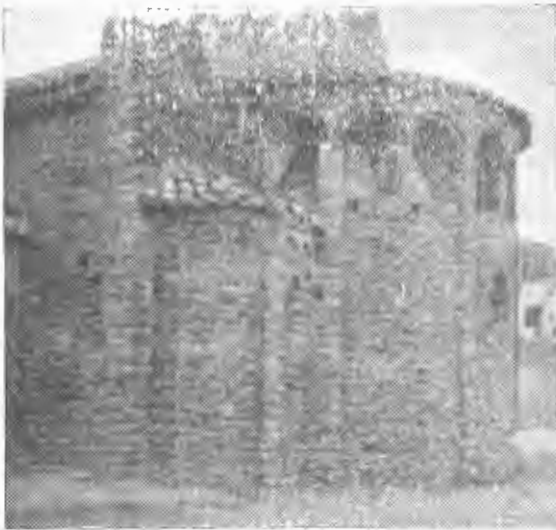
کشورهائیکه در آن سبک «اول رمان» معمول بوده عبارتند از قسمتی از ایتالیا و دالماسی و سویس و تیروول (در اتریش) و دره رودخانه رن و رودخانه موز (۵) و قسمتی از دره‌های رودخانه رون و سون و ناحیه (پروانس) (۶) در جنوب

(1) Puigi Cadafalch (2) Art lombard (3) Saint Pietro d' Agliate

(4) Niches (5) Rhin - Meuse (6) Provence

فرانسه و ناحیه کاتالونی (۱) (در شمال اسپانیا).

در بعضی نواحی سبک اول رمان نفوذ پیدا نکرده و این نواحی خصوصاً آنهائی هستند که صنعت روم قدیم در آنها ریشه‌های محکم داشته، مانند شهر روم و اطراف آن و ناحیه یونانی نشین جنوب ایتالیا. برعکس در بعضی نواحی مانند مرکز و مشرق فرانسه سبک اول رمان بسیار توسعه یافته است.



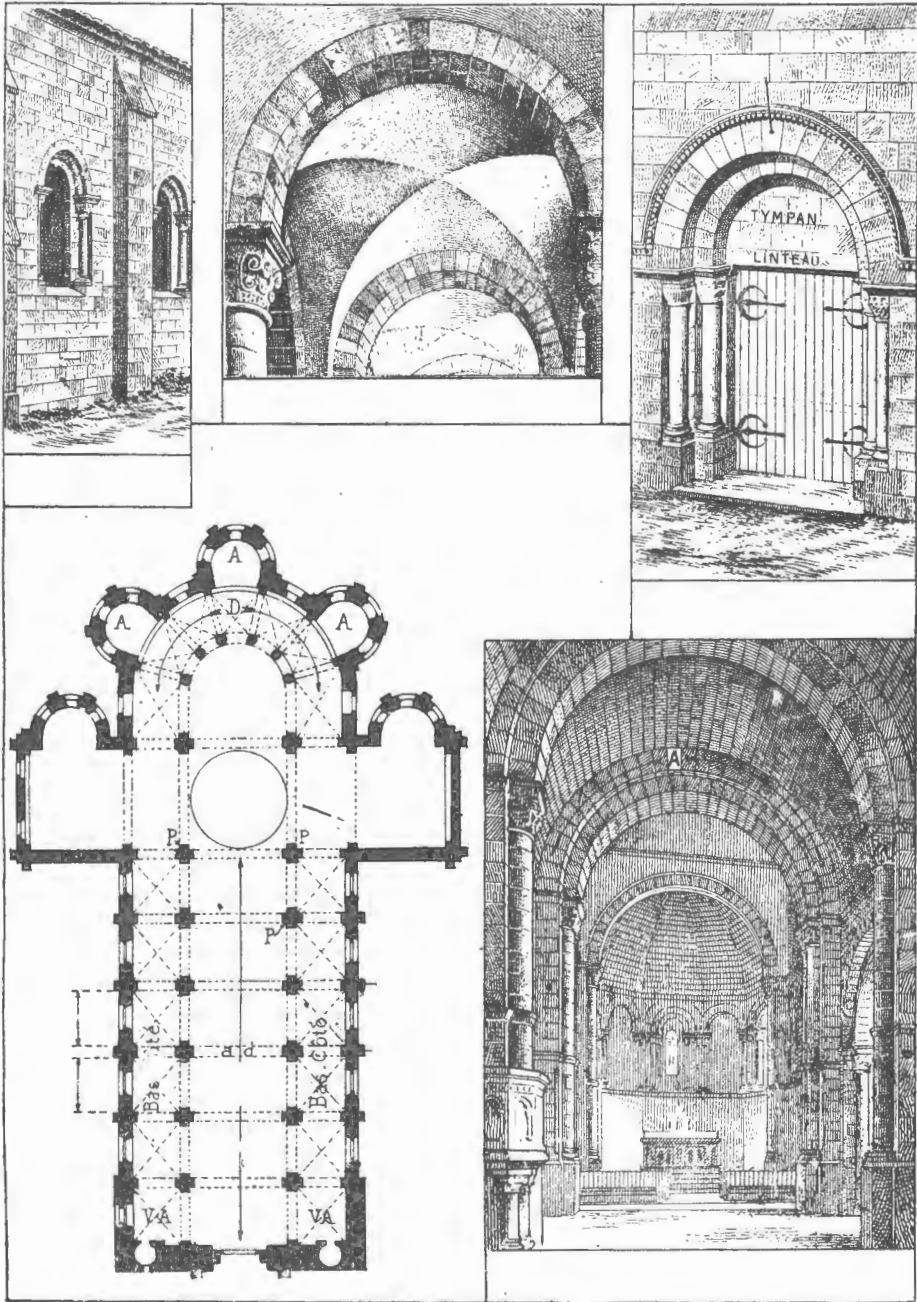
معماران ابنیه این سبک از دیرزمان طاقهای هلالی روی «نف» کلیسا ساخته‌اند و نیز در حدود اواسط قرن یازده روی محل تقاطع دو بازوی کلیسا بانف گنبدی قرار داده‌اند (نف قسمت مرکزی در طول کلیسا می‌باشد و از کلمه ناو مشتق است و بازوی کلیسا در جهت عرض قرار گرفته).

ش ۶ - کلیسای پائولوسا باردرا (۲) در اسپانیا -
طاقچه‌های کوچک در بالای محراب از خارج بنا قابل
مقایسه با شکل ۴ و ۶

امروز ظهور سبک «اول رمان» قبل از سبک «رمان» مسلم

گشته و یکی از خصایص آن غیر از تمایزات فوق‌الذکر قابلیت نفوذ و توسعه آن و متحدالشکل بودن اصول ساختمانی آن است و چنین بنظر میرسد که خط سیر نفوذ این سبک از نواحی مجاور مدیترانه بسوی شمال بوده و در شمال اروپا ریشه‌های طولیلی دوانیده است.

کاملاً روشن نیست منشأ اصلی این سبک در چه محلی بوده و بجه علت تا این حد توسعه یافته. ممکن است مسقط‌الرأس سبک «اول رمان» مشرق زمین باشد زیرا نمونه‌های متحدالشکل آن هم در مغرب و هم در مشرق اروپا در دوره‌های مختلف



ش ۷- این شکل مربوط به صفحه ۱۳ میباشد

ش ۷ - قسمتهای مختلف يك كليسا . - کليد طاق (۱) قطعه سنگیست که در مرتفع ترین نقطه طاق یا قوس واقع شده و اگر آنرا از محل خود برداریم تعادل طاق یا قوس بهم میخورد .

پیشانی سردر (۲) قسمت هلالی یا جناقی بالای سردر کلیسا است و معمولاً سطح آن با نقوش برجسته مربوط بزندگی مسیح یا روز قیامت تزئین شده است .
کتیبه (۳) قسمت افقی بالای در کلیسا است .

طاق ضربی در دوره رمان بسیار معمول بوده و در نتیجه تقاطع دو گهواره در جهت عرض و طول حاصل میشود .

قوس مقاومت قوسی است که يك طاق ضربی را از طاق ضربی دیگر یا قسمتی از گهواره را از قسمتی دیگر آن جدا میکند

جرز استقامت در نقاطی ساخته میشود که فشار طاق روی آن وارد میآید و عمل عمده آن خنثی کردن فشار نامبرده است .

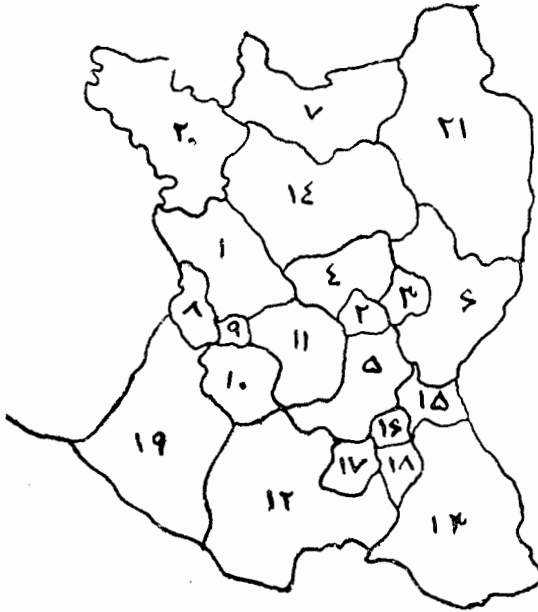
طاق گهواره ای شکل از يك قوس (مانند دهواره اطفال) تشکیل شده و تکیه آن روی دو دیوار مقابل میباشد (تکیه طاق ضربی روی چهارستون مقابل است) .

طرح کلیسای رمان - A محراب (۴) (در يك کلیسا ممکن است چندین محراب وجود داشته باشد) D « دآمبولاتوار » (۵) (غلام گردش) محلی است که از آن میتوان کلیسا را دور زد .

T « ترانسپت » (۶) یا بازوهای کلیسا است که نف اصلی را در جهت عرض قطع میکند و طرح آنرا بصورت يك صلیب در میآورد . « کور » (۷) محلی است که در آن آواز دسته جمعی میخوانند (قسمت علیا) . از بازوهای کلیسا بیابین مخصوص مردم غیر روحانی و از بازوها بیلا مخصوص روحانیون هنگام انجام مراسم مذهبی است .
C جرز مقاومت (۸) P جرز یا ستون (۹) نف (۱۰) تقسیم بندی مرکزی از حیث طول است . نف طرفی در طرفین « نف مرکزی » واقع است (۱۱) ،

-
- (1) Clef de voûte (2) Tympan (3) Linteau (4) Abside (5) Déambulatorie
(6) Transept (7) Choeur (8) Contrefort (9) Piliers (10) Nef
(11) Bas-côtés

دیده شده است، مثلاً هم در صنایع نیمه اسلامی و نیمه مسیحی اسپانیا وجود دارد و هم در صنایع اسلاوهای مولداوی. در اسپانیا ممکن است بتوسط مسلمانان معمول شده باشد و در مولداوی در نتیجه مجاورت با بیزانس، زیرا هنگامیکه کلیساهای نامبرده در اسپانیا و مولداوی ساخته شد (قرن ۱۴) مدتها بود که صنعت گتیک در اروپا



ش ۸- شماره های این شکل که به ترتیب با شماره های زیر صفحه مطابق است ایالات فرانسه را در دوره « سبک صنعتی رمان » تعیین میکند

آن خارج از این نفوذ و تأثیر مانده و در هر کدام از این دو ناحیه مکتب های مختلفی متناسب با وضعیت جغرافیائی آن ناحیه وجود آمده بود.

تقسیماتی که امروز بین نویسندگان تاریخ صنایع معدول است عبارتند از :
 مشرق - فرانسه - شمال فرانسه و شامپانی - نرماندی و قسمت شرقی برتانی - بورگونی - پروانس - مغرب فرانسه - پواتو - سنتونر - پریگورد - بور دوله - آنژو - تورن - بری - مرکز و جنوب فرانسه (ازایموزن

برقرار شده بود بنابراین مامیتوانیم چنین نتیجه بگیریم که منشاء و مبدأ سبک اول رمان در مشرق زمین قرار داشته است.

پیش از مکتب رمان در فرانسه تشکیل

مکتب های مختلف سبک « رمان » در فرانسه این کشور از نظر انبیه آن از دو ناحیه متمایز تشکیل شده بود : جنوب فرانسه و دره رود رون و بساحیه بو رکونی.

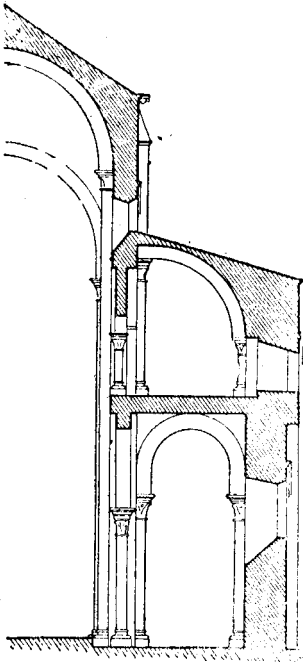
تحت تأثیر و نفوذ سبک « اول رمان » قرار گرفته، شمال و مغرب و مرکز

- (1) Poitou (2) Bourbonnais (3) Nivernais (4) Berry (5) Auvergne
 (6) Bourgogne (7) Normandie (8) Saintonge (9) Angoumois (10) Périgord
 (11) Limousin (12) Languedoc (13) Provence (14) La Loire (Touraine)
 (15) Lyonnais (16) Forez (17) Gévaudan (18) Velay (19) Gasconne
 (20) Bretagne (21) Champagne (N. O.)

تا پیرنه (۱) - اورنی (۲)

از نظر دیگری عموم این کلیساها بسته باینکه سقف چوبی داشته باشند یا طاق آجری و سنگی بدو دسته تقسیم میشوند :

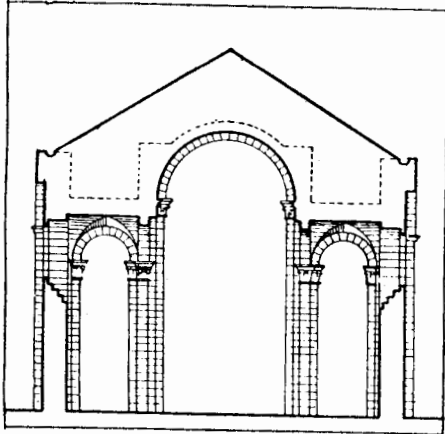
معمولاً کلیساهائی که در شمال رودخانه لوآر (۳) واقع اند سقف چوبی دارند و آنهاییکه بین رود لوآر و کوههای پیرنه قرار دارند مانند کلیساهای بورگونی و پروانس دارای طاق آجری یا سنگی هستند . کلیساهائی که طاق دارند نیز بر سه نوع اند : بعضی از آنها دارای يك نف (۴) اصلی و دو نف طرفی (۵) میباشند و نف اصلی مستقیماً از پنجره هائی که زیر طاق قرار گرفته روشن میشود (بورگونی و پروانس) (ش ۱۰-۱۲) بعضی دیگر فاقد نف طرفی هستند (مغرب فرانسه) و بقیه نف طرفی دارند ولی روشنائی فقط از پنجره هائی که در زیر نف طرفی ساخته شده وارد میگردد و در نف اصلی پنجره وجود ندارد . بنا براین روشنائی بطور غیر مستقیم از نف های طرفی وارد نف اصلی میشود . (ش ۱۱) ناحیه مشرق فرانسه (آلزاس - لورن - موز) تابع صنعت ژرمانی است . خصوصیات این مکتب بقرار زیرند : هر بند ناو اصلی مطابق دو بند ناو طرفی



ش ۹ - کلیسای سنت اتین در شهر نور (۶) مقطع نف مرکزی و طرفین . نوع ساختمانی که در روی نف جناحی يك « بالکانه » (طبقه اول) ساخته شده (۷) و با این حال روشنائی مستقیماً از پنجره های بالا داخل در نف اصلی کلیسا میشود . چون نیم قوس طبقه اول در نقطه فشار طاق نف اصلی تکیه میکند بر استحکام طاق کلیسا افزوده شده . این نوع ساختمان در ناحیه بورگونی در کلیسای پاره لومونال (۸) و در سولویو (۹) بکار برده شده

- (1) Pyrénées (2) Auvergne (3) Loire (4) Nef centrale (5) Bas-côtés
(6) Saint - Etienne de Nevers (7) Tribunes (8) Paray - le - Monial
(9) Saulieu

است. تزئینات داخلی کلیسا بسیار ساده است و روی بام محراب اصلی دو برج قرار دارد (ش ۳۲). نفوذ مکتب رنانی (مغرب آلمان) در آلزاس آشکار است و از طرف دیگر شباهتی بین کلیساهای آلزاس و شهر بال در سوئیس وجود دارد. در نواحی شمالی فرانسه و شامپانی تقریباً تمام کلیساهای که سقف چوبی داشتند



ش ۱۰ - کلیسای نتردام لا گراند در شهر پوآتیه (۲) بهترین نمونه کلیساهای ناحیه پوآتو (۳) میباشد. روشنائی مستقیماً داخل نف اصلی نمیشود بلکه از نهای طرفین وارد کلیسا میگردد. گرچه روشنائی در این قبیل کلیساهای کم است ولی استحکام آن زیاد است.

بازر نتیجه حریق از بین رفتند و یا در دوره گتیک آنرا خراب کردند. وضعیت کلیساهای رمان در این ناحیه خوب آشکار نیست. در ناحیه (ایل دو فرانس) (۱) که بمنزله مسقط الرأس کلیساهای گتیک بشمار میآید زودتر از سایر نواحی کلیساهای گتیک جای ابنیه رمان را گرفت و مهمترین بنائاتی که در دوره رمان از این ناحیه مانده کلیسای شهر شارتر در جنوب پاریس است

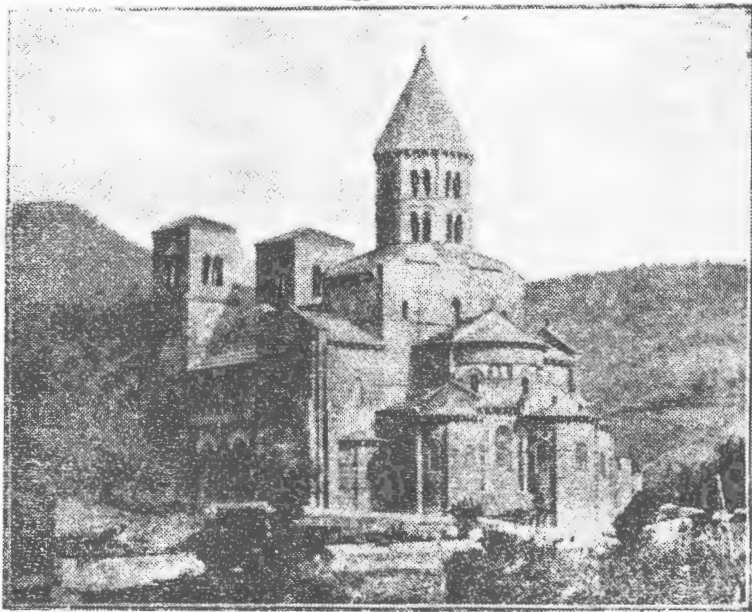
مکتب نورماندی شباهتهایی به مکتب ژرمانی دارد خصوصاً از این حیث که

پایه ها در نف اصلی يك در میان ستون است (ش ۱۵) بعلاوه ناو اصلی فاقد طاق سنگی است و تیر چوبی بجای آن استعمال شده. طرح معمولی کلیساهای نورماندی نظیر طرح کلیساهای بندیگتن ها است (۴) باین معنی که در اطراف محراب اصلی محرابهای دیگری در جهت محراب اصلی وجود دارد (ش ۱۳). در بعضی از کلیساهای این ناحیه مانند کلیسای شهر ژومیژ (۵) و فکامپ (۶) و آورانس (۷) د آمبولاتوآر (۸) نیز دیده میشود.

در داخل کلیساهای این ناحیه در بالای قوسهایی که نف اصلی را از طرفین جدا

(1) Ile de France (2) Notre Dame la Grande de Poitiers (3) Poitou (4) Bénédictins (5) Jumièges (6) Fécamp (7) Avranches (8) Déambulatorie

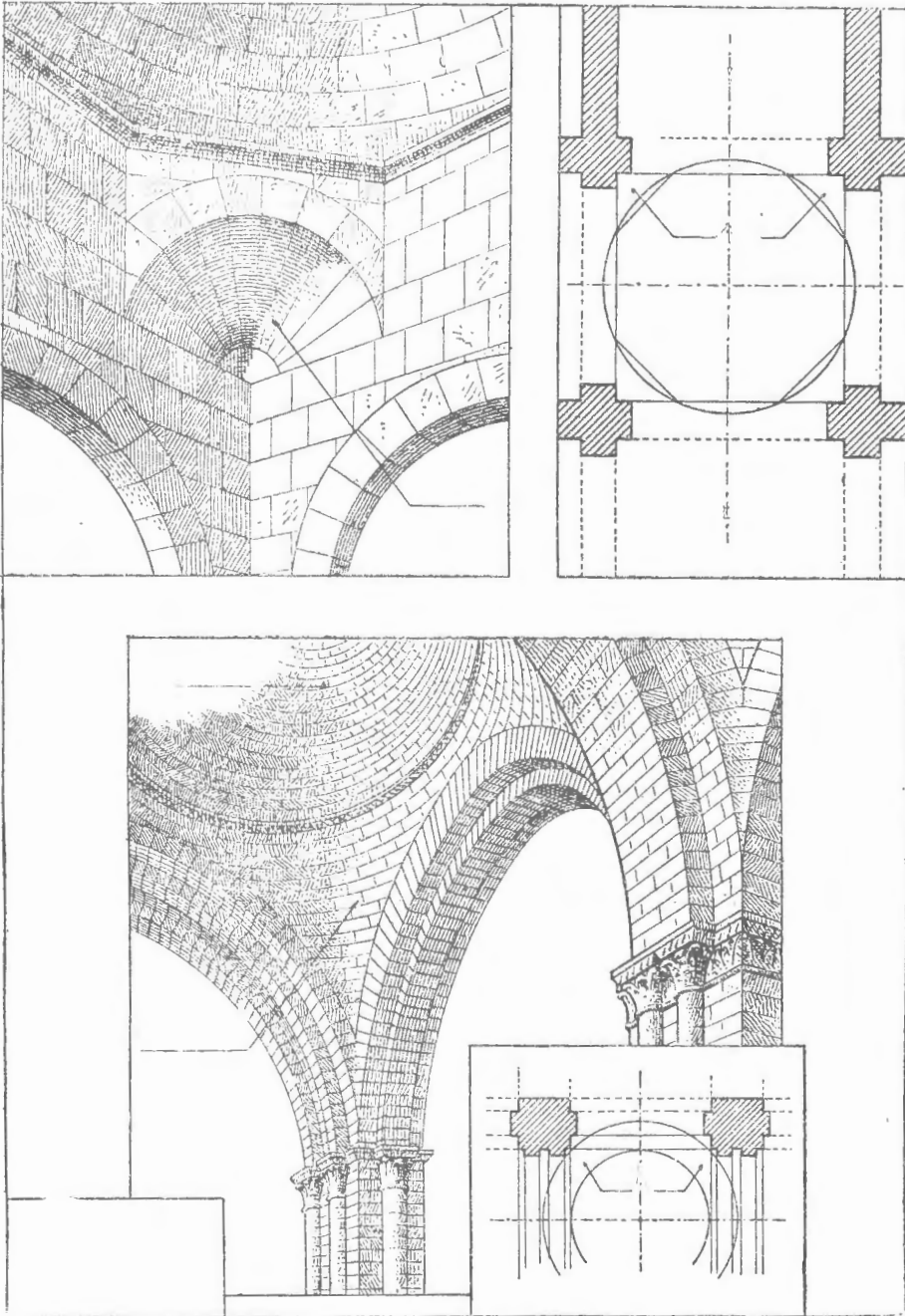
میکند راهی برای عبور در قسمت فوقانی است که دهانه‌های آن بطرف «نف» اصلی باز میشود و در بالای آن ردیف پنجره‌ها را قرار داده اند و این نمای داخلی کلیساهای نرماندی همان است که بعدها در کلیساهای گتیک در «ایل دو فرانس» معمول میشود (ش ۱۵). مکتب نرماندی از سایر مکتب‌ها متمایز است و کلیساهای مهم آن از قبیل کلیسای شهرگان (۱) و سریزی (۲) (ش ۱۴-۱۵) و ژومیژ و غیره بعلت طرح وسیع و برج‌های بلند و تزئینات هندسی که مخصوص آنهاست در بین سایر مکتب‌ها



ش ۱۱ - کلیسای سن مارتین (۳) در پوی لو دوم (ناحیه اورنی)، یکی از نمونه‌های کامل کلیساهای رمان؛ در اطراف مجراب اصلی محراب‌های محیط - روی محل تقاطع بازوهای کلیسا برج ناقوس - برآمدگی طاق بازوهای کلیسا از خارج بنا - دو برج ناقوس روی جالو خان کلیسا.

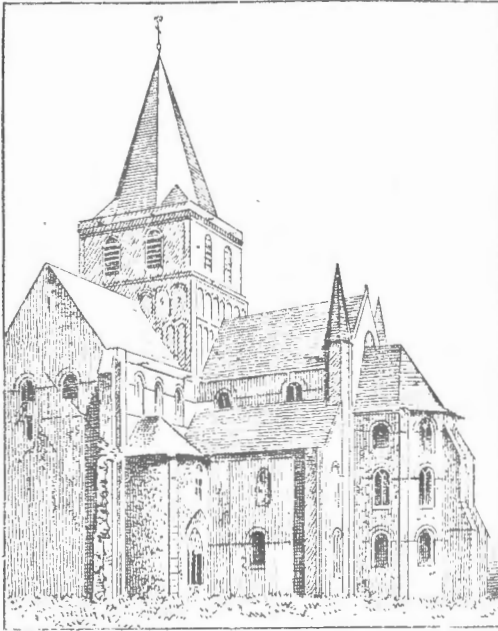
وضعیت بخصوصی پیدا کرده‌اند.

در ناحیه بورگونی در اواخر قرن یازدهم مکتب مشخصی جای سبک اول رمان را گرفت.



ش ۱۲- بالای عکس فوق: گنبد روی چهار گوشوار و طرح آن و در زیر آن نوع دیدری از گنبد روی گوشوار و طرح آن - این نوع گنبدها بیشتر در کلیساهای جنوب فرانسه معمول بوده و نمونه‌های بسیار قدیمی آن در اشیاء دوره اشکانی در ایران وجود دارد .

مکتب بورگونی بهات تناسب قسمتهای مختلف بنا و تقلید از ابنیه روم قدیم و نقش برجسته های زیبایش از سایر مکتب ها متمایز است. کلیسای کلونی (۱) که معروفترین ابنیه مکتب بورگونی است يك نف اصلی و چهار نف جناحی دارد (ش ۱۶). روی نف اصلی طاق گهواره ای شکلی ساخته شده و سه طبقه دارد: ردیف پنجره ها -



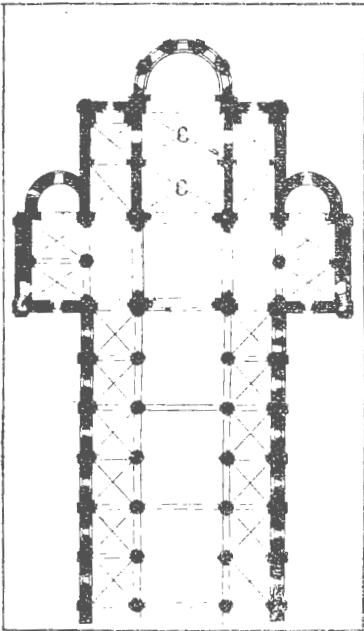
ش ۱۳ - کلیسای شهر سربزی لافوره
در نمایی

ردیف طاق نماهای - سه دهانه ای (تریفوریم) (۲) - ردیف قوسها و پایه ها (شکل ۱۷). کلیسای کلونی در شهرهای پاره لومونیال (۳) و سولیو (۴) و اوتن (۵) (شکل ۱۹) و بوم (۶) و سمورد بریونه (۷) و لانگر (۸) و غیره مورد تقلید واقع شده است. دسته دیگر از کلیساهای مکتب بورگونی آنهایی هستند که از کلیسای مادرین در شهر وزله (۱۰) تقلید شده اند. داخل این نوع کلیساها فقط دو طبقه دارد و فاقد تریفوریم است ولی

روشنائی از پنجره های نف اصلی مستقیماً داخل در کلیسا میشود. بعلاوه طاق نف اصلی و نف های جناحی آن ضربی هستند. نظیر این کلیساها در شهر آنزی لو دوک (۱۱) و گوردون (۱۲) و تولون سور آرو (۱۳) و سن هارتن دو بور (۱۴) و سن لازار در شهر آوالن (۱۵) و پونتو بر (۱۶) دیده میشوند. این طریقه بوسیله سیسترین ها (۱۷) بسایر نقاط دنیا برده شد. در بورگونی کلیساهائی نیز وجود دارد که نف اصلی آن

- (1) Cluny (2) Triforium (3) Paray le Monial (4) Saulieu (5) Autun
(6) Beaume (7) Semour en Brionnais (8) Langres (9) Cerisy la Forêt -
(Normandie) (10) Vezelay (11) Anzy le Duc (12) Gourdon (13) Toulon
sur-Arroux (14) Saint Martin du Bourg (15) Saint Lazared' Avallon
(16) Pontaubert (17) Cisterciens

فاقد پنجره میباشد و بهترین نمونه این دسته کلیسای فونتونه است (۱) که بدست سیستمتر سیمنها ساخته شده. طاق‌های گهواره‌عری (۲) فقط در کلیسای شهر تورنوس (۳) بکار برده شده و بعضیها میگویند این نوع طاق تقلید از ابنیه دوره ساسانی در ایران است ولی لازم است در باره این موضوع مطالعه دقیق‌تری شود. این نوع طاق در کلیسای مون سن ونسان (۴) در ناحیه سون ولوآر نیز استعمال شده. در مکتب پروآنس کلیساهای



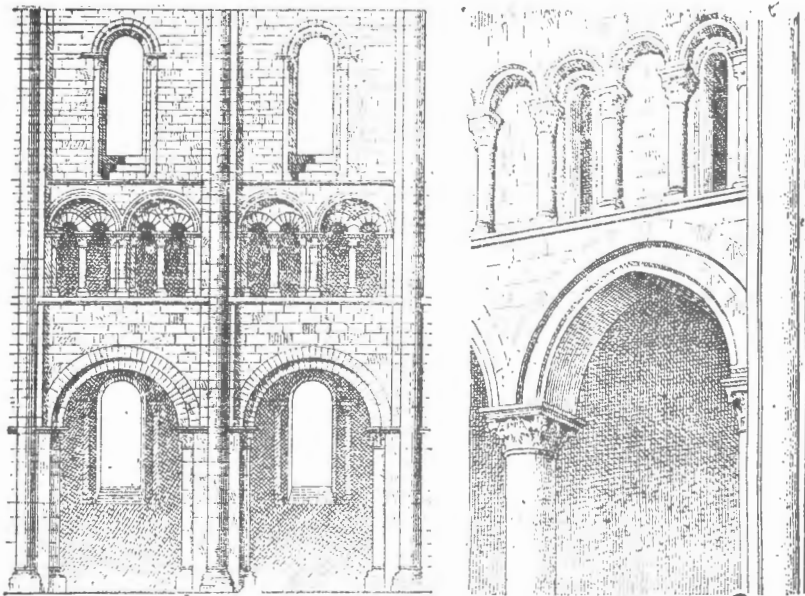
شکل ۱۴ - طرح کلیسای سریزی لا فوره در نرماندی مانند مکتب ژرمانی هر بند از نف مرکزی مطابق دو بند از جناحین است - محرابهای فرعی در جهت محراب اصلی هستند - «دآمبولآ توآر» وجود ندارد.

رمان غالباً فاقد نف‌های جناحی است. گاهی نیز طرح کلیساهای این مکتب شبیه بطرح بازیلیکهای رومی است باین معنی که غالباً فاقد بازو است و در دو طرف محراب‌های اصلی دو محراب کوچک در جهت محراب اصلی قرار دارد. روشنایی مستقیماً از پنجره‌های نف اصلی وارد کلیسا میشود ولی پنجره‌های آن بسیار کوچک است.

طاق نف کلیساهای این مکتب گهواره‌گازی یا جناقی است و در صورتی که نف جناحی وجود داشته باشد طاق آن بشکل ربع دایره است. در کلیساهای پروانس گنبد گوشوار دار زیاد بکار برده شده و مهمترین کلیساهای مکتب این ناحیه عبارتند از کلیساهای شهر آوینیون (۵) و کایون (۶) و سن پل تراوشاتو (۷) و سن ترونیوم در شهر آرل (۸) و سن رستیتو (۹) و مون ماروژ (۱۰) و سن گابریل (۱۱) و غیره.

- (1) Fontenay (2) Berceaux transversaux (3) Tournous (4) Mont St - Vincent (5) Avignon (6) Cavignon (7) Saint-Paul-Trois-Châteaux (8) Arles (9) Saint Restitut (10) Mont Major (11) St Gabriel

در مکتب مغرب (پوآ تو - سنتونژ - پریگورد - بردوله - آنژو - تورن و قسمتی از بری و برتانی) دو نوع کلیسا وجود دارد: نوع اول دارای نف جناحی و نوع دوم فاقد جناح است. در نوع اول طاق نف‌های جناحی را آنقدر بلند ساخته‌اند تا بتوانند تکیه‌گاه فشار طاق نف اصلی باشد. بلند بودن طاق نف‌های جناحی باعث میشود که در نف اصلی نتوانند پنجره باز کنند و روشنائی فقط از پنجره‌های نف جناحی وارد کلیسا میشود.



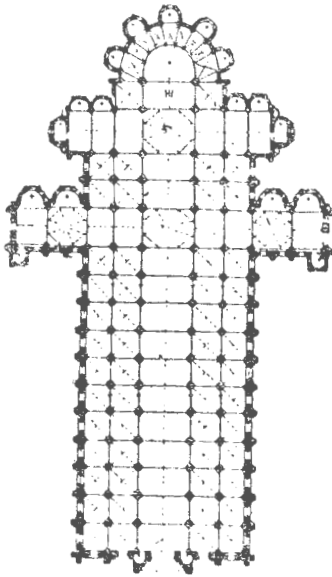
شکل ۱۵ - سمت چپ کلیسای مون سن میشل (۱). محل عبور معماران برای بازدید و تعمیر بنا (تریفوریم حقیقی) (۲) - سمت راست تریفوریم کور و غیر حقیقی (۳) بدون محل عبور، تقلید از نوع بالا و فقط برای تزئین کلیسا - کلیسای اسقف نشین شهر مان (۴)

طرح پایه‌ها معمولاً بشکل گل چهار برگ است. (ش ۱۴) - نقوش برجسته و تزئینات در کلیساهای این مکتب فراوان است. در نمای خارجی کلیسا چند ردیف طاقنماهای کور برای تزئین دیوار میساختند و کلیساهای ناحیه پوآ تو بیشتر دارای این خواص هستند. نوع دوم کلیساهای این مکتب فاقد نف جناحی است و نف اصلی آن از يك طاق گهواره‌ای شکل یا يك ردیف گنبد گوشوار دار ساخته شده. در کلیساهای

- (1) Mont Saint Michel (2) Triforium véritable (3) Faux triforium
(4) Cathédrale du Mans

مرکز فرانسه و نواحی مجاور پیرنه معمولاً طاق گهواره‌ای شکل بکار می‌برند و روشنائی مستقیماً داخل نف مرکزی نمیشد در اکثر کلیساهای این مکتب در بالای نف‌های جناحی غرفه‌های بالکانه وجود دارد که طاق آن نیم گهواره است. این نوع کلیساهای معمولاً در شهر هائیی هستند که سر راه زوار واقع شده بود. همانطور تاریخ انقراض این مکتب‌ها در نواحی مختلف متفاوت است. سبک گتیک در اواخر قرن ۱۱ در ایل دو فرانس بوجود آمد و از آن بعد تدریجاً کلیساهای رمان جای خود را بکلیساهای سبک

جدید گتیک داد و در اکثر نقاط قسمت پائین کلیسا متعلق بدوره رمان است و هنگامی که خواسته اند قسمت فوقانی آن را تعمیر کنند طاق را به سبک گتیک تعمیر کرده اند بطوریکه نمونه هر دو سبک در آن موجود است.

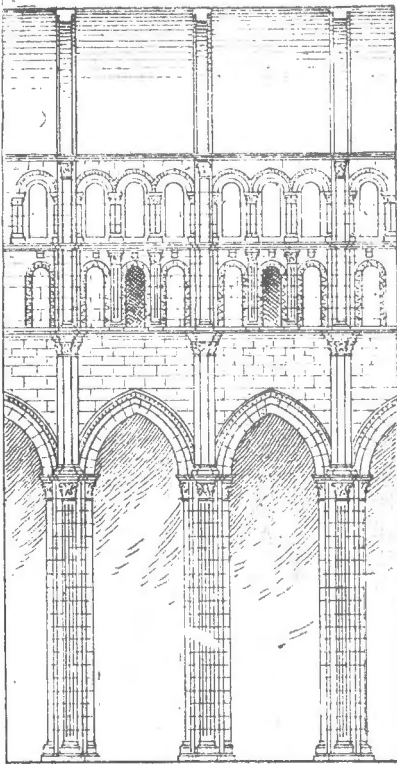


بیش از آنکه انگلستان
مکتب رمان
بدست نرماندها فتح شود
در انگلستان
تحت نفوذ صنعت نرماندی
در آمده بود و این مطالب خصوصاً از طرح قسمت‌های قدیمی کلیسای وست مینستر (۱) که بدست ادوارد کنفسور (۲) در حدود سالهای واقعه بین ۱۰۴۱ و ۱۰۶۶ ساخته شده آشکار میشود از ۱۰۶۶ یعنی بعد از فتح انگلستان تاثیر صنعت نرماندی در آن کشور شدت یافت. گیوم فانج که برای اسقرار قدرت خود ناچار بود از روحانیون حمایت کند و سایل

شکل ۱۶ - طرح کلیسای شهر کنونی (۳):
وجود دو بازو و محراب‌های محیط‌بر
محراب اصلی و روی بازوی کلیسا در
جهت محراب اصلی - وسعت فوق العاده
کلیسا و وجود چهار نف جناحی - گهواره
و قوس‌های مضاعف و طاق ضربی
روی جناحین

لازم برای ساختمان ابنیه قدیم مذهبی در اختیار آنها گذاشت و بهمین دلیل در سالهای

بعد از فتح انگلستان مقدار بسیاری ابنیه مذهبی در آن کشور برپا شد. اگر چه این ابنیه طبق سبک مکتب نرماندی ساخته شد ولی اثراتی از صنعت محلی ساکسن (۱) و از صنعت ژرمانی (رنانی) در این ابنیه دیده میشود. طرح این کلیساها معمولاً شامل يك محراب اصلی و چند محراب فرعی در جهت محراب اصلی (ش ۱۴) بایك «دآمبولاتوار»



و محرابهای محیط بر آن میباشد. (ش ۷). طرح اول مخصوص مکتب نرماندی بود و در کلیساهای وست مینستر و سنت هاری در یورک (۲) و کلیساهای شهر لنکولن (۳) و دورهام (۴) و غیره دیده میشود. طرح دوم در کلیساهای زیر بکار برده شده.

کلیسای باتل آبی (۵) (۱۰۷۰-۱۰۷۱) و سنت اکوستن (۶) در شهر کانتوربری و کلیسای وینچستر (۷) و ورسستر (۸) و نورویچ (۹) که بترتیب در سالهای ۱۰۷۹ و ۱۰۸۴ و ۱۰۹۶ ساخته شده اند و آبه نشین گلوسستر (۱۰) (۱۰۸۹) و بوری سنت ادموند (۱۱) و تیو کسبوری (۱۲) که در اواخر قرن یازدهم ساخته شده اند.

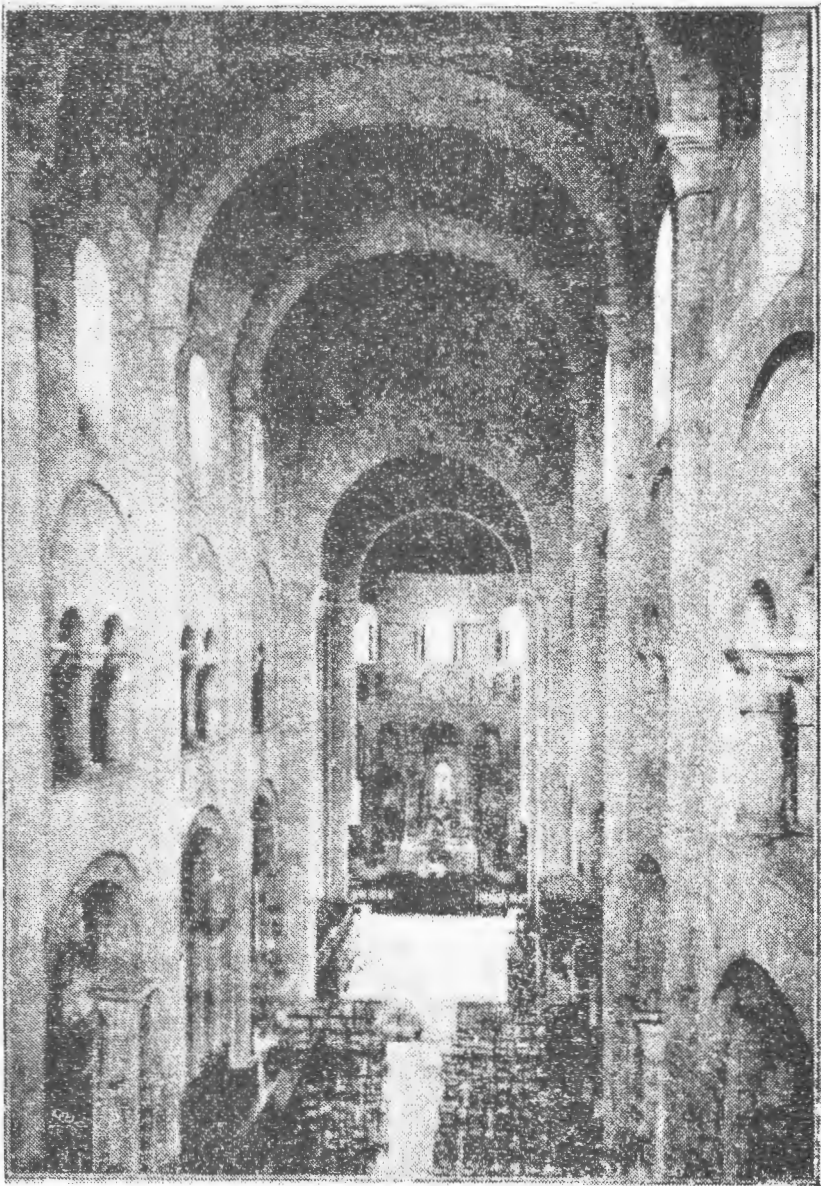
کلیساهای انگلستان غالباً وسیعتر از کلیساهای

ش ۱۷ کلیسای کلونی گذشته از طبقه قوسهای جناقی يك ردیف «تریفوروم» و يك ردیف پنجره بالای نف اصلی دارد. قوسهای کلیسای کلونی جناقی هستند.

نرماندی هستند. مثلاً نف کلیسای الی (۱۲) ۱۳ بند دارد.

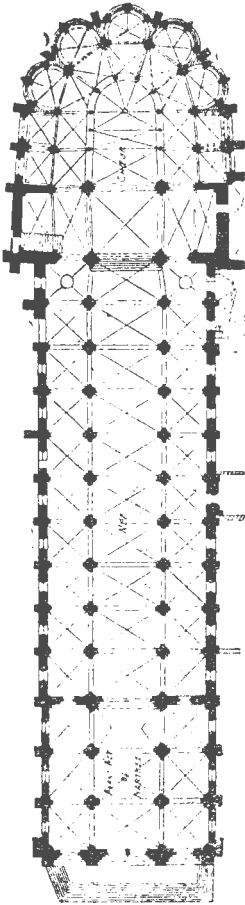
داخل کلیساهای انگلستان شبیه بداخل

- (1) Saxon (2) Sainte Marie d' York (3) Lincoln (4) Durham (5) Battle Abbey (6) Saint Augustin de Cantorbery (7) Cath. de Winchester (8) Worcester (9) Norwich (10) Gloucester (11) Bury St Edmunds (12) Tewkesbury (13) Ely



ش ۱۸- داخل کلیسای سنت اتین در شهر نور (قرن ۱۲) : طاق گهواره ای شکل - هلال کامل
 با قوس مضاعف - در انتهای کلیسا محراب بدون « دامبولاتوار » . روشنائی
 مستقیماً از پنجره های بالا داخل نف اصلی میشود . بهترین نمونه سبک رمان در
 ناحیه اورنی

کلیساهای نرماندی است باین ترتیب که بالای قوس پایه‌ها غرفه‌های طبقه اول و بالای آن پنجره‌ها هستند و جلاوی پنجره‌ها محلی برای عبور از قسمت فوقانی کلیسا ها و سرکشی به قسمتهای مختلف آن یا پاک کردن پنجره‌ها و انجام تعمیرات دیده میشود (ش ۱۵).



تناسب قسمت‌های مختلف نمای داخلی کلیساهای انگلستان ثابت نیست مثلاً گاهی ارتفاع قوسهای پایه‌ها با قوسهای غرفه‌های طبقه اول مساوی است ولی بعضی اوقات ارتفاع قوسهای پایه‌ها از غرفه بسیار زیادتر است تناسب نوع اول که نظیرش در فرانسه در کلیساهای سنت اتین (۱) و سریزی لافوره (۲) دیده میشود در انگلستان مخصوص کلیسای اوک‌نشین و پنجستر و (الی) و پتر بوروغ (ش ۲۸) میباشد نوع دوم که نظیرش در فرانسه در کلیسای ژومیژ (۳) (ش ۲۷) دیده میشود در انگلستان مخصوص کلیسای دورهام (۱۰۹۳) میباشد: در این کلیسا بین پایه‌های یک در میان ستون مدور قرار داده‌اند. بعلاوه این کلیسا اولین کلیسای انگلستان است که در آن نوار ازیف (۴) استعمال شده.

اسپانیا و پرتغال قبل از مطالعه صنعت رمان در اسپانیا و پرتغال باید در نظر گرفت که بعزت مجاورت با اسپانیای متصرفی مسلمانان سبک رمان در این کشور تحت نفوذ صنایع اسلامی قرار گرفته و خصوصیات خود را از دست داده است. صنعت حقیقی رمان در اسپانیا فقط در نواحی کوهستانی شمال آن کشور توانست مختصات خود را حفظ کند.

ش ۱۹ - طرح کلیسای مادرین در شهر وزله. نف اصلی و جناحین - طاق ضربی - از بازو های کلیسا بی‌الامتعلق بدوره گتیک - سه بند از نف اصلی کلیسا مخصوص هشتی سر پوشیده برای مواقع بارانی است

- (1) St. Etienne de Caen (2) Cerisy - la - Forêt (3) Jumièges
(4) Croisée d'ogives

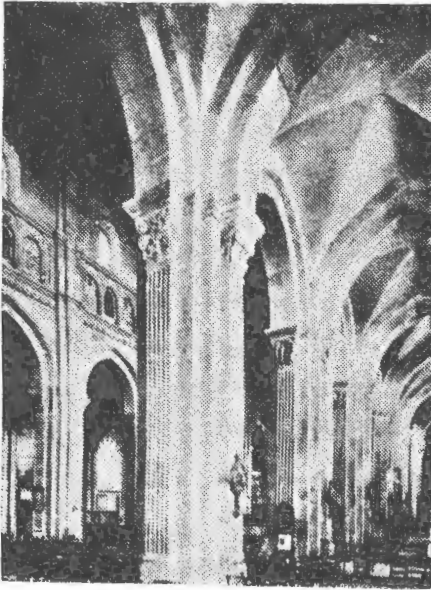


ش. ۲۰- نف مرکزی کلیسای وزله با طاقهای ضربی و قوسهای مضاعف رنگارنگ شبیه با بنیه
اسلامی اسپانیا - روشنائی مستقیم از پنجره های نف اصلی . در انتهای نف اصلی محراب
متعلق بدوره گنیک



ش ۲۱ - یکی از جناحین کلیسای وزله - که دارای طاق ضربی و قوسهای مضاعف است.

آثار نفوذ صنعت اسلامی در ابنیه مذهبی اسپانیای شمالی خصوصاً در سبک معروف به مستعرب (۱) دیده میشود و مهمترین این آثار عبارت از قوسی است شبیه به نعل اسب که در ابنیه قرطبه در آن زمان معمول بوده. نباید فراموش کرد که بعضی از موضوعهای تزئینی ابنیه اسلامی بوسیله اسپانیا به فرانسه نیز انتقال داده شده است (شکل ۴۱)



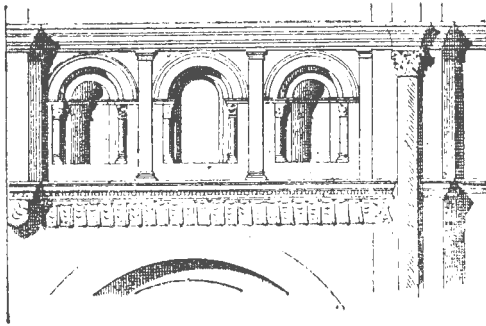
در کاتالونی (شمال اسپانیا) که در زمان شارلمانی جزئی از کشور فرانسه بود سبک اول رمان در حدود قرن دهم میلادی جای صنعت مستعرب را گرفت. در همین ناحیه سبک مکتب های رمان پس از سبک «اول رمان» معمول شد ولی در قسمتهای دیگر اسپانیای مسیحی در قرن ۱۱ و ۱۲ انقلاب صنعتی مخصوصی که منشاء آن کشور فرانسه بود بوجود آمد.

ش ۲۲ - کلیسای شهر اوتن (۲) در نف های جناحی طاق ضربی. در نف اصلی «تریفوریم کور» - پنجره در بالای تریفوریم - روشنائی مستقیم در نف اصلی - روی پایه های صلیبی شکل جرزهای «ناودانک» دار و سرستونهای منقوش به موضوعهای تاریخی - تقلید از کلیسای شهر کلونی.

این انقلاب صنعتی با وقایع تاریخی نیز مطابقت دارد زیرا از ۱۰۱۸ تا اواسط قرن ۱۳ فرانسویها بعنوان جهاد بر ضد مسلمانان اسپانیا

بآن کشور لشکر کشیدند و این لشکریان گذشته از سربازان و جنگجویان عده ای مبلغ^۱ و کشیش و سازنده کلیسا همراه خود با سپانیا آوردند. مرکز حرکت این جهاد شهر کلونی بود و پس از اینکه قسمتی از خاک اسپانیای مسلمان بدست مسیحیان میافتاد عده زیادی از فرانسویان برای سکونت و آباد کردن در آن ناحیه از خاک فرانسه به اسپانیا مهاجرت میکردند.

از کلونی (۱) دسته های مهمی از مجاهدین بسوی اسپانیا براه میافتادند و در هر شهری مدتی اقامت کرده بدعا و موعظه میپرداختند و به جمع آوری افراد مجاهد و تهیه آذوقه و پول مشغول میشدند در نتیجه هر چه با اسپانیا نزدیک می شدند بر تعداد آنها افزوده میشد ولی چون این صیلبی هامردم جنگجو و سرباز حقیقی نبودند معمولا



کار زیادی از پیش نمیبردند ولی چون در مدت توقف خود بزیارت کلیساهای سن ژاک و کمپوستل (۲) (در اسپانیا) میرفتند رفته رفته سبک معماری کلیسا های این کشور اثری در ذهن آنان باقی می گذاشت. کلیساهایی که در این زمان در اسپانیای

شمالی ساخته میشد نظیر کلیساهای ش ۲۳ - چاوخان کلیسای سن پول تروآشانو (۴) در فرانسه خصوصاً کلیساهای نواحی

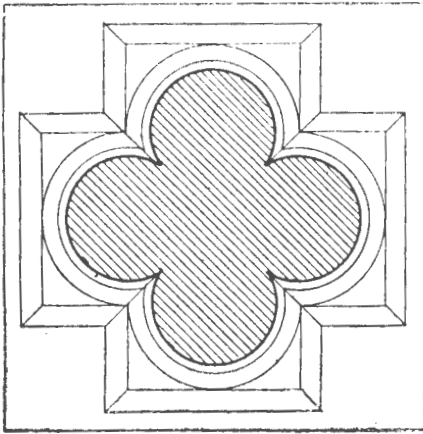
مجاور کلونی بود و مهمترین آنها عبارت اند از سن ژاک دو کمپوستل (ش ۲۹) و سن ایذیدور دولئون (۳) و سن مارتین دو فرومیستا (۵) که شباهت بکلیساهای مرکز فرانسه دارد و کلیسای اوگو (۶).

کلیساهای سنت تیمرز (۷) سن لوران در شاگون (۸) و سنت آندره در سکوی (۹) و غیره برخلاف دسته فوق کاملاً تحت نفوذ صنایع اسلامی واقع شده اند. در بین کلیساهای دوره رمان در پرتغال که اکثراً آنها اساساً تعمیر شده بعنوان نمونه میتوان کلیسای کوامبر (۱۰) را نام برد که در بالای ناو جناحی غرقدهای طبقه اول دارد.

ایتالیا در دوره رمان به نواحی مختلف تقسیم شده بود: در یک **مکتب رمان در ایتالیا** قسمت از آن علاقه زیاد به آثار تمدن قدیم نشان می دادند

- (1) Cluny (2) Saint Jacques de Compostelle (3) St. Isidore de Léon
(4) Saint Paul Trois Châteaux (5) St. Martin de Fromista (6) Cath. de Lugo (7) St. Thyrsé (8) St Laurent de Schagun (9) St André de Ségovie (10) Cath. de Coimbre

و برای ساختن کلیساهای خود طرح بازلیک قدیم را بکار می بردند . بخش دیگری تحت نفوذ یونان قرار گرفته و شامل شهر و نیز (۱) و سن مارک (۲) و ایالات جنوبی ایتالیا بود . قسمت مهم این کشور نیز تحت تأثیر سبک اول رمان واقع شده بود و در آنجا نیز مانند کشور فرانسه در بعضی نواحی سبک اول رمان نتوانست کاملاً نفوذ پیدا کند . گذشته از نواحی فوق الذکر چند مکتب نیز در دوره رمان ایجاد شد مانند مکتب لمباردی (۳) و مکتب توسکان (۴) . از نقطه نظر دیگر کشور ایتالیا



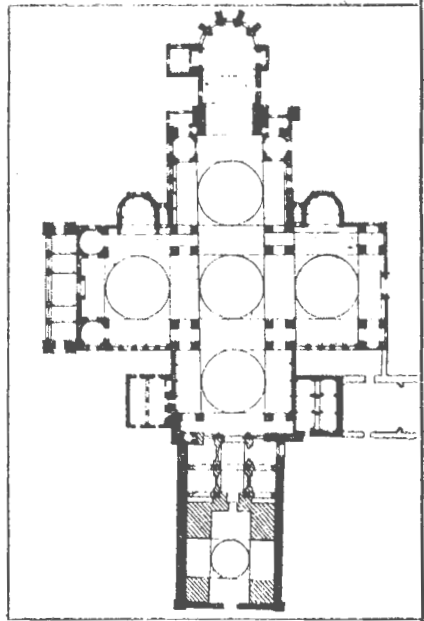
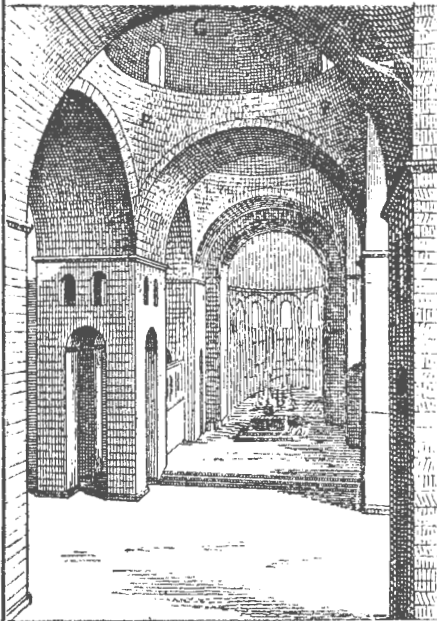
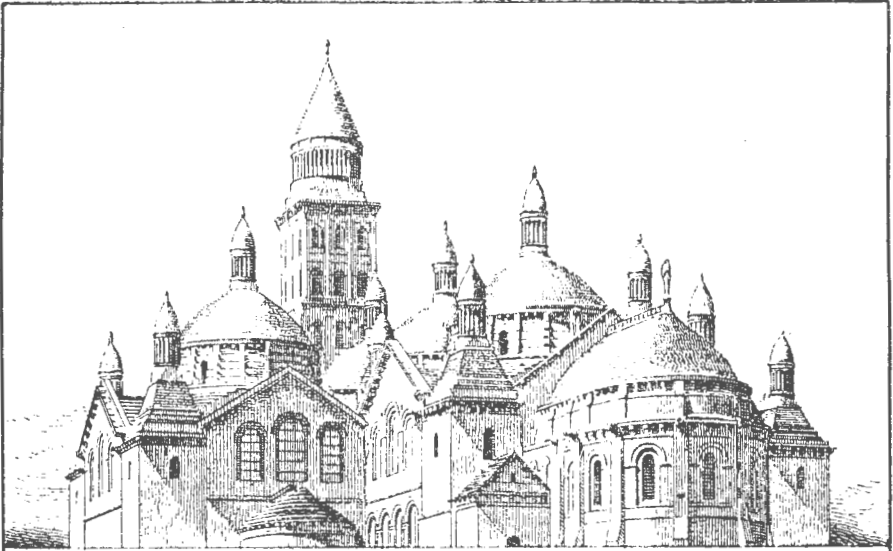
در دوره رمان به سه ناحیه بزرگ تقسیم میشد . ایتالیای شمالی مرکزی جنوبی .

ایتالیای شمالی

سابقاً برای صنعت رمان در لمباردی اهمیت فوق العاده قائل میشدند و مدت حیات آنرا نیز بیش از اندازه حساب میکردند . پوچ کادافالک (۵)

نویسنده مشهور اسپانیولی ابنیه ش ۲۴ - طرح بایه ستون بشکل گل چهار برگ - کلیسای اولنه (۶) در ناحیه اورنی

دوره رمان ایتالیا را به دو دسته تقسیم میکنند : دسته اول آنهایی هستند که با آجر یا قطعه سنگهای کوچک و تراشیده ساخته شده اند . و در قسمت فوقانی آنها از خارج بنا طاقچه های کوچکی برای روشنائی تعبیه شده یا نوار طاقنما هایی که تحت عنوان (نوار لمبارد) شناخته میشود در خارج نمای بنا وجود دارد . آنچه سابقاً بنام صنعت لمبارد شناخته میشد و تصور میکردند ابتدای مکتبهای صنعتی رمان است در حقیقت جزئی از سبک بین المللی اول رمان میباشد که در لمباردی مانند سایر نواحی اروپا در قرن دهم میلاری معمول بوده است ، پس از آن در قرون ۱۱ و ۱۲ در لمباردی نیز مانند سایر نواحی اروپا مکتب مخصوصی از صنعت رمان ایجاد شد ابنیه این مکتب دسته دوم را تشکیل میدهند ولی



ش ۲۵ - طرح و داخل و خارج کلیسای پریگو - طاق گنبددار با گوشوارها که
در جنوب فرانسه معمول بوده است



ش ۲۶ - داخل کلیسای پریکو

باید متوجه بود که در بعضی از کلیساهای شهر میلان و نواحی اطراف آن زودتر از سایر نقاط اروپا خصوصیات سبک اول رمان ظاهر شد و این خصوصیات عبارتند از :

طرح مربعی از سه نف موازی و بدون بازو و سه محراب در جهت نف ها و مصالح آجری یا سنگ تراشیده و طاقچه در بالای دیوار محراب از طرف خارج برای روشنایی (محراب سنت آمبرواز در میلان (۱) و سن .



ش ۲۷- کلیسای اوک نشین دورهام (۵)
در انگلستان

و نسان دو پره (۲) در شهر آگلیات (۳) و هم چنین نوار طاق نماهای کور در خارج بنا که مربوط بدوره های قدیم تر است و در ساختمانهای شهر راون (۴) بکار بکار برده شده . بنا بر این عموماً چنین تصور می کنند که سبک اول رمان در ایتالیا بعلمت روابط آن با بیزانس و با مشرق زمین زودتر از سایر نواحی اروپا ظاهر شده است .

بهر حال موضوع تعیین تاریخ کلیساهای لمباردی هنوز کاملاً روشن نشده و عموم باستان شناسان راجع به قدمت بعضی از کلیساهای این ناحیه متفق الرأی نیستند .

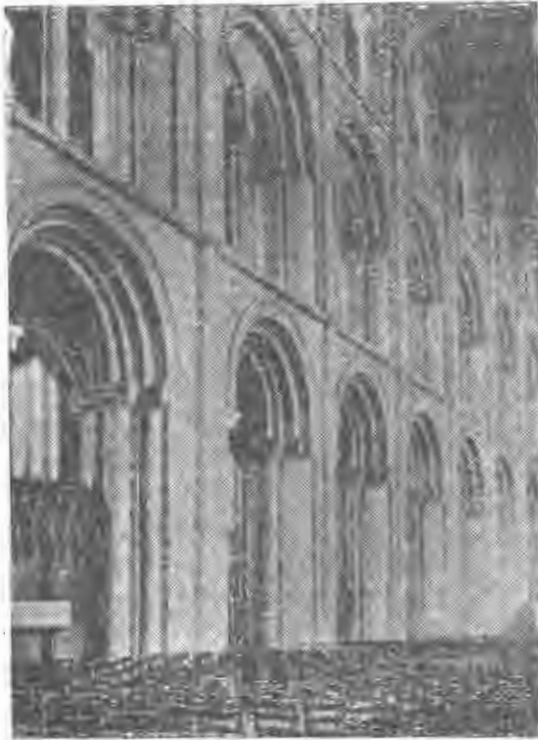
در ماوراء کوه های آلپن (۶) کلیساهایی ساخته شده بود که ایتالیای مرکزی سبک معماری آن با سبک معماری کلیساهای شمال ایتالیا کاملاً متفاوت

بود . در این سرزمین که یادگار صنایع دوره کلاسیک روم بود کلیساهای مکتب توسکان (۷) از طرح بازلیک سابق پیروی کرده برای تزئینات بنا نیز از ابنیه قدیم تقلید مینمودند . مهمترین مراکز مکتب تسکان شهرهای فلورانس و پیز (۸) و لوك (۹) بودند . از ابنیه فلورانس فقط نمای خارجی کلیسای لآبادیا دوفیزول (۱۰) و کلیسای سان هینیاتو- المونت (۱۱) و تعمیدگاه سن ژان (۱۲) باقی مانده است . کلیسای اوک نشین شهر پیز (۱۳) بنای

- (1) St. Ambroise de Milan (2) St. Vincent du pré (3) Agliate
(4) Ravenna (5) Durham (6) Apennins (7) Ecole toscane (8) Pise
(9) Lucques (10) Labadia de Fiesole (11) San Miniato al Monte
(12) Le Baptistère St. Jean (13) Cath. de Pise

معظمی است که بسیار مورد تقلید واقع شده و چون شهر پیزا دریا رابطه داشت سبك مکتب صنعتی آن در جزایر ساردنی (۱) و کرس (۲) و حتی ایتالیای جنوبی تاثیر کرد. (ش ۳۰).

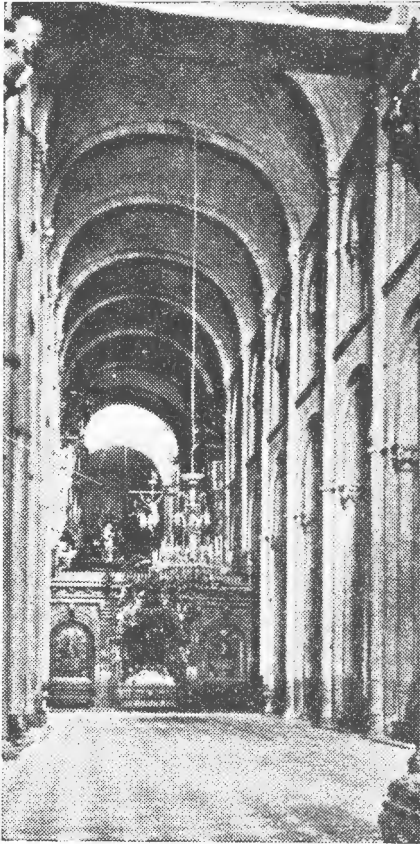
طبیعی است که در شهر روم و نواحی مجاور آن کلیساهای دوره رمان بیش از سایر نقاط تحت تاثیر ابنیه کلاسیک واقع شد: خطوط افقی ازاره ها - بامهای کوتاه - ستونهای قدیمی - سرستونهای ایونی - سقف افقی - نیم کمره محراب اصلی



ش ۲۸ - کلیسای پتر بوروغ در انگلستان

وبالآخره معرق کاریهایی که در این کلیساها استعمال شده اند از یادگارهای روم قدیم میباشند. مهمترین نمونه این قبیل ابنیه کلیسای سنت ماری در ترانستور (۴) میباشد که در بین سالهای ۱۱۴۰ تا ۱۱۴۸ ساخته شده.

ایطالیای جنوبی و سسیل دارای کلیساهای مختلف و متنوع است این اختلاف و تنوع معلول تأثیر و نفوذ تمدن‌های مختلف از قبیل تمدن بیزانسی‌ها (۱) و مسلمانان و نرماندیهامیباشد. کلیساهای گنبد دار آن یاد گاری از صنعت بیزانس و قوسهای متقاطع نمونه ای از نفوذ صنعت محلی سسیل میباشند و آبه نشین شهر ونوزا (۲) با «دآ مبولاتوار» و محرابهای محیطشان دلیل بر آشنائی با صنعت فرانسه است.



سیسیل در آ زمان چهارراه مهمی برای آمدورفت ملل بود و تمدن اسلام و بیزانس و تمدن محلی بدست سلاطین نرماند باهم مخلوط شده سبك صنعتی مخصوصی در این جزیره ایجاد نمودند. مهمترین ابنیه سسیل در شهرهای پالرم (۳) و منرال (۴) و سفالو (۵) دیده میشوند. رودخانه رن (۶) مکتب رمان در آلمان آخرین حد شرقی

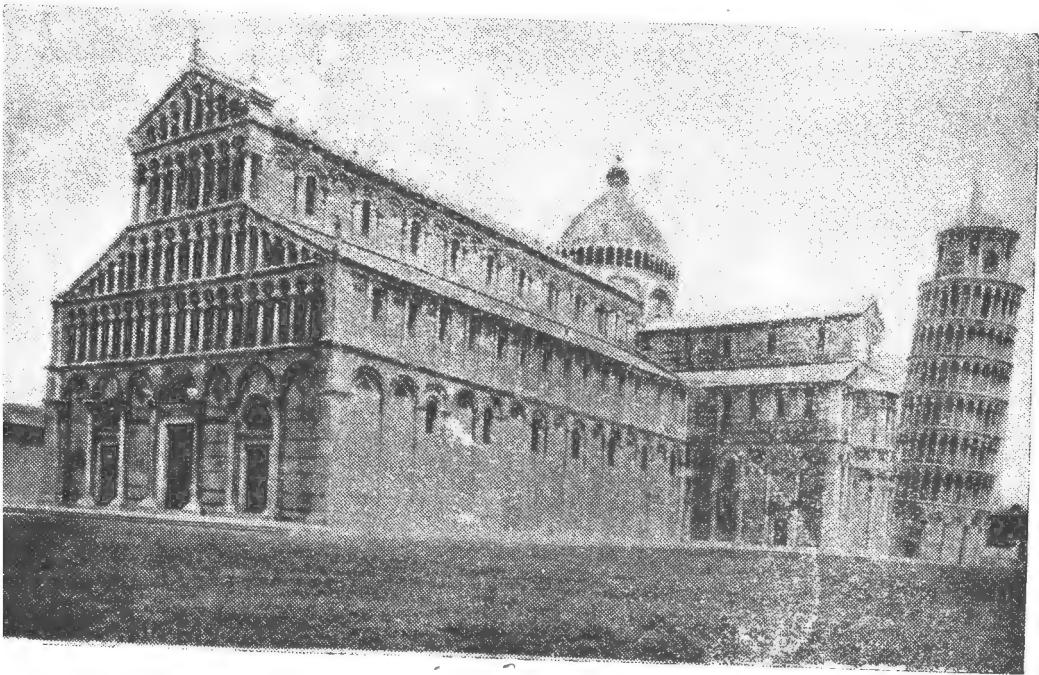
امپراطوری روم بود. وقتی مذهب مسیح در این کشور رسمیت یافت پایتخت قدیم این ایالت رومی یعنی شهر هایانس (۷) مرکز اقامت مقام روحانی در این ناحیه شد و مدتی نیز دره رود رن مرکز کشور

کارولنژیها بود. در دوره رمان نیز ناحیه دره رود رن مرکز مهم فعالیت صنعتی شد. ابتدای تشکیل صنعت رمان در این ناحیه مقارن برقراری امپراطوری مقدس ژرمنی (۹) بود (۹۶۲) که از دریای شمال تا دریای آدریاتیک وسعت داشت.

ش ۲۹ - کلیسای سن ژاک در کمپستل
(اسپانی) (۸)

- (1) Art byzantin (2) Abbatale de Venosa (3) Palerme (4) Montreal
(5) Cefalu (6) Rhin (7) Mayence (8) St-Jacques de Compostelle
(6) St Empire germanique

امپراطوری نامبرده از طرف مغرب محدود بود ولی از طرف مشرق حدودی نداشت و ژرمنها در ضمن اینکه مذهب مسیح را برای قبایل بت پرست میبردند آن نواحی را نیز تحت تصرف خود درمیآوردند. بنابراین واضح است که صنعت رمان در آلمان دارای وحدت کامل و روابط آن با ایتالیا که جزئی از امپراطوری محسوب میشد بیش از سایر کشورها بود. بعلاوه نفوذ صنعت آلمان بطرف مشرق بیش از تأثیر آن در مغرب بود. توسعه صنعت رمان در ژرمانی خصوصاً از دوره سلطنت اتون شروع شد. معروفترین

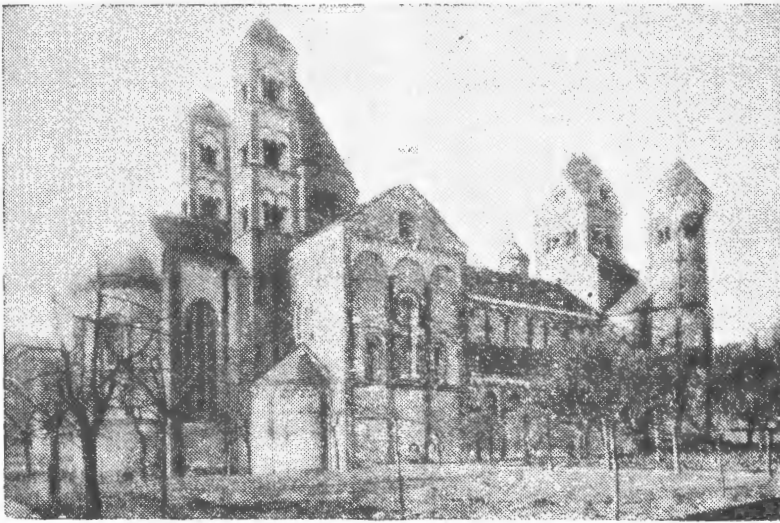


ش. ۳ - کلیسای اوک نشین شهر پیز در ایتالیا و برج برگشته (۱)

ابنیة آن زمان آبه نشین لمبورک (۲) و کلیسای سپیر (۳) میباشند.
از همین تاریخ در داخل ایالاتی مانند ایالت ساکس (۴) و فرانکونی (۵) و سواب (۶)
و باویر (۷) مکتبهای صنعتی تشکیل گردیده است.
بهترین نمونه کلیساهای دوره کارولنژی کلیساهایی است که طرح آن یا دایره
شکل و یا تقلید از بازیلیک بود. طرح بازیلیکی در ابتدا منحصر بیک نف اصلی

(1) Cath. de Pise (2) Abbaye de Limbourg en Hardt (3) Cath. de Spire
(4) Saxe (5) Franconie (6) Souabe (7) Bavière

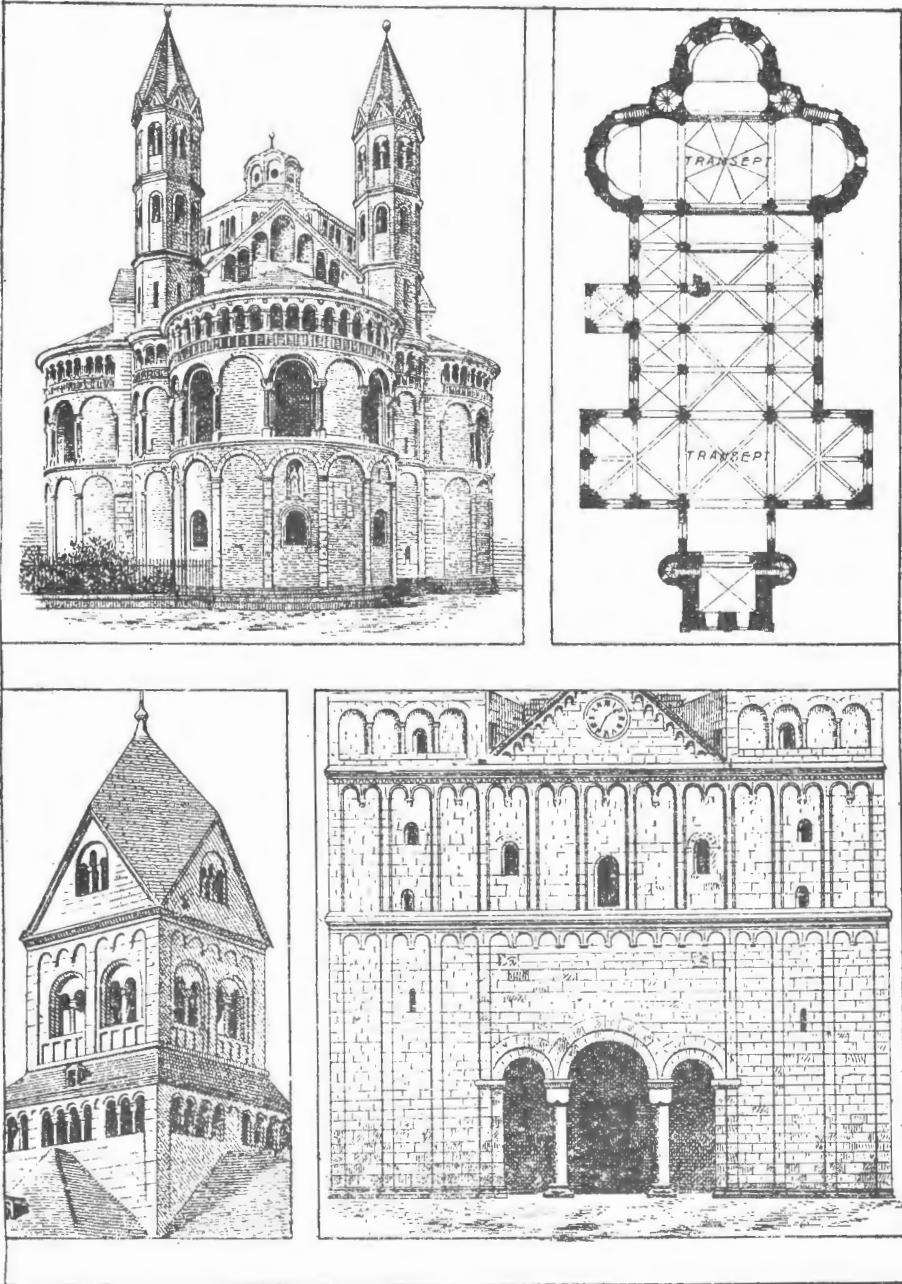
و دونف جناحی بدون بازو بود و اطراف محراب مرکزی محرابهای فرعی وجود داشت. کلیساهای معروف این سبک عبارتند از سن کر نلی (۱) نزدیک اکس لاشاپل (۲) (۸۱۴) و سن سوورد در فرانکفورت (۳) (۸۵۲). در آلمان در این دوره نوع دیگری از کلیسا معمول شد و آن کلیسائی است که در دو طرف آن دو محراب بجای یک محراب قرار دارد (کلیسای سن میشل و سن گدار در هیلدشیم (۴)) بعضی از کلیساهای نیز دو جفت بازو دارند مانند کلیسای سن میشل در هیلدشیم.



ش ۳۱ - آبه نشین لاآش در آلمان (۵)

یکی دیگر از خصوصیات کلیسای آلمان این است که بندهای نف های جناحی مربع کامل است و بند نف اصلی دو برابر هر بند نف جناحی است. پایه های ضعیف و قوی و طاقهای ضربی نیز از خصوصیات کلیساهای این کشور است. دآمبولاتوار و محرابهای اطراف بسیار بندرت در آلمان بکار برده شده است. کلیساهای ژرمنی در دوره رمان معمولاً با سقف چوبی پوشیده شده و بین نف اصلی و نف های جناحی پایه های ضخیم مکعب شکلی قرار گرفته و بالای آنها قوسهایی از هلال کامل وجود داشته است. سرستونها معمولاً بشکل مکعب (سن میشل در هیلدشیم) و بالای قوسها دیوار بکلی برهنه و

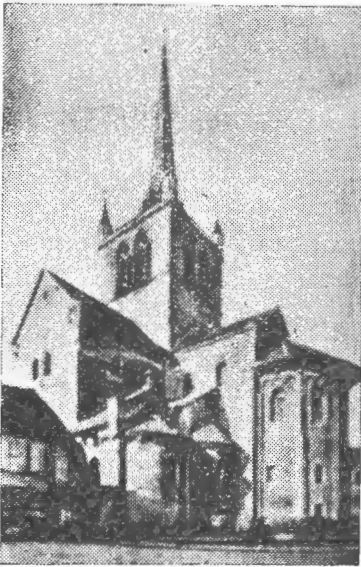
(1) Cornelis (2) Aix laChapelle (3) Saint Sauveur (4) Hildeshim
(5) Abbatiale de Laach



ش ۳۲ - سمت چپ و بالا نمای خارجی و طرح داخلی کلیسای سنت آپتر در شهر کولونی - در خارج کلیسا طاقچه های یادگار سبک اول رمان - در طرح: داخلی هر بند نف اصلی مطابق دو نف جناحین - وجود دو بازو - محرابها بطرح نشینی - در باین عکس کلیساهای مارموتیه و لا آش با « نوارهای لبارد » یادگار عهد سبک اول رمان - بهترین نمونه های اینبه مذهبی مغرب آلمان

و برای نقاشی بسیار مناسب می باشد . در بالای این دیوار برهنه پنجره ها قرار دارند . در کلیساهای ناحیه رنان در خارج محراب اصلی بالای دیوار طاقچه هایی مانند سبک اول رمان ساخته شده است (ش ۳۲) .

کلیساهای آلمان خصوصاً برجهای زیاد دارند . در طرفین سردر کلیسا معمولاً دو برج است (ش ۳۱) . کلیساهای آلمانی در برابر تغییر اصول معماری خود بسیار مقاومت بخرج داده اند و هنگامیکه در فرانسه سبک صنعت گتیک اختراع شد مدتی گذشت و در آلمان همان سبک رمان را برای ساختمان کلیساها بکار بردند . فقط در اواسط قرن ۱۳ کلیساهای آلمان سبک گتیک را در ابنیه خود معمول کردند .



ناحیه ای از اروپا که
مکتب رمان در هلند
امروز هلند و بلژیک را
و بلژیک

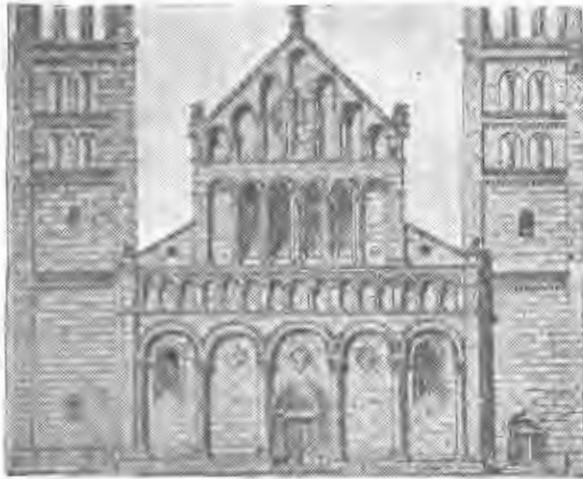
تشکیل میدهد از نظر

مذهبی جزو ناحیه کولونی (۱) بود . در دوره رمان گذشته از سهم مهمی که صنعت ژرمانی در ساختمان ابنیه این ناحیه داشت در بعضی نقاط مانند کلیسای نتردام در شهر مستریش اثراتی از سبک معمول در شمال فرانسه و حتی نرماندی دیده میشود .

معروفترین بنای مذهبی بلژیک کلیسای اوک نشین شهر تورنه (۲) میباشد . طرح این کلیسا بشکل خاج است و چهار برج ناقوس در چهار طرف محل تقاطع دو بازوی کلیسا ساخته شده . در داخل کلیسا قوسهای نف اصلی و غرفه های بالکانه و سه دهانه های بالای آن (تریفوریوم) بشکل هلال کامل است .

ش ۳۳ کلیسای پابرن (۳) در سوئیس -
نف گهواره ای (مانند کلیسای کولونی)
محرابه ای فرعی در طرفین محراب اصلی -
شباهت با کلیساهای ناحیه بورگونی
در فرانسه

مکتب رمان در سوئیس کشور سوئیس از قدیم چهارراه ملل بوده و اکثر جاده های مهم از آن عبور می کرده است. چون کشور سوئیس با فرانسه و آلمان و ایتالیا همسایه بود اثر صنعت این کشورها در دوره رمان در ابنیه مذهبی آن دیده میشود. از طرف دیگر کشور سوئیس وسیله انتقال سبکهای معمول در جنوب اروپا بشمال آن یعنی بطرف دره رود رن و بد طرف مغرب آن یعنی بطرف رود دانوب شد. از سبک اول رمان چند کلیسا در دره های باصفای کریزون (۱) بیادگار مانده و



ش ۳۴ - کلیسای اوک نشین پک در مجارستان - در چهار طرف کلیسا
چهار برج ناقوس (۲)

مهمترین آنها بازلیک سن پیر در شهر موستای (۳) و سن ژان در شهر مونستر (۴) میباشند در شهرهای اسپیتز و آموشولد ینکن (۵) نیز کلیساهایی از سبک اول رمان دیده میشود و محرابهای آنها از خارج مانند بعضی کلیساهای سبک اول رمان در ایتالیا دارای ردیف طاقچه های کوچک میباشند.

در بین ابنیه سبک اول رمان در سوئیس نام کلیسای رومن موتیه که در قرن یازدهم بدست روحانیون وابسته به صومعه کلونی ساخته شده شهرت زیاده دارد. این

(1) Grisons (2) Péc (3) Mustail (4) Münster (5) Spietz Amosoldingen

کلیسا سابقاً سه محرابی بوده و محل تقاطع بازوهای کلیسا با گنبد پوشیده شده بود و ساختمان آن به کلیساهای مربوط به صومعه کلونی در مشرق فرانسه شباهت دارد.

کلیسای پایرن (۱) نیز مربوط به فرقه صومعه نشینان کلونی است (شکل ۳۳). نف این کلیسا با يك طاق گهوارای شکل پوشیده شده و در هر طرف محراب اصلی دو محراب كوچك فرعی وجود دارد. اصول ساختمانی آن به ساختمانهای همدوره خود در کشور فرانسه شبیه است. در کلیسای کراندسون نیز که نف اصلی بدون پنجره آنرا يك گهوارای که فاقد قوس مضاعف است پوشانیده و روی نفهای فرعی دو نیم گهواره قرار دارد آثار صنعت رمان فرانسه مشهود است. (مهمترین کلیسائی از کشور سویس که تحت نفوذ سبك ژرمنی واقع شده باشد عبارت است از کلیسای شافهوز (۲) ۱۱۰۴ میلادی که از روی کلیسای آلمانی هیرشائو تقلید شده.



ش ۳۵ - کلیسای تیسیمیس (۶) در بوهم - بازيليك بدون بازو

بین اینیه ای که در دوره رمان و در کشور سویس از سبك ایتالیای شمالی تقلید شده کلیساهای زیر را میتوان نامبرد: کلیسای موراتو (۳) نزدیک شهر لوکارنو دارای سه محراب و فاقد بازو و در خارج کلیسا نوارهای معروف به «نوار لمبارد» - کلیسای بیاسکا (۴) و کلیسای ژیرونیکو (۵). در دامنه شمالی کوه های آلپ نیز نفوذ سبك ایتالیائی بسیار شدید بود و اثر آن در کلیساهای کروسمونستر

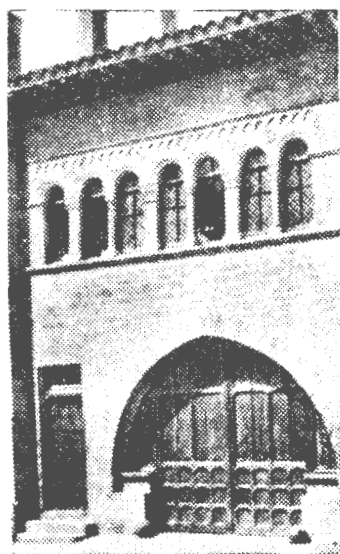
در زوریخ (۷) و کلیسای اوک نشین شهر بال دیده میشود. در حقیقت این ناحیه در بین راه ایتالیا به ژرمنی واقع بود و جای تعجب نیست که اینیه آن تحت

- (1) Eglise de Payerne (2) Schaffhouse (3) Muralto (4) Biasca (5) Giornico (6) N. D. de Tismice (7) Grossmünster de Zurich

نفوذ سبك ایتالیائی واقع شده باشد، در این نواحی کوهستانی هنوز در قرن شانزدهم برج ناقوسهائی بسبك دوره رمان میساختند.

مکتب رمان در اطریش
وقتی سلاطین سلسله بابنسبرک (۱) در مسیر وسطی رود دانوب مستقر شدند و مجارها را در لشفلد (۲) شکست دادند

از کشور اطریش چیزی جز یک سرزمین غارت شده باقی نمانده بود و سلاطین نامبرده ناچار عده‌ای از آلمانی‌ها را به این سرزمین کوچ داده کشور اطریش را ایجاد کردند این کشور آلمانی نژاد بتدریج قدرت خود را از سمت شمال و جنوب بسط داده مجارستان را تهدید می‌کرد. اطریشیها در مسیر وسطی دانوب پائین رفته و در اواسط قرن ۱۲ بشهر وینه رسیدند و آنرا پایتخت خود قرار دادند.



ش ۳۶- یکی از خانه‌های دوره زمان در شهر کلونی

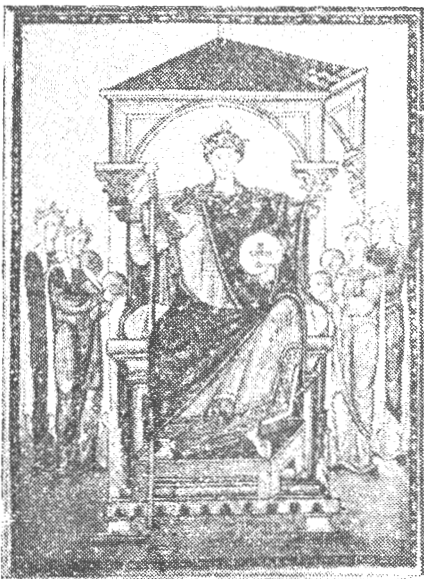
ایالات سرحدی جدید التاسیس اطریش تا ۱۱۰۰ میلادی رسماً در اطاعت سلاطین باویر بود از نظر مذهبی نیز اطریش ایالتی از قدرت مذهبی باویر محسوب میشد و در این کشور که تاسیس آن تا این اندازه نسبت به کشورهای مجاور بتأخیر افتاده بود و در حقیقت چیزی جز یک ایالت سرحدی برای حفظ کشور آلمان نبود و در مهاجرت و اشگرکشی‌ها اولین ضربه را می‌خورد تشکیل مکتب مخصوصی که نماینده تمدن متمایز آن باشد کار آسانی نبود و تا ۱۱۰۰ میلادی یعنی پیش از انتخاب «آلمان» بسمت رئیس مذهبی این ناحیه کلیساهای معتبری در آن ناحیه ساخته نشد.

از طرف دیگر اطریش محل تلاقی دو تمدن ژرمن و ایتالیائی از راه تنگه معروف برنر (۳) بود.

کلیسای کلستر نو بورک نزدیک شهر وینه در تاریخ ۱۱۳۶ میلادی اتمام پذیرفت ولی در دوره‌های بعد بسیار تعمیر شده و ساختمان اولیه آن شباهت بکلیساهای سن میشل

در شهر پاوی (۱) داشت. کلیسای قدیم اوک نشین شهر سالسبورک (۲) که امروز اثری از آن نمانده و فقط در کتاب ذکر از آن هست نیز از کلیساهای ایتالیا تقلید شده بود. در کلیسای سنت اتین در شهر وینه که در قرن ۱۳ ساخته شده هنوز تزیینات برجسته سبک رمان مشاهده میشود.

ملت مجار نیز که دیرتر از سایرین موفق به تشکیل دولت مستقل شده مکتب رمان در مجارستان بود در سال ۸۶۹ در اروپای مرکزی مستقر گردید و با قبول نمودن مذهب مسیح در زمره خانواده ملل اروپایی درآمد و تاریخ ابنیه مذهبی آن پیش از این زمان قابل توجه نیست بنابراین مسیحیان مجاری چاره‌ای جز این نداشتند که از ساخته‌های مذهبی ملل مجاور تقلید نمایند.



ش ۳۲- یکی از مینیاتورهای دوره
«رمان» - امپراطور اتون سوم

ابتدا طرح بازلیک سه مجرایی بدون بازو و طاق هلالی که در دوره اول رمان معمول بود انتخاب شد سپس باین طرح معمولی مجارها چهار برج در چهار گوشه کلیسا (کلیسای اوک نشین پک (۳) (ش ۳۴)) اضافه نمودند.

سبک رمان در کشور مجارستان فوق‌العاده توسعه یافت بطوریکه وقتی صومعه نشینهای سیسترسی (۴) سبک گتیک را بآن کشور آوردند در ابتدا مورد پسند واقع نشد و تا مدتی معماران مجار سبک قدیم را با برج ناقوسهایشان ادامه دارند

و بهمین ترتیب سبک حجاری مخصوصی را که در ایتالای شمالی اقتباس کرده بودند تا اواخر قرن ۱۳ میلادی با وجود ترقیات عجمه سازی گتیک ترک نکردند و نقوش هندسی و مصنوعی سازی رمان را بر طبیعت سازی گتیک ترجیح دادند.

(1) Saint Michel de Pavia (2) Salsburg (8) Cath. de Pécs (4) Cisterciens

مکتب رمان در بوهم اسلاوهای بوهم فقط در قرن نهم میلادی مذهب مسیح را پذیرفته و آنها را ناچار از نمونه‌های معماری ملل مجاور اقتباس کردند، اکثر نمونه‌هایی



ش ۳۸ - یکی از پنجره‌های کلیساهای رمان باشیشه‌های رنگین . سبک نقاشیهای دیوارهای بیزانسی - حرکات خشک و قیافه‌های خالی از احساسات - در پایین عکس سیمرغ ساسانی - (از کلیسای اوک‌نشین شهر شارتر)

که برای تقلید اختیار کردند از نواحی آلمانی فرانکونی و باویر و ساکس بود. بعلاوه



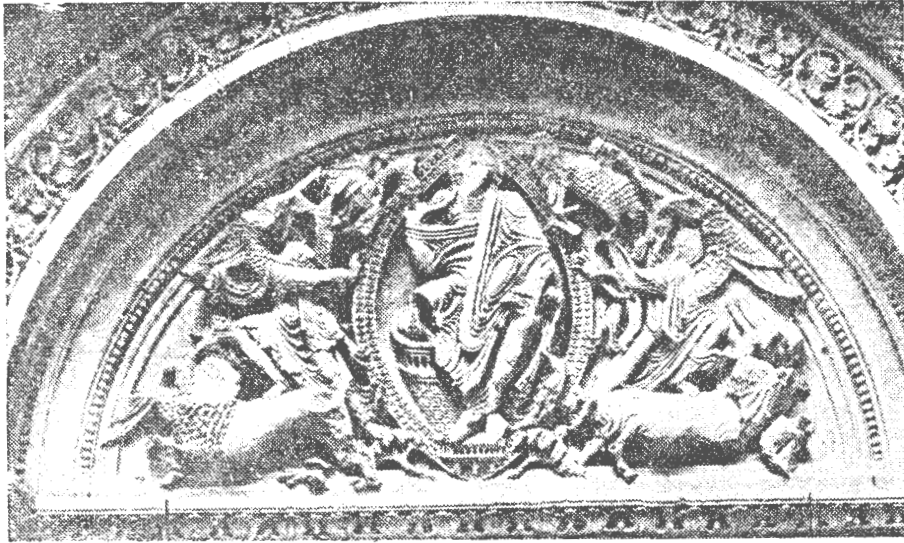
ش ۳۹ - حاشیه کایسای شارتر در جنوب پاریس - انتهای دوره رمان و ابتدای گتیک - قامت اشخاص تابع ستون شده و از اندازه معمولی خارج گشته - تبعیت حجاری از معماری عدم تقلید از طبیعت ولی در عین حال در قیافه ها تجسم احساسات داخلی نمایان است

مرکز روحانی شهر پراگ تا تاریخ ۱۳۴۴ میلادی از آرشوک نشین (۱) شهر هایانس

(1) Archévêché

تبعیت میکرد. بنابر این طبیعی است که ابنیه مذهبی سبک آلمان که در ناحیه دره رودرن معمول بود مورد تقلید مسیحیان بوهم واقع شده باشد. معروف ترین کلیساهایی که در بوهم به سبک رمان ساخته شد عبارت است از کلیسای سن ژرژ در شهر براگ و کلیسای نتردام در تیس میس (۱) (اواخر قرن ۱۲) که فاقد بازو میباشند و ظاهراً از ابنیه آلمان جنوبی تقلید شده اند (ش ۳۵) سبک رمان تا اوایل قرن ۱۳ میلادی در بوهم مانند سایر کشورهای اروپای مرکزی معمول بود.

در لهستان از دوره رمان ابنیه زیادی باقی نمانده و اکثر آنها مکتب رمان در لهستان در دوره های بعد تعمیر شده و از صورت اولی خارج گشته است.



ش ۴۰ - پیشانی کلیسای شارلیو در بورگونی - مسیح و علائم حورایون - سر حضرت مسیح در زمان انقلاب فرانسه شکسته شده است - مصنوعی سازی یا عدم تقلید از طبیعت - تبعیت حجاری از معماری

از کلیسای اولک نشین و اول (۲) (۱۱۱۰ میلادی) فقط قسمتی از زیر زمین آن باقی مانده و بقیه کلیساهای آن دوره در لهستان عبارتند از سنت آندر و سن ژان در شهر کراکووی (۳) و کلیساهای اولک نشین کنزن و برسلوو پولوک. اکثر کلیسای دوره رمان در لهستان تحت تأثیر شدید ابنیه مذهبی ژرمنی واقع شده اند.

کشور نروژ از ابتدای قرن یازدهم تحت تأثیر صنعتی انگلستان
واقع شد و این تأثیر تاجزایر هبرید (۱) و آرکاد و شتلاند



ش ۴۱ - يك سرستون از کلیسای وزله

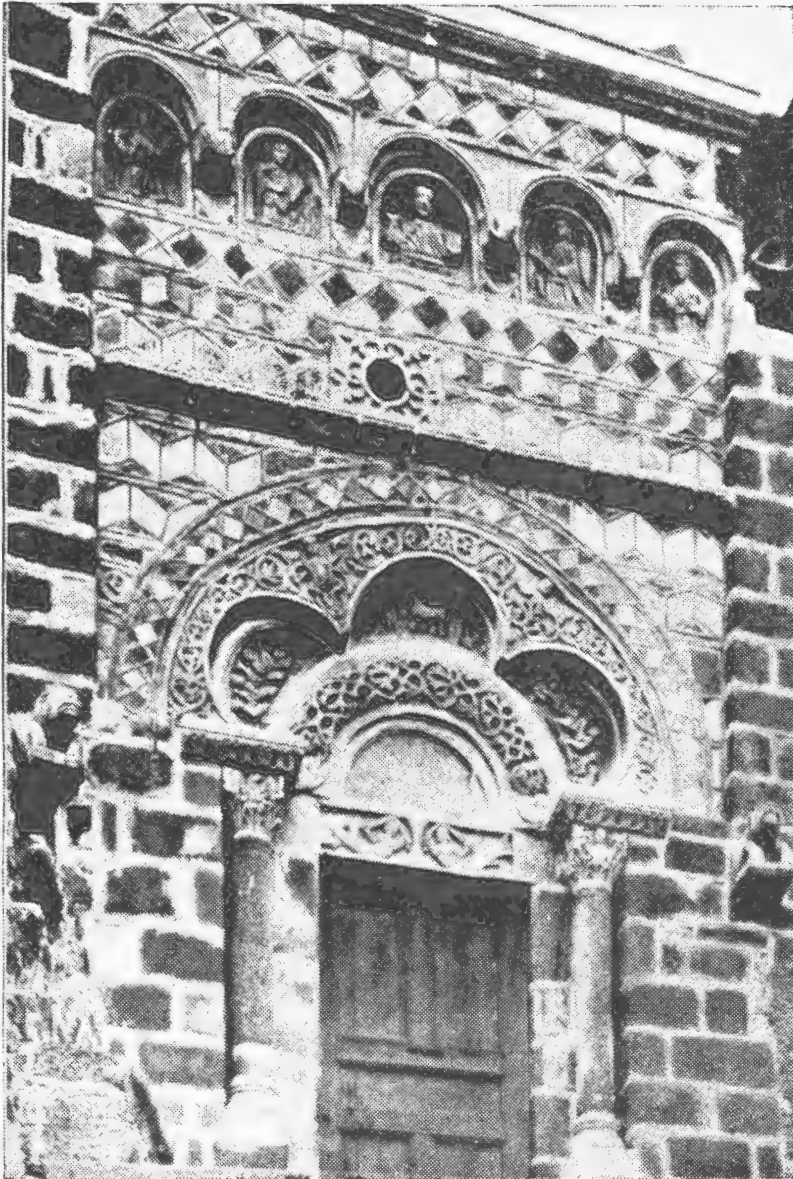
و ایرلند پیشرفت کرد (جزیره اخیر در اواسط قرن دوازده جزو کشور انگلستان شد).
مرکز روحانی نروژ و دانمارک و جزایر در آشوک نشین شهر تروندهم (۲) بود.

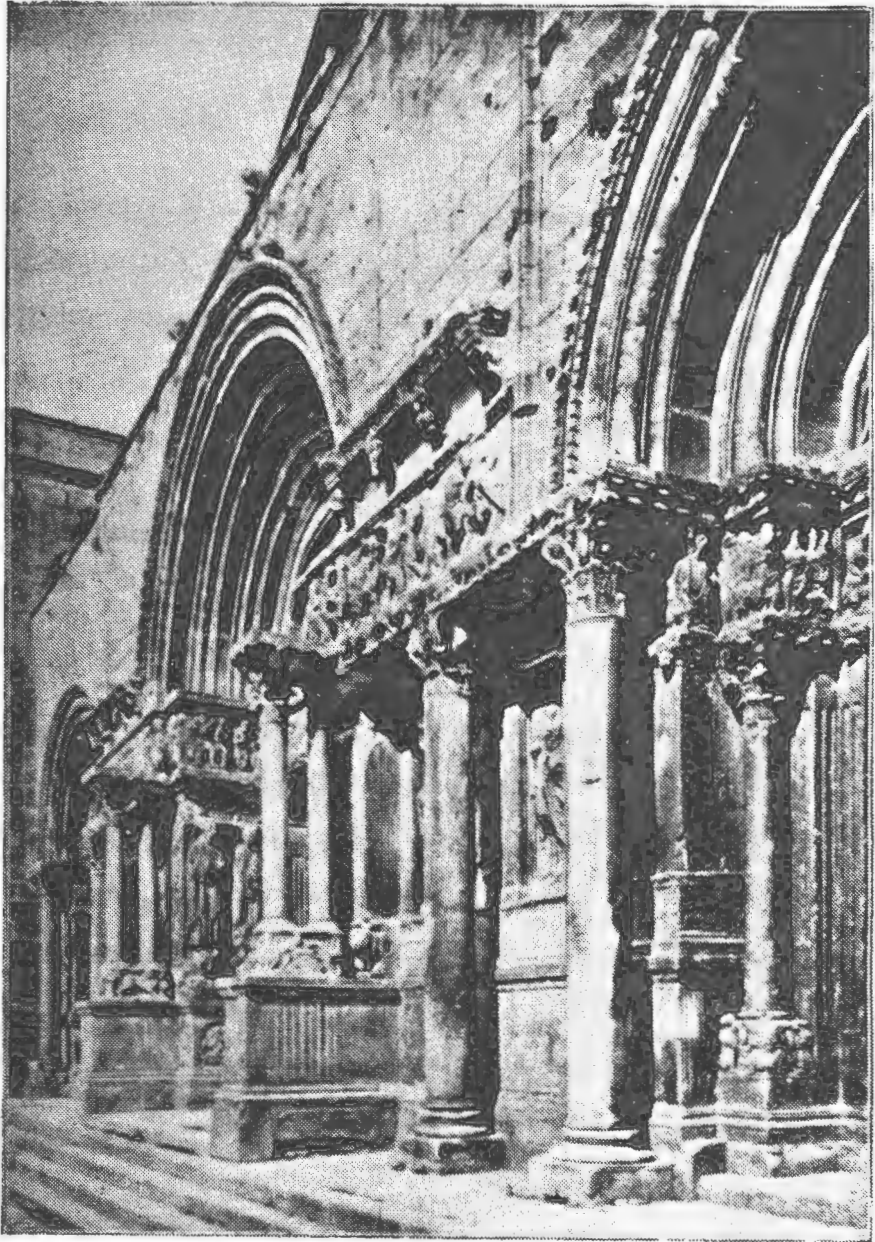
۸ هجرت

۱۱۱۱

بجایند

بعثت نزدیکی نروژ باریتانیای کبیر از نظر سیماسی و روحانی از این مذهب این کشور
از این مذهب انگلستان تقلید و تبعیت کردند و معروفترین این مذهب آن عبارت اند از کپسای اوک





ش ۴۳ - کلیسای سن ژیل در گارد تقلید از ابنیه قدیم روم

نشین تروندهیم (۱۱۵۷ - ۱۱۶۱) و کلیسای اوک نشین استاوانگر (۱) و نتردام در برگن مکتبرمان در سوئد. در بعضی نقاط نروژ نیز کلیساهای مخصوصی از چوب ساخته شده. صنعت سوئد در دوره رمان جزو حوزه صنعتی آلمان بوده. زیباترین بنای آن کلیسای اوک نشین شهر لوند (۲) است که در ۱۱۴۵ میلادی اتمام پذیرفته و نف آن در ابتدا فاقد طاق هلالی بوده و از چهار بند مرکب است که با ۸ بند هر کدام از نطفای طرفین مطابقت میکنند و پایه های آن يك در میان ستون است و نمای خارجی آن دو برج ناقوس دار و تمام این جزئیات خواص صنعت رمان در آلمان میباشد. در جزیره گوتلند نیز تعداد زیادی کلیساهای كوچك از دوره رمان باقیمانده.

در کلیساهایی که بین ۱۰۹۹ و ۱۱۸۷ (تاریخ تصرف بیت المقدس - شام - واز دست دادن آن) در بیت المقدس ساخته شده و آنهایی که تا جزیره قبرس ۱۲۹۱ در شام برپا گردیده آثاری از صنعت کشور سازنده آنها یعنی بورکونی ولانکدوک (در فرانسه) دیده میشود. تقریباً تمام این کلیساهای طاق هلالی دارند و طرح آنها بازلیکی است (غیر از سن سپولکر در بیت المقدس) کلیسای اسقف نشین شهر تور توز (۳) بعلافت نف بدون پنجره و طاق گهواره شکل جناقی و نف های طرفین و طاق ضربی آن شبیه به ابنیه مذهبی بین رودخانه لوآر (۴) و کوه های پیرینه در فرانسه است و لی کلیسای سنت آن (۵) در بیت المقدس به ابنیه مذهبی بورکونی (در فرانسه) شباهت دارد. این مطلب راجع به کلیسای اوک نشین کازا (۶) و کلیسای جزیره قبرس نیز صدق میکند.

خانه های دوره رومان بسیار ساده و يك طبقه اند و تزئینات آن منحصر بنمای خارجی آنهاست. معمولا در نمای خانه و در قسمت تحتانی آن يك در كوچك برای ورود به خانه و يك در بزرگ برای مغازه و کارگاه وجود دارد. در طبقه بالا يك ردیف پنجره است که در میان آنها ستونهای كوچکی قرار گرفته و قسمت فوقانی آنها بشکل قوس هلال کامل است. از این قبیل

(1) Stavanger (2) Lund (3) Tortose (4) Loire (5) Sainte Anne (6) Gaza

خانه ها امروز در ناحیه بورگونی در شهر کلونی و شهر بوم دیده میشود. (ش ۳۶)

تعداد صومعه ها در دوره رمان زیاد بوده و معمولاً مرکب است از يك كليسا و قسمتهای مختلف مربوط به زندگی مادی روحانیون از قبیل طالار خواب و طالار غذاخوری و غیره و حیاط صومعه با ایوان ستون دار و غلام گردش آن (ش ۱). مجموع صومعه و کلیسا و ساختمانهای مربوط به آنرا آبه نشین مینامند که تحت اختیار آبه (۱) اداره میشود. مهمترین آبه نشین ها آبه نشین کلونی است (۲) که مسکن و مرکز اصلی راهبین موسوم به فرقه بند یکتن میباشد (۳) فرقه دیگری که از نظر اهمیت بعد از بند یکتن ها است فرقه سیسترسین (۴) نام دارد. فرقه سیسترسین یا ژیتوها (۵) در تاریخ ۱۰۹۸ میلادی بدست سن برنارد تشکیل شد و بزودی قدرت زیاد پیدا کرد و شعبه های آن در تمام نقاط دنیا تأسیس گردید. قوانین فرقه ژیتوها بسیار سخت بود و اعضاء آن با کمال سادگی و خشونت زندگی میکردند. ابنیه مذهبی این فرقه فاقد هر گونه تزئینی بود و از این حیث با ابنیه مذهبی فرقه بندیکتن ها تفاوت زیاد داشت زیرا فرقه اخیر ابنیه مذهبی خود را بسیار تزئین مینمودند.

محراب های کلیساهای ژیتوها چهار گوش بود و محراب های اطراف آن در جهت محراب اصلی قرار داشت. طاق کلیساهای قدیم ژیتوها بشکل گهواره جناقی است و گاهی نیز طاق نف های جناقی آن بصورت گهواره های عرضی است (۶) (مانند کلیسای فونته نی در ناحیه بورگونی) و گاهی طاق نف های طرفین با يك نیم گهواره پوشیده شده است (کلیسای لئونسل (۷)) ولی در دوره گتیک عموم طاق های نف اصلی و نف طرفین کلیساهای ژیتوها دارای نوار اریف خواهند شد.

مرکز اصلی فرقه ژیتوها ناحیه بورگونی است و تمام شعبه های این فرقه که در سایر نقاط دنیا است کاملاً از روی ابنیه شعبه مرکزی آن تقلید شده.

از نقاشی و مینیاتور سازی دوره رمان چیز زیادی برای ما باقی نمانده ولی از آنچه که باقی مانده چنین معلوم میشود که نقاشی دوره رمان تحت نفوذ صنعت بیزانس قرار گرفته. در لمباردی

نقاشی و
مینیاتور سازی

(1) Abbé (2) Abbaye de Cluny (3) Bénédictins (4) Cisterciens
(5) Giteaux (6) Berceaux transversaux (7) Leunsel

(شمال ایتالیا) نقاشی های دیواری بسیار زیبا از این دوره وجود دارد .

میناتور در زمان سلطنت اتون امپراطور ژرمانی ترقی قابل توجه کرد (ش ۳۷) و در کتابهایی که در این دوره نوشته میشد تصاویری از امپراطور و موضوع های دیگر نقش شده . در انگلستان نیز بعد از فتح آن کشور بدست نرماندها صنعت میناتور سازی رو به ترقی گذاشت . در فرانسه و ایتالیا و اسپانیا نیز میناتور سازی در دوره رمان معمول بود و شکی نیست که این میناتورها تقلیدی از سبك میناتور سازی روم شرقی است : بیش از چند رنگ استعمال نمیشود . مثلاً رنگ آبی لباس حضرت مریم با رنگ آبی آسمان یکی است و سایه و روشن وجود ندارد - حرکات اشخاص با عدم مهارت نقش شده و مانند این است که تمام اشخاص در مقابل نقاش نشسته اند تا تصویر آنها را نقاشی کند . رو به مرفته میناتور سازی در زمان رمان دارای همان خصوصیات میناتور سازی قدیم روم شرقی و ایران است (شکل ۳۸)

در اروپای غربی بعد از سقوط قدرت امپراطوری روم تقریباً **حجاری و مجسمه سازی** تمام صنایع راه انحطاط پیش گرفته بعضی از آنها بکلی متروک در دوره رمان گردیدند . در دوره رمان یعنی تقریباً هشت قرن بعد از سقوط تمدن رم عده ای سعی کردند بعضی از صنایع قدیم را مجدداً معمول کنند ولی باین امر موفق نشدند زیرا صنایع آن زمان بکلی فراموش شده بود فقط آثار آن هنوز باقی بود . مثلاً برای ساختن سرستون یا مجسمه هایی نظیر آنچه از زمان روم قدیم باقی مانده بود لازم بود که اشیاء نامبرده را سرمشق قرار داده از روی آن تقلید کنند ولی متأسفانه صنعت گران قابلی که بتوانند از عهده این تقلید بر آیند وجود نداشت بنابراین صنایعی که در این دوره در نتیجه تقلید صنایع قدیم ایجاد شد به پایه صنایع قدیم نرسید . یکی از صنایع قدیم که متروک شده بود مجسمه سازی بود . کافی است نقوش برجسته دوره رمان را یکبار از نظر بگذرانیم تا متوجه این مطلب شویم که پس از مجسمه های زیبایی که در قدیم ساخته شده بود نقوش برجسته دوره رمان بسیار ناچیز اند .

در جریان قرن یازدهم بعضی از صنعتگران سعی کردند سرستونها را به نقوش برجسته مزین نمایند و برای این کار ابتدا نقشی در روی سنگ مینگاشتند سپس اطراف

آنرا با قلم خالی میکردند بطوریکه نقوش برجسته کم عمقی بدست میآمد. مهمترین نقوش برجسته این زمان در کلیساهای سن بنین در شهر دیژون (۱) (۱۰۰۱-۱۰۱۷) میلادی و سن ژرمن دپره (۲) در پاریس (۹۹۰-۱۰۱۴) میلادی میباشند.

در اواخر قرن یازدهم صنعت سنگتراشان کمی ترقی کرد. در کلیسای کنک (۳) و سر در سن بنواسورلوار (۴) در بورکونی و در ناحیه لانکدوک مکتب هائی از سنگ تراشان تشکیل شد و شروع به تزئین پیشانی کلیساها نمودند و این تزئینات غالباً موضوع های گل و برگ مصنوعی یا آدَمک های کوچک بدون تناسب بود و خصوصاً وقتی این صنعتگران میخواستند تصویرهای بزرگتری از انسان بوجود بیاورند عدم مهارت آنها بیشتر آشکار میگردد.

صنعت حجاری جدید التاسیس در جریان قرن دوازدهم تدریجاً تکمیل شد و در تمام فرانسه و کشورهای مجاور ریشه دوانید و مکتب های محلی با خصوصیات متمایزی ایجاد گردید و از داخل کلیساها شروع شده و بخارج آن سرایت کرد و پیشانی سردر و لغاز آن و گاهی تمام نمای خارجی سردر را مزین نمود. چگونه صنعتگران رمان موفق شدند این صنعت فراموش شده را مجدداً احیا کنند؟ ظاهراً حجاران این دوره موضوع های نقاشی و مینیاتورسازی و نقاشیهای دیواری و منبت کاریهای روی چوب و عاج و برنز که معمولاً ازمشرق به اروپای غربی آورده شده بود و پارچه های شرقی و موزائیک و غیره را نمونه کار خود قرار داده از آن تقلید مینمودند. بنابراین جای تعجب نیست که موضوع نقوش برجسته رمان انقدر متنوع و رنگارنگ است.

موضوع قابل مطالعه طرز فکر حجاران این دوره و سبک زیباپرستی آنها است. اینطور بنظر میرسد که این حجاران با صنایع شرقی و صنعتگران مسیحی شام و بیزانس و مسلمانهای اسپانیا و افریقای شمالی آشنائی زیاد داشته و یا کارهای آنها را دیده بودند. سبک صنعت رومان خصوصاً سبک تزئینی است و حتی حیوانات و زیروح ها عموماً از نظر جنبه تزئینی نقش میشوند نه از نظر مطالعه خود زیروح و با یک گل و

(1) St. Bénigne de Dijon (2) St. Germain des Près (3) Conques
(4) St. Benoît sur Loire

برك و يك نقش هندسی در يك ردیف اند. این خصوصیت ممتاز صنایع اسلامی است و از این نظر مقایسه آن با صنایع شرقی و اسلامی قابل توجه است.

در این سبك صنعتگر چندان علاقه به تقلید صحیح از طبیعت ندارد و اهمیتی به ایجاد تناسب های درست نمیدهد. مثلاً برای تزئین حاشیه عمودی سردر تصویر انسان را بلند و باریك كرده (ش ۳۹) بر خلاف آن برای تزئین حاشیه افقی بالای در ناچار تصویر انسان را بی اندازه کوتاه میکند (ش ۴۰) و تناسب حقیقی را در نظر نمیگیرد بلکه مقصود از فقط تزئین حاشیه عمودی یا افقی سردر است. گذشته از این صنعتگر رمان اشخاص یا موجودات ذیروحي را با تصاویر خود خالق میکند که در خارج وجود ندارند از قبیل حیوان های دو سر یا موجودات غریب و عجیب که نظیر آن در صنایع ایران و بین النهرین و بین قبایل سیت و غیره معمول بوده. صنعتگران دوره گتیک بر علیه این سبك قیام کردند و تقلید طبیعت را شیوه کار خود قرار داده مصنوعی سازی را متروك نمودند.

در ابتدا صنعتگران رمان روی سرستونهای کلیساها اشکالی از قبیل دوشیريك سر و مرغی که سر انسان دارد یا حیوانی که بدنش بدن شیر و سرش سر انسان است و از این قبیل موجودات غریب و عجیب و خارق العاده را نقش میکردند. در تاریخ ۱۱۲۴ سن برنارد برضد این نوع تزئینات اعتراض سخت کرد و صنعتگران آن زمان را به ترك این سبك حجاجی تشویق نمود. گذشته از نقوش فوق الذکر موضوع های مذهبی عبارت بودند از: مسیح بین دو فرشته - آدم و حوا - قربانی حضرت ابراهیم - حضرت دانیال در چاه - رودخانه های بهشت - و غیره. بعدها موضوع های دیگری از قبیل موضوع های انجیل و تورات و زندگی پیغمبران و غیره بآن اضافه شد.

در فرانسه مکتب های متعددی تشکیل شدند. مکتب لانكدوك یا بورگونی - دره رون - اورنی - (۱) ناحیه دره رودخانه لوآر - مکتب پروآنس - مکتب جنوب غربی - مکتب کاتالونی - در بعضی نواحی مانند نرماندی - برتانی - و شمال و مشرق فرانسه صنعت حجاجی کمتر ترقی کرد.

ناحیه ایل دو فرانس (۱) دیرتر از سایر نواحی دست بکار شد ولی نقوش برجسته کلیسای اسقف نشین شهر شارتر (۲) و سن دنی (۳) با آنکه از دوره رمان هستند و طبق سبک رمان ساخته شده اند با این حال مقدمه نقوش برجسته دوره گتیک محسوب میشوند و میتوان گفت حدفاصل بین رمان و گتیک اند (شکل ۳۸)

مکتب لانگدوک - شهر تولوز در قرن یازده و دوازده شهر آبادی بود و هنر و ادبیات در آن به درجه بلندی رسیده بود و در کلیساهای سرسرن (۴) و سنت اتین (۵) نقوش برجسته بسیار زیبایی ایجاد شد. زیباترین نقوش برجسته این مکتب نقوشی است که سر در کلیسای سن پیرا در شهر موآساک (۶) تزئین میکند. موضوع این نقوش عبارت است از تصویر مسیح در روز قیامت. حضرت مسیح تاجی بر سر گذارده و ریش بلندی دارد و از سایر اشخاص بزرگتر نقش شده - در روی تختی نشسته - اطراف او فرشتگان در پروازند - حواریون نیز هر کدام با علامت مخصوص خودشان حضور دارند. در حقیقت صنعتگر در این نقش بهیچوجه سعی نکرده از طبیعت تقلیدی کند و تصاویر او بقدری مصنوعی هستند که میتوان آنها را بمنزله یک نوع خطی بشمار آورد. موضوع این نقش در ابنیه متعددی از قبیل کلیسای سویاک (۷) و کاهور (۸) و بولیو (۹) و سن دنی تقلید شده. سبک مکتب تولوز و موآساک در نواحی مجاور خود تأثیر زیاد داشته است.

مکتب بورگنی و دره رودرون - هنگامیکه در ناحیه لانگدوک نقوش برجسته مهمی ایجاد شد در ناحیه بورگنی هنوز سنگ تراشان مراحل اولیه صنعت خود را طی مینمودند ولی در تاریخ ۱۱۲۵ میلادی در این ناحیه صنعت بترقیات قابل توجهی رسید و موضوعهای تازه ای اختراع شد (شکل ۳۹)

در کلیسای اسقف نشین شهر اوتن و آبه نشین وزله و کلونسی و سن بنین در شهر دیزون کارگاههای حجاری مهمی تاسیس شد و سبک مکتب بورگنی بوجود آمد. در روی پیشانی سر در کلیسای اوک نشین شهر اوتن نیز روز قیامت مجسم

(1) Ile de France (2) Chartres (3) Saint-Denis (4) St-Sernin de Toulouse
(5) St-Etienne (6) Moissac (7) Souillac (8) Cahors (9) Beaulieu

شده. در کلیسای و زله علاوه بر نقوش برجسته پیشانی در که هم از خارج و هم از داخل تزئین شده سرستونهای بسیار زیبایی است که در روی آن موضوعهای مختلف نقش شده (شکل ۴۰).

در کلیسای شهر کلونی نیز نقوش برجسته بسیار زیبایی بوده. از این نقوش فقط هشت سرستون باقی مانده و بقیه در زمان انقلاب فرانسه خراب شده است. **مکتب اورنی** - خصوصیات این مکتب این است که در داخل کلیسا سرستونهای حجاری شده با موضوعهای تاریخی زیاد دیده میشود: نتردام دوپور (۱)، در شهر کلرمون (۲) سن نکتر (۳) (ش ۱۱) ایسوار (۴) اورسیوال (۵) نتردام دوپوی (۶). در این کلیساها علاوه بر سرستونهای سبک قدیم روم سرستونهای مصور به موضوعهای تاریخی و مذهبی نیز زیاد است. ولی در ناحیه اورنی در خارج کلیسا تزئینات زیاد وجود ندارد. در کلیسای سن فوادو کونک (۷) که در مجاورت اورنی واقع است هم در داخل کلیسا و هم در خارج آن نقوش برجسته وجود دارد و روز قیامتی که در روی پیشانی سردر آن ساخته شده بسیار معروف است.

مکتب ناحیه رودخانه لوآر - بین ایالات بوربون (۸) و تورن (۹) در دره های رودهای آلیه (۱۰) و شر (۱۱) و اندز (۱۲) و کرویز (۱۳) و وین (۱۴) نظر به نرم بودن سنگهای این ناحیه مکتب حجاری بسیار ظریفی ایجاد شد و سهوات تراشیدن سنگ باعث شد که سنگ تراشان طبق سلیقه خود بیشتر بتزئینات و ریزه کاریها پرداخته - علاقه زیاد بایجاد موضوعهای مذهبی نشان ندادند و در نقوش برجسته این کلیساها پرندگان و حیوانات مصنوعی و بالدار و غیره شبیه به حیوانات مصنوعی و خارق العاده مشرق زمین زیاد دیده میشود.

مکتب جنوب غربی - در نواحی پواتو (۱۵) و آنگوموآ (۱۶) و سنتتر (۱۷) نیز نقوش برجسته فراوان دیده میشوند در این ناحیه برخلاف ناحیه فیرق الذکر موضوعهای

-
- (1) N. D. du Port (2) Clermont (3) St Nectaire (4) Isoire (5) Orcival
(6) N. D. du Puy (7) Ste Foy de Conques (8) Bourbonnais (9) Touraine
(10) Allier (11) Cher (12) Indre (13) Creuse (14) Vienne (15) Poitou
(16) Angoumois (17) Saintonge

مذهبی و اخلاقی مورد توجه مخصوص صنعتگران بوده. کلیساهای این ناحیه معمولا فاقد پیشانی سردر میباشند ولی در لغزهای سردر حجاریها و ریزه کاریهای بسیار زیبا وجود دارد که موضوع آن گل برگها و نقوش هندسی است و گاهی نقش انسان نیز در بین آنها دیده میشود.

سردر نتر دام لاگراندر در شهر پواتیه (۱) بهترین نمونه حجاریهای این ناحیه است. در داخل ابنیه مذهبی این ناحیه نیز سرستونهای مصور به نقوش برجسته بسیار زیبا دیده میشود.

مکتب پروانس - ابنیه مذهبی ناحیه پروانس سرستونهای بسیار زیبا دارند. در ساختمانهای این ناحیه بعثت مجاورت با ایتالیا از ابنیه قدیم روم تقلید بسیار شده است و کلیسای سن ژیل دو گارد (۲) (شکل ۴۳) یکی از بهترین نمونههای آن است. هنوز در ناحیه پروانس - در شهرهای نیم (۳) و آوینیون (۴) آثار زیاد از ابنیه قدیم روم موجود است اهالی این ناحیه با ایتالیای شمالی روابط زیاد داشتند.

فلسطین و شام - در فلسطین و شام در کلیساهایی که هنگام جنگهای صلیبی ساخته شد مانند سن سپولکر (۵) در بیت المقدس آثار دست سنگ تراشان پروانس مشهود است.

شمال اسپانیا - در شمال اسپانیا در قرن یازدهم کارگاههایی از سنگ تراشان تشکیل شد و در این کارگاهها با وجود تأثیریکه صنایع اسلامی اسپانیا در کار صنعتگران داشت تقلید زیاد از سنگ تراشان نواحی مختلف فرانسه نیز میشد و سرمشقهای این صنعتگران نقوش برجسته ابنیه مذهبی شهرهای تولوز - و هوآساک و شارتر بوده اند.

سایر کشورهای اروپا - در کشور ایتالیا در دوره رمان طبیعه سنگ تراشان از ابنیه قدیم روم که در آن کشور باقی مانده بود تقلید کردند و یک نوع صنعت جدیدی ایجاد نمودند - در کشور آلمان و هلند و سوئیس نیز کم و بیش بایجاد

(1) Poitiers (2) St Gilles du Gard (3) Nimes (4) Avignon (5) Saint Sépulcre

نقوش برجسته مناسبی موفق شدند ولی گذشته از ایتالیا که بعلمت یادگار مجسمه‌های قدیم روم کار سنگتراشی منجر بایجاد شاهکارهای کلاسیک در قرن ۱۴ و ۱۵ گردید در بقیه کشورها صنعت حجاری ترقی زیاد نکرد ولی در کشور فرانسه زودتر از سایر نواحی اروپا صنعتگران موفق شدند مجسمه‌ها را از قنداق‌هایشان بیرون آورده به دست و پا و قیافه آنها حرکت و احساساتی بدهند و چنانکه خواهیم دید اکثر مجسمه‌هایی که در قرن ۱۳ و ۱۴ در فرانسه ساخته شد چیزی از مجسمه‌های قدیم روم و حتی یونان کم نداشت و مجسمه‌ها و نقوش برجسته‌ای که در فرانسه در دوره رمان ساخته شد با اینکه بخودی خود از نظر صنعتی چیز قابل ملاحظه‌ای نبود و نواقص زیاد داشت ولی از نظر اینکه مقدمه تشکیل مجسمه‌سازی گتیک بود مطالعه آن خالی از فایده نیست و ما از همین لحاظ بذکر آن پرداختیم.

صنعت گتیک (۱)

تعریف - سبک صنعتی گتیک در کشور فرانسه در اواخر قرن ۱۲ میلادی بوجود آمد و در تمام دوره قرون وسطی تا اواسط قرن ۱۶ در اروپا معمول بود. اصطلاح گتیک در قرن ۱۶ میلادی معمول شد و منظور اصلی اشخاصی که این اصطلاح را ایجاد کردند تحقیر صنعت نامبرده بود زیرا مردم آن زمان که بعد از ۱۰ قرن مجدداً در نتیجه تحقیقات باستان شناسی با باقیمانده ابنيه روم قدیم آشنائی پیدا کرده و فریفته آن شده بودند، چنین تصور نمودند که صنعتی که از قرن ۱۲ تا ۱۶ در قسمت مهمی از اروپا معمول گردیده بود متعلق باقوام نیمه متمدن «کت‌ها» است. اخیراً بعضی از نویسندگان پیشنهاد کرده اند که سبک نامبرده را «سبک صنعتی فرانسه» بنامند، ولی این اصطلاح صحیح نیست، زیرا مفهوم آن محدود است و مانند این است که بگوئیم ملت فرانسه فقط در قرون وسطی دارای سبک صنعتی مخصوصی بوده و صنایعی که در دوره های بعد از قرون وسطی در کشور فرانسه معمول شده متعلق بملت فرانسه نیست. باید متوجه این مطلب بود که صنعتی را که ما اکنون «گتیک» مینامیم در همان دوره های قدیم یعنی در قرون وسطی تحت عنوان سبک فرانسه (۲) شناخته میشد.

نظر باینکه امروز کسی از بکار بردن اصطلاح «سبک گتیک» قصد تحقیر ندارد و این سبک رسماً تحت این عنوان بعموم مردم معرفی شده چنین بنظر میرسد که تغییر نام مزبور لزوم ندارد و نویسندگان عصر حاضر هم برای تعیین صنایع مربوط به «گت‌ها» دو اصطلاح «صنعت گت‌ها» (۳) و «صنعت باربار‌ها» (۴) را بکار میبرند.

(1) Art gothique (2) Opus francigenum (3) Art des Goths (4) Art des barbares

ابنیه مذهبی گتیک در تمام دوره قرون وسطی صنعت معماری و خصوصاً صنعت در کشور فرانسه معماری مذهبی بر سایر صنایع از قبیل پیکر سازی و نقاشی حکمفرما بود باین معنی که مجسمه را برای نشان دادن زیبایی آن نمیساختند بلکه برای این میساختند که قسمتی از نمای خارجی یا داخلی کلیسا را مزین نماید. در تمام قرون وسطی دیده نشد که مانند زمان یونان و روم قدیم یا مانند عصر جدید مجسمه‌ای ساخته در میان میدان یا باغ عمومی قرار دهند بلکه برعکس همیشه وجود يك مجسمه بیک ساختمان بستگی داشت و ممکن نبود مجزی از آن ساخته شود. خصوصیات ابنیه گتیک بقرار زیر است :

۱- استعمال طاق در روی نوارهای « اژیف » (۱)

۲- عمومیت دادن قوس جناقی (یا شکسته یا گلابی) (۲) بجای قوس هلالی (۳) که در دوره رمان معمول بود .

۳- استعمال « آرک بوتان » (۴) (برای این کلمه اصطلاح فارسی غیر از قوس اتکاء بنظر ما نرسید)

۴- اختراع اشکال جدید برای تزئین ابنیه .

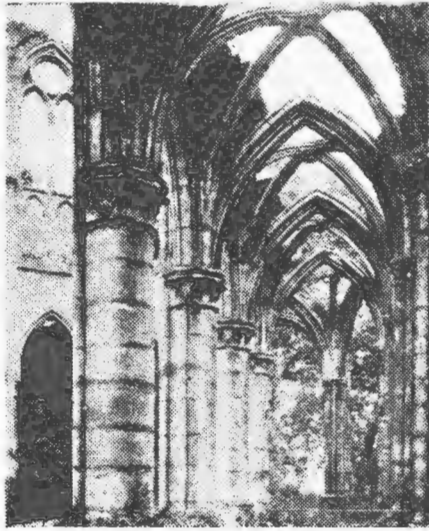
ممکن است تمام این شرایط در یکجا جمع نباشند . مثلاً ابنیه‌ای از سبک گتیک وجود دارند که فاقد طاق میباشند (بجای طاق سقف افقی در این ابنیه بکار برده شده) بعلاوه تمام این خصوصیات در يك موقع بوجود نیامده اند بلکه مدت زمانی معماران در جستجوی راههای جدیدی بوده متدرجاً بتکمیل فن خود و اختراع روشهای تازه موفق گردیدند . این فورمولهای جدید کم کم بسایر نقاط نفوذ کرد و در همه جا معمول شد . اصول سبک گتیک در نقاطی که اختراع شد زودتر از نقاطی که در آنها نفوذ پیدا کرد بکار برده شد . در هر حال سبک گتیک از ابتدا تا انتهای حیات خود دائماً در تغییر و تکمیل بود و بندرت معماران گتیک برای ساختن بنای خود بتمام معنی از ابنیه‌ای که پیش از آنها ساخته شده تقلید کرده اند بلکه هر معمار و هر صنعتگر

(1) Croisée d'ogives (2) Arc brisé (3) Arc en plein cintre (4) Arc buttant

چیزی بر تجربیات پیشینیان خود افزوده است.

نوار اژیف - عضو مهم ابنیه گتیک نوار «اژیف» است و طاق کلیسای ابن سبک کاملاً بستگی بآن دارد. «اژیف» طاق هر بند نف کلیسا را به چهار مثلث منحنی تقسیم میکند و هر یک از این چهار مثلث از یکدیگر مجزی و مستقل است بطوریکه خراب شدن یکی از آنها باعث خراب شدن سایر مثلث‌ها نمیشود.

نوارهای «اژیف» بشکل علامت ضرب یکدیگر را در محل «کلید قوس» قطع میکنند و از دو طرفی که در جهت طول گهواره واقع است بقوس مضاعف محدود میگردند و از دو طرف دیگر که در جهت عرض گهواره واقع است بدو قوس



ش ۴- نمونه طاقی که روی اژیو ساخته شده
و در نتیجه بمباران طاق خراب شده
ولی اژیو باقی مانده است

«طرفی» (۱) در بالای پنجره‌ها منتهی میشود تمام سنگهای تراشیده‌ای که چنین طاق‌ها را تشکیل میدهند با خط قله طاق جناقی موازی هستند و سنگینی عمودی آنها مبدل بقشار متمایلی میگردد که بگوشه پائین مثلث منحنی وارد میآید و از آنجا بر روی ستونها منتقل میگردد. بنابراین در زیر قوس «طرفی» هیچ فشاری وارد نمیآید و این امر باعث میشود که بتوان دیوارهای طرفی نف مرکزی را برداشت و بجای آن پنجره‌های بزرگی قرار داد. در دورهٔ رمان زیر طاق ضربی ممکن بود دیوار را تا

اندازه‌ای حذف کرده بجای آن پنجره باز کرد ولی طاق ضربی فقط برای پوشش‌های کوچک مناسب بود و برای پوشش سطوح بزرگ و مرتفع در ساختمان بکار برده نمیشد.

در سبک گتیک ابتدا جرزها و دیوارهای طرفین نف اصلی و نه‌های جناحی را

بالا برده روی آنرا با شیروانی میپوشانند تا داخل کارگاه ساختمانی از خطر ضایعات باران مصون باشد. پس از اتمام کار شیروانی قوسهای مضاعف و نوارهای اژیف را روی آن بنامینمودند و پس از آنکه این قوسها و نوارها کاملاً خشک شد چوب بست مختصر و سبکی فراهم نموده بین نوارهای اژیف را با سنگهای تراشیده سبک و نازک میپوشانند. با بکار بردن اصول سبک جدید پوشاندن هر نوع سطحی مانند سطح مربع یا مثلث یا ذوزنقه میسر میگردد.

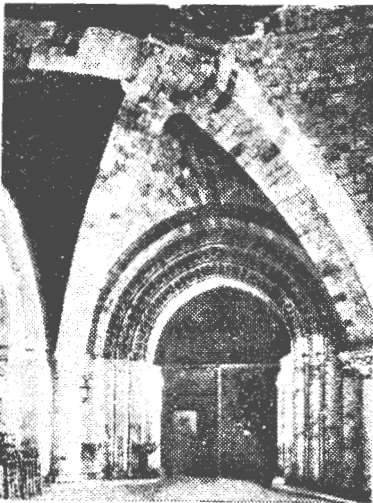
مسقط الرأس نوار « اژیف » انقلاب بزرگی در صنعت معماری اروپا عموماً
نوار اژیف و کشور فرانسه خصوصاً ایجاد نمود بطوریکه از قرن ۱۳ بعد
 کلیسایی بدون « اژیف » ساخته نشد. نظر با اهمیت این عضو مؤثر ابنیه مذهبی گتیک اروپائی ها
 جستجو کرده اند مسقط الرأس آنرا پیدا کنند یا عبارت دیگر سعی کرده اند بفهمند اولین
 بار « اژیف » در کدام محل بکار برده شده. ابتدا بعضی از نویسندگان متوجه
 مشرق زمین و اسپانیا و حتی ایران و هندوستان شدند و در نتیجه مقایسه های بدون پایه
 و اساسی اشتباهاتی رخ داد.

مثلاً چون در ابنیه اسلامی اسپانیا که پیش از قرن ۱۳ ساخته شده بود چیزی
 شبیه به نوار اژیف دیدند مسقط الرأس نوار اژیف را در اسپانیا قرار دادند ولی باید
 متوجه بود که نوارهای اژیف که در اسپانیا و در مشرق زمین بکار برده شده با اژیفی
 که در قرن ۱۳ در ابنیه مذهبی کشور فرانسه استعمال شد بکلی متفاوت است.

نوع اول بهیچوجه بستگی بطاق ندارد و غالباً آنرا پس از اتمام ساختمان طاق
 برای تزئین بآن چسبانیده اند و بسا اتفاق افتاده که این نوارها پس از مدتی از طاق
 جدا شده بزمین افتاده است بدون اینکه از استحکام طاق کاسته شود. نوع دوم نوار
 اژیف یعنی آن نوعی که در قرن ۱۳ در ابنیه مذهبی فرانسه بکار برده شده برخلاف
 نوع اول قبل از ساختمان اصلی با مصالح محکمی ساخته میشود و پس از آنکه کاملاً خشک
 شد طاق را روی آن تکیه می دادند. بنابراین بدیهی است اگر پس از انجام ساختمان
 طاق نوار اژیف را برداریم تمام طاق فرو میریزد. بعضی از اوقات خصوصاً هنگامیکه

قطعه سنگهای طاق با ملات محکمی بهم چسبیده و مدتی از ساختمان آن گذشته ممکن است احتیاجی بنوار اژیف نداشته باشد ولی اصولاً طاق گتیک روی نوار اژیف تکیه میکند در حالی که نوارهایی که در مشرق زمین بکار برده شده فقط جنبه تزئینی دارند و عمل مهمی برای استحکام طاق انجام نمیدهند.

بحثهایی که نویسندگان اروپائی راجع به « اژیف » کرده اند بسیار مفصل و ذکر آنها در اینجا بی مورد است. رویهمرفته نتیجه ای که ممکن است از بحث مفصل این نویسندگان گرفته شود این است که نوار اژیف با خصوصیات که برای آن ذکر کردیم در قرن ۱۳ میلادی در کشور فرانسه در ناحیه « ایل دو فرانس » (۱) بکار برده شده و استعمال آن باعث شد که معماران فرانسوی در اواخر همین قرن توانستند ابنیه مذهبی خود را طوری بسازند که اولاً از ابنیه دوره رمان محکمتر بوده ثانیاً از



ش ۴- نمونه از یوهای اولیه بدون کلید قوس. در این محل از یوها عمل مشتی برای نگهداری طاق انجام نمیدهند و حتی باعث سنگین شدن طاق نیز می باشند

آنها بسیار وسیعتر و مرتفع تر باشد ثالثاً در نتیجه حذف دیوارهای زیادی روشنائی بیشتر وارد کلیسا شود. رابعاً از حـجم مصالح کاسته شده در نتیجه کم شدن وزن طاق تعادل بنا حفظ شود و ضمناً در استعمال مصالح صرفه جـوئی گردد.

بنا بر مطالب فوق اگر خوانندگان این سطور در ایران یا ارمنستان یا مصر و اسپانیا بنوارهای زیر طاق برخوردند که شبیه بنوار « اژیف » باشد باید تحقیق کنند آیا این نوارها جنبه تزئینی دارند یا واقعاً عمل مثبتی برای نگهداری طاق انجام میدهند و پس از روشن نمودن این مطلب نتایج لازم را بگیرند

(1) Ile de France

اولین طاق روی بعلاوه تنها وجود اثریف نیست که بنائی را از ابنیه رمان خارج « اثریف » کرده داخل دسته ابنیه کتیک مینماید. خصوصیات دیگر برای ایجاد یک بنای گتیک لازم است و ما این خصوصیات را در ذیل مورد تحقیق قرار خواهیم داد. اکنون نوار اثریف را در ابنیه ای مطالعه میکنیم که غیر از اثریف در آن سایر خصوصیات سبک گتیک موجود نباشد.

نوار اثریف از اواخر قرن یازده در کشورهای مختلف اروپا در موارد مختلف و معدولا برای آسان نمودن ساختمان طاق ضربی بکار برده شده. دو نفر از متخصصین تاریخ صنایع گتیک آقایان ریورا (۱) و کینگسلی پورتر (۲) در مقالات متعدد وجود نوار اثریف را در لمباردی و ایتالیا شمالی در ثلث آخر قرن یازده و اوایل قرن ۱۲ متذکر شده اند.

نیمرخ این نوارها مربع است (در ابنیه گتیک مدور است) - با آجر یا قطعه سنگهای کوچک ساخته شده اند - فاقد کاپد قوس میباشد - طاقی که روی آنها قرار گرفته ضخیم و سنگین (در ابنیه گتیک طاق هرور نازکتر و سبکتر میشود) و محدب است - فشار این طاقها روی تکیه گاه نوارها وارد نمیشود (در ابنیه گتیک تمام فشار طاق روی تکیه گاه نوارهای اثریف میآید و چون دیوارهای طرفی آزاد میشوند آنها را حذف نموده بجایشان پنجره باز میکنند) - دیوارهای طرفی بسیار ضخیم و سنگین است (در ابنیه گتیک این دیوارها بکلی حذف میشوند) - در این دیوارها بندرت پنجره های بسیار کوچک باز میکنند - بطور کلی این نوارهای اثریف تا اندازه ای کار ساختمان را آسان کرده ولی سازندگان آن نتوانسته اند آنطوریکه باید از وجود آن استفاده کنند و مانند معماران گتیک فشار طاق را بوسیله آن بمراکز معین هدایت نمایند و دیوارهای اضافی را حذف نموده از سنگینی طاق بکاهند.

بنا بر این، این ابنیه با وجود نوارهای اژیف جزو دسته ابنیهٔ رمان محسوب می‌شوند.

نوار اژیف بدون کلید قوس در جنوب شرقی کشور فرانسه و سر در کلیسای سن ویکتور در شهر مارسسی (۱) و در زیر زمین کلیسای سن ژیل (۲) و در نف کلیسای سن ویکتور در کاستلان (۳) و در کلیسای موآساك (۴) (شکل ۴۵) دیده می‌شود.

یکی دیگر از نویسندگان تاریخ صنایع جون بیلسن (۵) در تاریخ ۱۸۸۹ وجود نوارهای اژیف از نوع بالا را در انگلستان در اواخر قرن یازده و در اوایل قرن ۱۲ میلادی تذکر داده است. با اینکه بین کشور انگلستان و لمباردی در آن دوره روابط تجارتي و فرهنگی برقرار بود نباید تصور کرد که ساختمان یکی از دیگری تقلید شده باشد زیرا سبك ساختمان هريك از آنها با دیگری متفاوت است.

ساختمان قسمت علیی و بازوهای کلیسای شهر دورهام در سال ۱۰۹۳ شروع و در سال ۱۱۰۴ ختم گردید. در این تاریخ برای ساختمان طاق کلیسا نوار اژیف بکار برده‌اند و قسمتی از این طاقها هنوز باقی است. قوسهای مضاعفیکه در طرفین این طاقها قرار گرفته هلال کامل است. میان نوارهای اژیف از حد معمول پائین‌تر است با اینحال کلید قوسهای اژیف از کلید قوسهای مضاعف بالاتر است و بنابراین طاق کلیسا محذب و فشار طاق بنقاط اتكاء نوارهای اژیو هدایت نشده است. طاقها روی دیوارهای ضخیم قرار گرفته و قوسهای مضاعف نیز بسیار ضخیم است. طاقها فاقد قوس طرفی میباشد. این خصوصیات نشان میدهد که سازنده بنا هنوز بر مشکلات ساختمانی فایق نگردیده است. این نوع ابنیه در بیشتر کلیساهای انگلستان در ابتدای قرن ۱۲ در شهرهای پتر-بوروغ و وینچستر و در کشور فرانسه شمالی در مونویلیه (۶) و در کلیسای سن پل در شهر رومن (۷) و در شهر کان (۸) دیده میشوند.

در نتیجهٔ آشنابودن بقوسهای جناقی و بکار بردن قوس هلالی معماران انگلستان

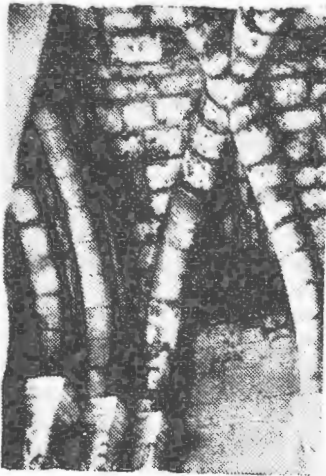
(1) Saint victor de Marseille (2) Saint gilles (3) Saint Victor de Castellane
(4) Moissac (5) John Bilson (6) Montvilliers (7) Saint Paul à Rouen
(8) Caen

و نرماندی نتوانستند استفاده کامل از نوار اژیف بنمایند.

برخلاف نواحی فوق در « ایل دو فرانس » از ابتدا روی اصول صحیح دو نوار اژیف با قوسهای هلالی و کلید قوس ساخته طاق سبکی روی آن قرار دادند و برای اینکه کلید قوسهای اژیف با کلید قوس مضاعف در یک خط واقع شود قوس مضاعف را جناقی ساختند تا کلید آن در ارتفاع زیادتر قرار گیرد و تمام فشار بوسیله نوارهای اژیف بنقطه اتکاء نوارها هدایت شود.

در ربع دوم قرن ۱۲ در ناحیه ای که بین شهرهای رنس (۱) و سانس (۲) و اتامپ (۳) و مانت (۴) و سن مارتین (۵) و لان (۶) قرار گرفته و به ایل دو فرانس معروف است طاق روی نوار اژیف با تمام خصوصیاتش ظاهر شد و در ربع دوم قرن ۱۲ بسرعت ترقی کرد و توسعه یافت.

در قدیمترین این کلیساها مانند کلیسای مورینوال (۷) (شکل ۴۶) و کلیسای



ش ۴۶- کلیسای مورینوال در ناحیه
ایل دو فرانس نمونه از یوهای
اولیه با کلید قوس

سنت اتین در شهر بـووه (۸) (۱۱۲۵) نوارهای اژیف جزئی از طاق محسوب میشوند و از آن مجزی نیستند و بنابراین مانند ابنیه دوره دوم گتیک (قرن ۱۳ و ۱۴) استقلال ندارند. معماران بزودی باین نقص پی بردند و در ابنیه ای که بعد از کلیسای مورینوال ساخته شد نوارهای « اژیف » را مستقل و مجزی از طاق ساختند و طاق را روی آن تکیه دادند.

این نوارها مستطیل یا مدور یا بادامی شکل است. کلید قوسشان کاملاً مجزی و واضح است و چهار بازو دارد (بشکل علامت ضرب) بچهار نوار اژیف متصل میشود.

قطع قوسهای مضاعف معمولاً نظیر قطع قوسهای نوارها است ولی همیشه از آنها

(1) Reims (2) Sens (3) Etampes (4) Mantes (5) St - Martin (6) Laon
(7) Morienval

پهن‌تر است. در ابتدا قوس طرفی وجود ندارد و وقتی ظاهر میشود قطع آن بشکل نصف قطع قوس مضاعف است.

در آغاز کار طاقهای اژیف دار را روی طرح مربع قرار دادند (مانند طاقهای ضربی). وقتی استعمال پایه‌های قوی و ضعیف معمول گردید طاق مربع نف مرکزی را بدو قسمت مساوی تقسیم کردند و از میان کلید اژیف يك نوار ثالثی عبور دادند بطوریکه طرح مربع بند نف مرکزی بدو مستطیل متساوی تقسیم شد و چون باین ترتیب طاق اژیف مرکب از شش مثلث منحنی میگردد آن طاق را اژیف شش قسمتی نام نهاده‌اند (۱) باین طریق هر بند مربع شش قسمتی نف مرکزی مطابق دو دهانه بند مربع نف‌های طرفین است و چون در محل اتکاء نوار ثالث فشار کمتر از نقاط اتکاء نوارهای اصلی اژیف وارد می‌آید پایه آن را نازک‌تر از پایه‌های اصلی میکنند و باین ترتیب پایه‌های قوی و ضعیف ایجاد میگردد.

ساختن طاق روی طرح ذوزنقه و « دآمبولاتور » کاری مشکل بود. برای رفع اشکال میان ذوزنقه را بدست آورده کلید طاق را روی آن قرار دادند. سپس چهار نوار اژیف را که در امتداد یکدیگر قرار ندارند وصل نمودند و روی آن طاق زدند. روی طرح نیم دایره مجراب يك طاق نیم گنبدی با نوارهای اژیف میساختند و باین ترتیب اژیف را در هر نوع شکلی از قبیل مربع یا مستطیل یا ذوزنقه یا نیم‌دایره بکار بردند.

در دوره رمان قوس جناقی معمول بود ولی عمومیت نداشت و استعمال قوس جناقی زیاد بکار برده نمیشد. از اواسط قرن ۱۲ در نواحی بورگونی و پروانس و در مغرب فرانسه در بعضی از کلیساها طاق نف مرکزی روی قوس جناقی بود. از موقعیکه قوس جناقی بکار برده شد ارتفاع طاق زیادتر و فشار عمودی تر گشته براستحکام بنا افزوده گردید. قوس‌های زیر طاق‌های ناحیه بریگورد (۱) در فرانسه همیشه جناقی بوده‌اند. ظاهراً معماران ناحیه «ایل دو فرانس» در استعمال قوس جناقی از ازنیه ناحیه بورگونی تقلید نموده‌اند. ولی بطور کلی هر قدر بقرن ۱۳

نزدیک میشود استعمال قوس جناقی بیشتر معمول میگردد و بر ارتفاع قوس افزوده میشود.

قوس جناقی که از ابتدا در قوسهای طرفین نف اصلی و قوسهای مضاعف و قوسهای طرفی استعمال میشد بتدریج در قسمتهای دیگر بنا مانند بالکانه و برج ناقوس و سردر و پنجره و قوسهای فرعی دیگر بکار برده شد.

دیوار اتکاء تمام وزن و فشار قوس اذیف بر نقطه اتکاء نوارهای اذیف وارد

میشود و چون در نتیجه هدایت و تمرکز فشار از وزن و قوس اتکاء

فوق العاده طاق کاسته شد ساختن پایههای نسبتاً سبک و دیوار

ها یا قوسهای اتکاء بر جسته ای ممکن گردید و در نتیجه فشار طاق روی آنها وارد شد.

فشار طاقهای رومان متمرکز نبود و برای حمل آن دیوارهای پهن و ضخیم لازم بود

ولی دیوار اتکاء گتیک نازک و بلند است. در کلیساهای بزرگ بالای «نف» جناقی یک

تریبون یا بالکانه میساختند و طاقهای محکم و قوی آن بمنزله نقطه اتکائی برای

تحمل فشار طاق نف اصلی بود که مانند کمر بندی آنرا در قسمت فوقانی احاطه

میکرد. در سایر کلیساها که بالکانه وجود نداشت در مقابل هر نقطه اتکاء فشار طاق

نف مرکزی دیواری در جهت عرض در روی نف جناحی ساخته شد تا فشار وارده را

تحمل کند. بعد ها در پسا این دیوار را هر وئی باز شد تا عبور در بام کلیسا

ممکن شود و بتوانند در مواقع لازم قسمتهای مختلف آن را معاینه کنند. این راهروها بتدریج

بقدری بزرگ شد که دیوار اتکاء مبدل بقوس گردید و این ابتدای ایجاد قوسهای اتکاء

است. تغییرات تدریجی که منتهی بایجاد قوس اتکاء گردید در کلیسای سن مارتین دسام (۱)

در پاریس و سنت مادلن دوشاتودن (۲) و کلیسای اولک نشین شهر کان (۳) بخوبی

مشاهده میشود. دیوارهای اتکاء فقط نقاط اتکائی را که در پائین کلیسا واقع بود

میتوانست محکم کند و برای نقاط مرتفع کلیسا مفید نبود. در اواخر قرن ۱۲

قوسهای اتکاء حقیقی بوجود آمد و عبارت است از بازوهای بلند و نسبتاً نازکی از

سنگ بسیار محکم که فشار طاقهای مرتفع نف اصلی را از بالای نف جناحی روی

جرزهای محکمی که در خارج کلیسا واقع است منتقل مینمایند .
 این نوع قوس اتکاء ابتدا در کلیسای سن ژرمن دپره (۱) در پاریس و سن رمی
 در شهر رنس (۲) استعمال شد . در کلیسای نتردام در شهر پاریس از ابتدای ساختمان
 کلیسا استعمال قوس اتکاء پیش بینی شده بود و در کلیسای شهر شارتر که در تاریخ ۱۹۱۴
 در نتیجه حریق خراب شد در ساختمان مجدد آن از کلیسای پاریس برای بکار بردن قوس
 اتکاء تقلید شده است .

در قرن ۱۳ در بعضی از کلیساهای مرتفع دوردیف قوس اتکاء لازم شد و در ابنیه‌ای
 مانند کلیسای شارتر این دوردیف قوس را برای ازدیاد استحکام بهم متصل کردند و حتی
 در قسمت‌هایی این کلیسا سه ردیف قوس اتکاء بکار بردند و ناودانهای قسمت مرتفع کلیسارا
 روی گردنه قوس اتکاء قرار دادند.

تقسیمات دوره گتیک

در این تقسیم‌بندی کلیساهای اواخر قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ را که دارای مختصات اواخر دوره رمان است بحساب نمیاوریم و دوره گتیک را از هنگامی شروع میکنیم که این سبک جدید تمام وسائل لازم را در اختیار خود قرار داده و ابنیه آن کاملاً از ساختمان‌های دوره رمان متمایز است. از قرن ۱۲ تا قرن ۱۶ میلادی سبک گتیک را به سه دوره تقسیم میکنند:

۱- دوره اول گتیک از ۱۱۴۰ تا ۱۲۰۰- در این دوره هنوز پنجره‌ها نسبتاً کوچک و فاقد شبکه داخلی هستند. طاق بیش یا کم محدب است، نوار اژیف شش قسمتی و بنابراین بندهای نف مرکزی مربع است، قوس اتکاء وجود ندارد و بالکانه (طبقه بالای نف جناحی) برای اتکاء فشار طاق مرکزی بکار برده میشود. گاهی دیوار اتکاء استعمال میشود.

۲- قرن ۱۳ و ۱۴ یا عصر طلایی گتیک، که مختصات آن عبارت است از پنجره‌های وسیعتر با شبکه داخلی ساده، طاق غیر محدب و مستطیل مرکب از چهار مثلث منحنی (در دوره اول گتیک مربع و شش قسمتی)، اختراع قوس اتکاء... حذف بالکانه، در حدود ۱۲۵۰ توسعه پنجره‌ها و شبکه آن، تبدیل دیوار انتهای «تریفوریوم» به پنجره.

۳- گتیک فلامبویان از ۱۴۰۰ تا ۱۵۵۰- در این دوره پنجره‌ها تا قوس‌های داخلی نف اصلی پائین می‌آیند و شبکه آن بشکل شعله آتش درمی‌آید و بهمین دلیل این سبک را «فلامبویان» (شبیه به شعله آتش) نامیده‌اند، به نوارهای اژیف در زیر طاق افزوده میشود و نوارها مستقیماً بدون واسطه سرستون داخل در پایه‌ها میشوند، گاهی اوقات قوسها بصورت ابرو یا دسته زنبیل درمی‌آیند.

دوره اول گتیک این سبک در « ایل دو فرانس » در ناحیه ای که تحت اختیار مستقیم پادشاه فرانسه بود در اواسط قرن ۱۲ بوجود آمد، این ناحیه طبعاً حاصلخیز است و در آن سنگهای زیبا و نرمی یافت میشود که تراشیدن آن دشوار نیست و در عین حال بسیار محکم است و رودخانه مارن (۱) و اوآز (۲) و سن (۳) آنرا مشروب مینماید و نظر باینکه رودخانه های فوق الذکر قابل کشتی رانی هستند تجارت این نواحی بسهولت انجام میگیرد، در اواخر قرن دهم میلادی این ناحیه مورد تاخت و تاز واقع شد و راهزنان آنرا غارت کردند و وقتی سلاطین کاپسی (۴) بسلاطنت رسیدند ناچار شدند قبل از توسعه قدرت خود در تمام کشور فرانسه ابتداء بمرمت خرابیهای وارد در ملك شخصی خود یعنی ناحیه ایل دو فرانس بپردازند.

فیلیپ اول و لوئی ششم موفق گردیدند که راهزنان مسلح را دستگیر و قلاع آنها را خراب کرده امنیت را برقرار و روابط بین شهرها را مجدداً تأمین کنند. آزادی عمل برای تاجر و صنعتگر و روحانی بحال عادی برگشت و صومعه نشینان روابط خود را با اهالی شهرها برقرار کردند، بنابراین در نیمه اول قرن ۱۲ که صلح آرامش برقرار گشت. موجبات آبادانی و ترقی و تحصیل ثروت و پیشرفت صنایع و تشویق صنعتگران فراهم گشت از سوی دیگر سلاطین سلسله کاپسی برای تقویت قدرت خود به روحانیون نزدیک شدند و ساختمان ابنیه مذهبی را تشویق کردند، ساختمان کلیساهای بزرگ شروع شد و در زمان سن اوئی کار ساختمانهای مذهبی به اعلا درجه ترقی رسید و اوضاع سیاسی و اقتصادی آنروز و قدرت سلاطین فرانسه بابجاد و توسعه آن کمک بسیار نمود. در ابتدای قرن ۱۳ تقریباً تمام کلیساهای اوک نشین یعنی کلیساهای شهرهای نسبتاً معتبر کشور پادشاهی در حال تعمیر و تجدید ساختمان بودند و در محلهائی که تا آن زمان فاقد کلیسای اوک نشین بود بتأسیس آن اقدام شد. هر اندازه قدرت سلاطین زیادتیر میشد و مقدار زیادتری از ایالات و نواحی فرانسه تحت اختیار سلاطین آن در میآمد در نواحی جدیدالتصرف کلیساهای معتبر ساخته میشد و بهمان اندازه صلح و آرامش و آبادانی در کشور فرانسه برقرار گشته کار صنعتگران آسانتر میگشت

و راه توسعه صنایع باز می‌شد.

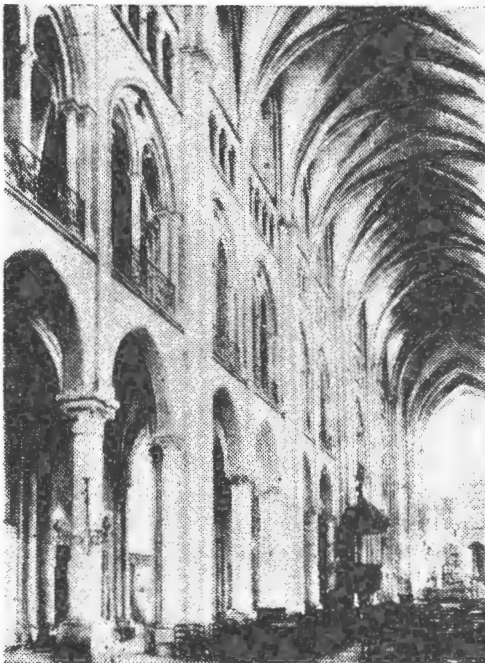
تمام ابتکارات معماران این زمان برای رسیدن باین منظور بود که طاق کلیسا را با سنگ بپوشانند بطوریکه محکم و از خطر حریق مصون باشد و در عین حال پنجره‌های وسیع زیر طاق باز کنند تا روشنائی زیاد داخل کلیسا شود، اختراع نواراژیف و عمومیت دادن قوس جناقی این هر دو منظور را وارد مرحله عمل نمود و میسر شد طاقهای سبکی بسازند که فشارشان روی پایه‌های نازکی وارد آید و زیر آنها را خالی کرده پنجره بسازند.

در همین موقع سبک مصنوعی سازی در نقوش برجسته و نقاشی‌ها و مجسمه سازی متروک گردید و صنعتگران چشم خود را روی طبیعت باز کرده تقلید حقیقی از طبیعت را در سر لوحه برنامه خود قرار دادند و در اواخر این دوره یکقدم نیز جلوتر رفته حقیقت سازی را پیشه خود ساختند باین معنی که بتجسم ظاهر طبیعت اکتفاء نکردند احساسات درونی انسان را در سنگ مجسم نمودند، اولین کلیسای مهم گتیک که در ایل دو فرانس ساخته شد و برای بنای آن تمام معماران نواحی دره «سن» و «مارن» و «اوآز» همکاری کردند کلیسای سن دنی (۱) در پاریس است که مورد علاقه عموم سلاطین فرانسه بود و عده‌ای از آن سلاطین در آن مدفونند.

سوژر (۲) کشیش معروف فرانسوی در سال ۱۱۲۲ بسمت آبه کلیسای سن دنی تعیین شد و با جدیت مخصوصی که داشت ساختمان کلیسا را شروع کرد و تمام معماران فرانسه را از جنوب و مغرب و نرماندی و سورن (۳) برای همکاری در بنای این کلیسا دعوت نمود، کار ساختمان در ۱۱۳۲ شروع شد و در ۹ ژوئن سال ۱۱۴۰ سردر غربی و چند بند اول نف اصلی رسماً افتتاح شد، قسمت علیای کلیسا در ۱۴ ژوئیه همین سال شروع گردید و ۴ سال بعد در ۱۱ ژوئن ۱۱۴۴ تبرک یافت و روز تبرک لوئی هفتم پادشاه فرانسه و ملکه و تمام بزرگان کشور و اسقف‌ها و آبه‌ها حضور داشتند و این بزرگترین کلیسائی بود که تا آن زمان در کشور فرانسه ساخته می‌شد، در قرن ۱۳ در این کلیسا تعمیراتی انجام گرفت ولی در اصول کلی ساختمان آن تغییری حاصل نشد

نشده - بنا بر این کلیسای آبه نشین سن دنی اولین کلیسای معروف سبك گتيك است و در تاريخ فرانسه مقام مهمی دارد. جام معروف خسرو پادشاه ساسانی که یا بعنوان هديه برای سلاطين فرانسه فرستاده شده و یا از راه ديگر بدست سلاطين ناهبرده رسیده بود در این کلیسا جزو تقدیمی های سلاطين آن کشور بود و اکنون از آن محل بموزه کتابخانه ملی پاریس منتقل شده است - سلاطين کشور فرانسه اشیاء متعدد ذیقیمت دیگری نیز باین کلیسا هديه کرده اند و براءتبار و اهمیت آن خزانه افزوده اند - .

کلیسای شهر نوآین (۱) شکل (۴۷)



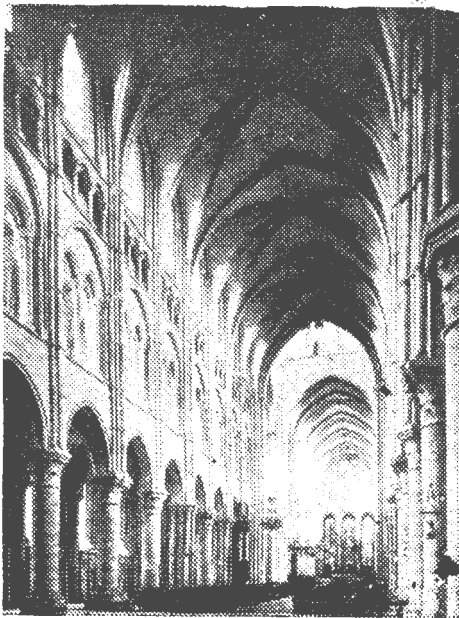
ش ۴۷ - کلیسای شهر نوآین

تقریباً همدوره با کلیسای سن دنی است . ساختمان قسمت علیای این کلیسا بعد از حریق ۱۱۳۱ شروع شد و در سال ۱۱۵۷ اتمام پذیرفت و بازوهای کلیسا که انتهای آن مدور است در تاریخ ۱۱۷۰ انجام یافت - نف اصلی در اواخر قرن ۱۲ تمام شد. طاق شش قسمتی آن در ۱۲۹۳ در نتیجه حریق خراب شد و هنگام ساختمان مجدد آن اوزیف مستطیل چهار قسمتی جای آنرا گرفت - در طی جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ این کلیسا در نتیجه بمباران توپخانه آتش گرفت و مجدداً تعمیر شد .

در سال ۱۱۵۳ لویی هفتم پادشاه فرانسه به روحانیون اجازه داد که در تمام کشور فرانسه به جمع آوری پول لازم برای ساختمان مجدد کلیسای شهر سنالیس (۲) پردازند - در سال ۱۱۶۷ قسمت علیای این کلیسا تمام شد و در ۱۱۹۱ رسماً باتشریفات

مذهبی افتتاح یافت. در اواسط قرن ۱۳ باین کلیسا يك بازو (۱) اضافه نمودند - در ۱۵۰۴ طاق آن که در اثر حریق خراب شده بود مجدداً تعمیر گردید.

ساختمان کلیسای اسقف نشین شهر لان (۲) در تاریخ ۱۱۵۰ میلادی آغاز و در اواخر قرن ۱۲ انجام یافت. قسمت علیای این کلیسا و محراب های آن که مدور بودند در ۱۲۰۵ بمحراب مستطیل مبدل گشت. تائیر سبك ساختمانى این کلیسای عظیم و زیبا در تمام شمال فرانسه و نرماندی و حتی در ناحیه «رنانی» (۳) بسیار بود. کلیسای شهر لیزیو (۴) تقلیدی از آن است (شکل ۴۸). معماران کلیسای نتردام در پاریس نیز اقتباساتی از سبك معماری کلیسای شهر لان نموده اند.



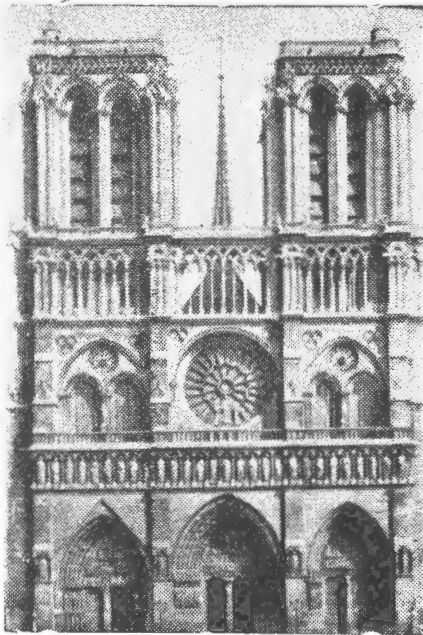
ش ۴۸ - اسقف نشین شهر لان

در سال ۱۱۶۳ سولسی اسقف شهر پاریس اولین سبك کلیسای نتردام را قرار داد. ساختمان از قسمت علیی کلیسا شروع شد و در ۱۱۷۷ بنای این کلیسا پیشرفت کامل کرده و در تاریخ ۱۱۸۲ تمام شده بود ساختمان نف از ۱۱۸۰ تا ۱۲۰۰ بطول انجامید.

در ۱۲۰۰ ساختمان سر در کلیسا شروع شد و در ۱۲۴۵ اتمام پذیرفت. برای انجام ساختمان قسمت های دیگر کلیسا و جزئیات آن در ربع سوم قرن ۱۳ هنوز در آن مشغول کار بودند. شکل (۴۹-۵۰)

کلیسای نتردام در پاریس آخرین نوع کلیساهائست که در دوره اول گتیک ساخته شد. در این نوع کلیسا هنوز بالکانه بجای تکیه گاه نف مرکزی بکار برده میشود و روشنایی داخل کلیسا چندان زیاد نیست. قوسهای اتکاء اولین بار در کلیسای

نتردام در پاریس ظاهر شدند. در اواخر قرن ۱۲ استعمال و عمومیت قوس اتکاء باعث شد که ارتفاع کلیسا افزوده گردد. در این نوع کلیساها معمولا در قسمت علیا محرابهای متعددی است که در اطراف محراب اصلی دور میزنند (۱). در کلیسای نتردام در پاریس و در کلیسای شهر بورژ (۲) و کلیسای بومون در اواز (۳) دو زوج نف جناحی وجود دارد. طاق اژیف شش قسمتی مربع قبل از ۱۵۵۴ در شهر سانلیس (۴) با ۱۸ متر ارتفاع و در کلیسای نوایون (۵) با ۲۲ متر و در کلیسای شهر لان (۶) با



ش ۹-۴- سردر اسقف نشین نتردام در شهر پاریس

۲۴/۵۰ در پاریس ۳۲/۵۰ متر روی نف قرار گرفت. پایه های قوس قوی و ضعیف که در کلیساهای شهرهای نوایون (۷) و سانلیس (۸) موجود است فقط در دو بند کلیسای اسقف نشین شهر لان دیده میشود و در پاریس با وجود طاق شش قسمتی پایه قوی و ضعیف استعمال نشده و در عوض بجای پایه ستون بکار برده اند. در بالای قوسهای نف اصلی بالکنهای وسیع و روشن روی نف با دو یا سه دهانه باز میشود. در بالای بالکنه گاهی يك تریفوریم دیده میشود. قوس پنجره ها جناسقی و شبکه های آن بسیار ساده است ..

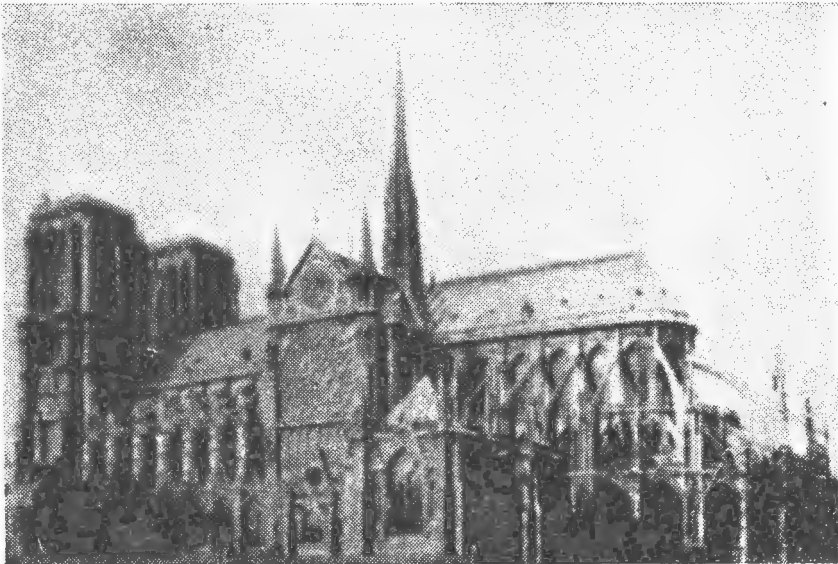
سردر و نمای خارجی مرکب از دو برج و یک «گل» (۹) و در بالای «گل» در کلیساهای اسقف نشین شهرهای «لان» و «پاریس» یک «گالری» وسیع که دو برج را بهم وصل میکند دیده میشود باید دانست که معمول شدن قوس اتکاء در کلیساهای این دوره سبب شد که تریبون بکلی حذف شود چنانکه در بعضی از کلیساهای تریبون و هم قوس اتکاء هر دو وجود

(1) Chapelles rayonnantes (2) Bourges (3) Beaumont sur Oise
(4) Senlis (5) Noyon (6) Laon (7) Noyon (8) Rose

دارد. کلیسای اسقف نشین شهر بورژ (۱) که بنای آن در اواخر قرن ۱۲ شروع شد و در اواخر قرن ۱۳ انجام یافت از سبک ساختمان کلیسای اسقف نشین شهر پاریس تقلید شده است.

گتیک قرن ۱۳ و ۱۴

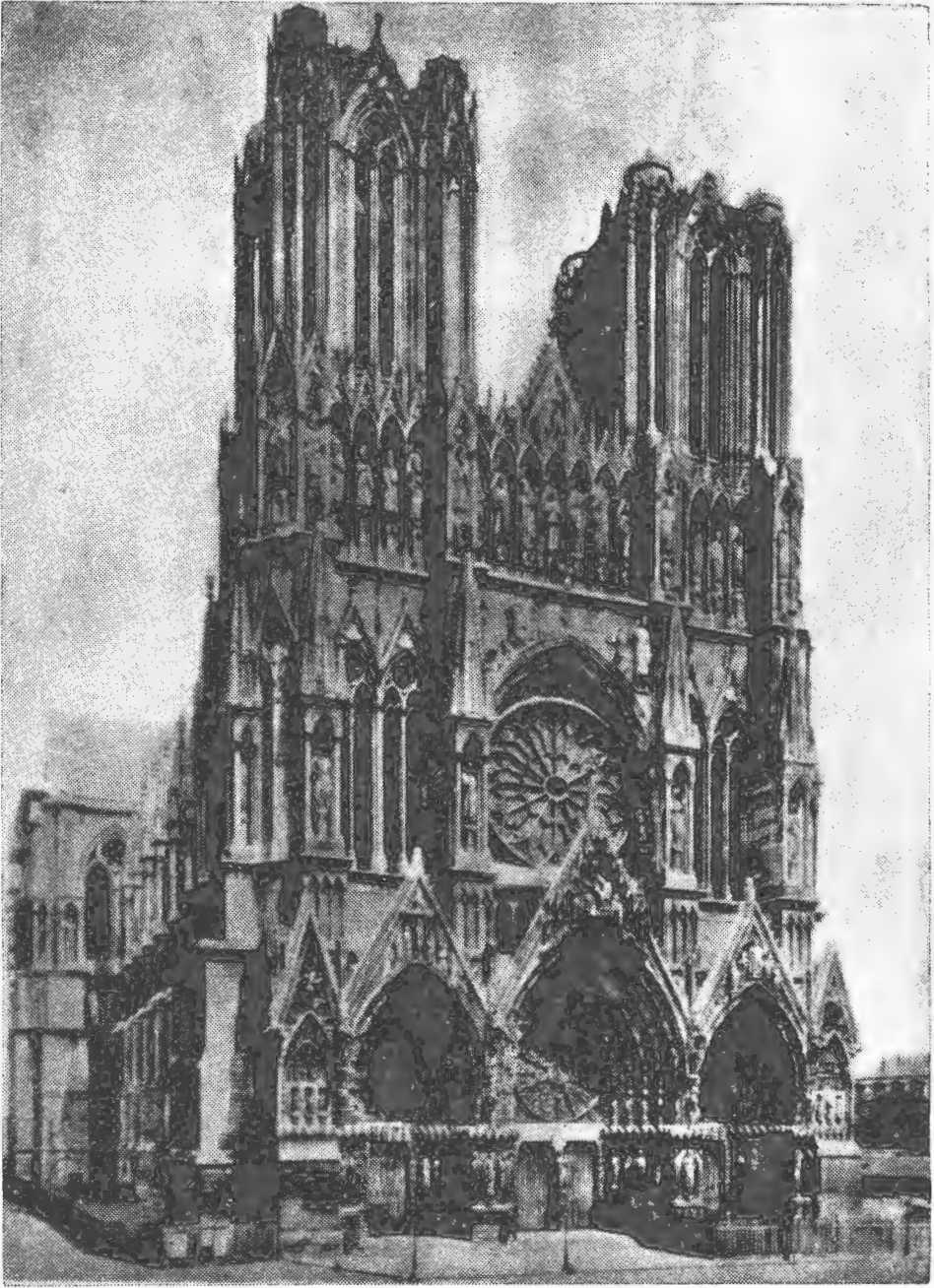
علاوه بر کلیساهای فوق الذکر که دارای بالکانه بودند در اواسط قرن ۱۲ در ناحیه‌ای واقع بین ایل دو فرانس و بورگونی یعنی در شهر سانس (۲) کلیسای اسقف نشین



ش ۵۰ - اسقف نشین نتردام در شهر پاریس

بزرگی برپا گردید که قدمت آن بپایه کلیسای سن دنی میرسد ولی فاقد بالکانه است - این کلیسا از ابتدا دارای اژیو زیر طاق محدب و پنجره های بسیار کوچک زیر طاق نف مرکزی بود. ساختمان آن در تاریخ ۱۱۲۲ شروع شد و قسمت علیای آن در ۱۱۶۴ و نف مرکزی آن در ۱۱۸۰ بانجام رسید.

سقف این کلیسا از نف کلیساهای تریبون دار عریضتر ولی ارتفاع آن کمتر است



ش ۵۱ - نمای کلیسای اسقف نشین شهر رنس

(در کلیسای سانس عرض ۱۳/۲۰ و ارتفاع آن ۲۴ متر است - در کلیسای نتر دام در پاریس عرض ۱۱/۵۰ و ارتفاع ۳۲/۵۰ متر)

قسمت علیای کلیسای سن ژرمن در پاریس (تاریخ انجام ۱۱۶۳) و وزله (آخر قرن ۱۲) دارای همین خصوصیات است و به همین ترتیب در کلیسای بزرگ شهر شارتر تریبون را حذف نموده بجای آن قوس اتکاء بکار برده اند.

در ۱۱۳۴ نمای سردر کلیسای رمان که در قرن یازدهم در شهر شارتر ساخته



ش ۵۲ - نف اصلی اسقف نشین شهر رنس

شده بود در نتیجه حریق خراب شد.

بلافاصله تعمیر کلیسا شروع گردید و در اواسط قرن ۱۲ در جلوی نمای کلیسا یک سردر سه دهانه‌ای با حجاریهای بسیار زیبا ساختند (شکل) و آنرا سردر شاهی نامیدند -

در ۱۱۹۴ مجدد آن کلیسای شهر شارتر در نتیجه حریق خراب شد ولی سردر سه دهانه‌ای و برج ناقوسهای آسمی ندیدند - تعمیر مجدد آن در ۱۲۴۰ انجام یافت.

در قرن ۱۵ و ۱۶ در کلیسای شهر شارتر تعمیرات جدیدی شد. کلیسای

شهر شارتر از نظر تقسیمات مذهبی

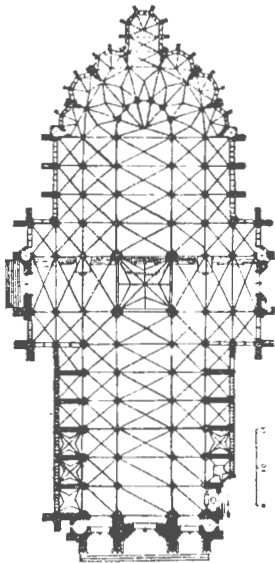
اهمیت فوق العاده داشت و کلیسای شاهی نامیده میشد ولی اهمیت فوق العاده آن خصوصاً برای زیبایی نقوش برجسته و مجسمه‌های زیبای آن که متعلق آخردوره رمان است میباشد.

ساختمان کلیسای شهر سواسون (۱) در اواخر قرن ۱۲ شروع شد و در قرن ۱۳ ادامه داشت. نمای شمالی آن در قرن ۱۴ ساخته شد. در طی جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۹ آسیب زیاد دید و مجدد تعمیر شد.

کلیسای اسقف‌نشین قدیمی شهر رنس در ۱۲۱۱ در نتیجه حریق خراب شد. اولین سنک بنای جدید آن در تاریخ ۱۲۱۲ گذاشته شد و ساختمان آن از قسمت علیی شروع شد. نف آن در قرن ۱۳ انجام یافت (شکل ۵۱-۵۲) و سقف و شیروانی این کلیسا در ۱۴۸۱ با تمام رسید و در ۱۹۱۴ در نتیجه بمباران سوخت. بعلاوه در جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ آسیب بسیاری به قسمت‌های مختلف کلیسا خصوصاً مجسمه‌های زیبای سردر آن وارد آمد و اگر با وجود این بمباران‌های شدید توانست پا برجا بماند علت عمده آن استحکام ساختمان بنا و خصوصاً قطر فوق‌العاده آن است.

کلیسای اسقف‌نشین شهر آمین (شکل ۵۳-۵۴) نیز در نتیجه حریق ۱۲۱۸

خراب شد. ساختمان مجدد آن در ۱۳۲۰ از نف شروع شد و در ۱۲۳۶ انجام یافت. قسمت علیی کلیسا در ۱۲۶۹ خاتمه پذیرفت. محراب‌های این کلیسا در قرن ۱۶ بآن افزوده شد.



ش ۵۳ - اسقف‌نشین
شهر آمین

چندی بعد از شروع ساختمان کلیسای آمین کلیسای شهر بووه (۱) نیز طعمه حریق گردید و ساختمان مجدد آن از قسمت علیا در تاریخ ۱۲۲۷ شروع شد و در ۱۲۷۲ اتمام یافت. در کلیسای شهر بووه چون ارتفاع بنا را بسیار زیاد گرفته بودند مقاومت آن کم بود و در ۱۲۷۴ خراب شد. اما در ساختمان مجدد آن پایه‌ها را محکم نموده قوس اتکاء بآن اضافه نمودند و طاق را بالا بردند و بالنتیجه در ۱۳۲۴ ساختمان کلیسا خاتمه یافت. بازوهای کلیسا را در قرن شانزدهم ساختند ولی برای ساختن نف آن اقدامی نشد. (شکل ۵۷)

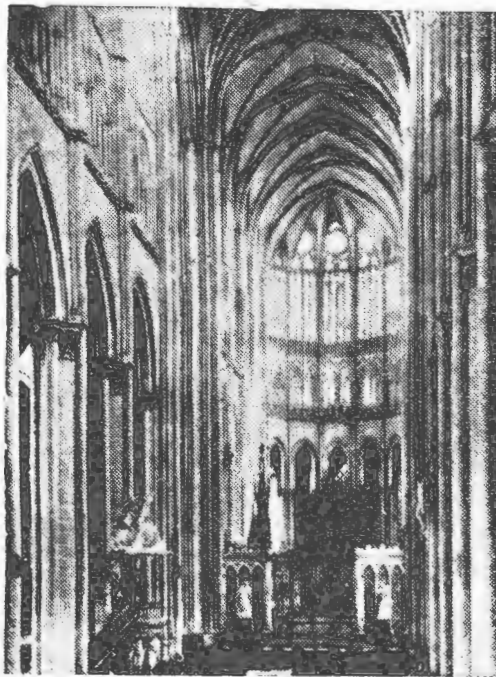
این کلیساها هم از بزرگ‌ترین شاهکارهای صنعت گوتیک اند. طرح آنها

از هـر حیث عالی است . قسمت علیی کلیسا دارای دآمبولاتوار است (۱) و در اطراف آن تعداد زیادی محراب بشکل نیمدایره دیده میشود . وسعت بازو ها زیاد است و نف مرکزی دارای جناحین است . معمولا دو برج در جلوی نمای کلیسا قرار دارد . طول کلیسا در شهر بورژ (۲) ۱۲۰ در پاریس ۱۲۷ در شارتر ۱۳۰ و در رنس ۱۳۸ و در آرمین ۱۴۵ متر است . ارتفاع طاق اژیف بتدریج افزوده میگردد . ارتفاع طاق در کلیسای اسقف نشین شهر رنس ۳۷/۵۰ در آمین ۴۲/۵۰ و در کلیسای

اسقف نشین شهر بووه ۴۷/۵۰ متر است و این طاق اژیف مستطیل تحذب ندارد .

پایه این طاق ها بسیار نازک بوده بقوسهای اتکاء بسیار مرتفعی تکیه میکنند و روی قوس اتکاء وزنه های ظریف (۳) و زیبایی قرار دارد .

روی گردنه قوس های اتکاء ناودانی قرار داده اند که آب بارانی را که در قسمت فوقانی کلیسا جمع میشود بآسانی بزمین برساند . انتهای ناودان بصورت حیوانات غریب و عجیبی ساخته شده (۴) است .



ش ۵۴ - نف اصلی اسقف نشین شهر آمین

پایه ها در قسمت تحتانی یعنی در آن محلی که تمام فشار طاقهای نف اصلی و طرفین و نوارهای اژیف و غیره روی آن وارد میآید عبارت اند از پایه های دوری که چهار نیمه ستون در چهار طرف آن قرار دارد پایه های قوی و ضعیف در این دوره

فقط در کلیسای اسقف نشین شهر شارتر دیده میشود و در کلیساهای اسقف نشین شهرهای آمین و رنس اثری از آن دیده نمیشود. وجود پایه ضعیف و قوی و طاق شش قسمتی در کلیسای اسقف نشین شهر بووه در نتیجه تعمیر کلیسا در تاریخ ۱۲۸۴ ایجاد شده. بالای قوس های جناقی فاصل بین نف اصلی و طرفین دهانه های تریفوروم گاهی



مانند کلیسای رنس در یک ردیف و گاهی مانند کلیسای آمین سه دهانه زیر یک قوس واقع شده (مانند کلیسای تربون داردوره اول گتیک) - پنجره های مرتفع و وسیع تمام فضای بین طاق و تریفوروم را اشغال کرده و فقط شبکه هائی از سنگ در داخل آن قرار داده شده تا شیشه های رنگین را بآن تکیه دهند - قسمت علیای کلیسای اسقف نشین شهر آمین (شکل ۵۴) و بووه (شکل ۵۵) علاوه بر روشنائی پنجره ها از پنجره های کوچکی که در انتهای تریفوروم قرار داده اند روشنائی زیاد وارد کلیسا

ش ۵۵ - اسقف نشین شهر بووه

میشود و باین طریق کلیسا در نتیجه دخول این روشنائی های فراوان شباهت بگالخانه پیدا میکند.

قراردادن پنجره های كوچك در انتهای تریفوروم در ربع اول قرن ۱۳ معمول شد و بزودی در قسمت علیای کلیساهای آمین و بووه و سن دنی در پاریس و استراسبورگ و مس (۱) بکار برده شد. در قرن ۱۴ ساختمان سبك تر گردید و از روی قواعد علمی دقیق تر ساخته شد. نوار هانازك ترواز طاق كاملا مجزی شده ایجاد سایه و روشن نمود.

در قرن ۱۳ استعمال سرستون روی پایه ها معمول بود ولی در قرن ۱۴ بکلی متروک گردید. قوسهای واقع بین نف اصلی و طرفین در قرن ۱۴ عریض تر از سابق گردید و از تیزی نوک آن کاسته شد و پنجره های نف اصلی مستقیماً در روی آن قرار گرفت. در خارج بنا نمای کلیسا در قرن ۱۴ بیش از قرن ۱۳ تزئین میشد و در بالای



ش ۵۶ - سنت شابل در پاریس

سردر اشکال مثلثی شکل (۱) اضافه گردید و روی آنها بگل و برگهای زیاد مزین شد و از این بعد حجاریهای پیشانی سردر موقوف شده بجای آن پنجره های مزین بشیشه های رنگین قرار گرفت و آنرا گل (۲) مینامند قوسهای اتکاء در قرن ۱۴ سبکتر و نازک تر از قوسهای اتکاء در قرن ۱۳ میباشند. در قرن ۱۴ معمولاً در سردر کلیسای و روی «گابل» های مثلثی شکل آن و روی «کوله» های قوس اتکاء (۳) و روی پنجره ها و

ازاره ها تزئیناتی شبیه ببرک درختان دیده میشود. در این قرن در قسمت تحتانی برج ناقوس ها يك نوع ایوان طارمی داری ساخته و قسمت فوقانی برج را بتزیینات بسیار ظریفی مزین مینمودند.

صنعت گتیک در قرن ۱۴ از صنعت گتیک در نیمه اول قرن ۱۳ ظریف تر و پرمایه تر است و اصول علمی دقیق تری در آن بکار برده شده ولی صنعت گتیک در نیمه اول قرن ۱۳ قوی تر و اصيل تر از قرن ۱۴ است. سبک دوره دوم گتیک (نیمه دوم قرن ۱۳) و تمام قرن ۱۴ نیز در «ایل دوفرانس» و بدست دو معمار بزرگ پاریسی ژان دوشل (۴)

و پیردومونروی (۱) بوجود آمد و بهترین نمونه آن کلیسای کوچک سنت شابل (۲) در پاریس است (شکل ۵۶) که از پنجره های اطراف آن نور فراوان داخل کلیسا میشود و در تاریخ ۱۲۵۴ تا ۱۲۴۸۱ بفرمان سن لوئی پادشاه فرانسه ساخته شده . نمونه دیگری از این سبک کلیسای اسقف نشین شهر تروا (۳) و کلیسای سنت اوربن (۴) در شهر تروا است (۱۲۶۲ - ۱۲۶۶) که ضمناً بهترین نمونه های صنعت گتیک میباشند کلیساهای دیگر سبک دوم گتیک بقرار زیرند :

بازوهای نف کلیسای سن کانتن (۵) - قسمت علیای کلیسای سنت اوئن (۶) در شهر روئن - نف کلیسای اسقف نشین شهر اوسر (۷) بازوهای کلیسای اسقف نشین شهر استراسبورگ (۸) - قسمتی از کلیسای اسقف نشین شهر مس (۹)، اورو (۱۰)، سز (۱۱) ترگیه (۱۲)، کمپر (۱۳) و سن بول دولئون (۱۴) .

در جنوب فرانسه بعضی از کلیساها بتقلید کلیساهای شمال ساخته شده اند از قبیل کلیسای اسقف نشین کلرمون فراند (۱۵) و ناربون (۱۶) و لیموز (۱۷) و رودز (۱۸) و سن نازر (۱۹) و کارکاسون (۲۰) و تولوز (۲۱) و بوردو (۲۲) و بایون (۲۳) .

سبک فلامبویان آخرین سبک گتیک که از قرن ۱۵ شروع شده و تا اواخر قرن ۱۶ ادامه یافت دارای خصایص زیر است : در ساختمان های سبک فلامبویان بر تعداد نوارهای زیر طاق افزوده میشود - این نوارها مستقیماً و بدون رابطه سر ستونها داخل در پایه ها میشوند - استعمال قوسهای شبیه به ابرو یا دسته زنبیل معمول میشود - جزئیات شبکه پنجره ها شکل شعله های آتش بخود میگیرد و بهمین جهت آنرا سبک « فلامبویان » (۲۴) مینامند - تزئینات گل و برگ بسیار فراوان شده از سادگی سابق بیرون میآید - سازندگان کلیسا در این دوره بیشتر بتزیینات بنا پرداخته اند - فن معماری از دوره های سابق دقیق تر شده بر پایه اصول علمی قرار گرفت .

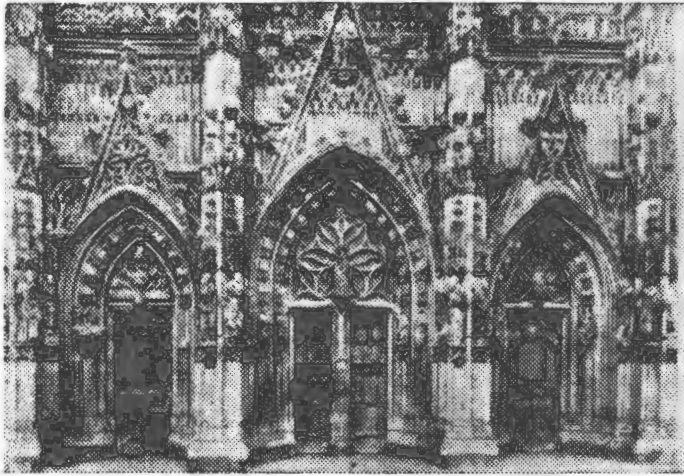
-
- (1) Pierre de Montreuil (2) La Sainte Chapelle (3) Cathédrale de Troyes
 (4) Saint Urbain de Troyes (5) Saint Quentin (6) Saint Ouen (7) Auxerres
 (8) Strasbourg (9) Metz (10) Evreux (11) Seez (12) Tréguier
 (13) Quimper (14) Saint paul de léon (15) Clermont Ferrand
 (16) Narbonne (17) Limoges (18) Rodez (19) Saint Nazaire
 (20) Carcassone (21) Toulouse (22) Bordeaux (23) Bayonne
 (24) Flamboyant

نویسندگان تاریخ صنایع راجع به مسقط الرأس اصول سبك فلامبویان متفق الرأی نیستند - بعضی ها تصور کرده اند که اصول این سبك جدید از انگلستان بفرانسه آمده . در حقیقت بعضی از اصول سبك فلامبویان مانند نوارهای اضافی ازیف و قوس های شبیه به ابرو در انگلستان از قرن ۱۳ میلادی معمول بود و احتمال دارد که این اصول جدید معماری در فرانسه از انگلستان تقلید شده باشد ولی نباید تصور کرد که سبك مخصوصی در انگلستان وجود داشته و در کشور فرانسه معمول شده بلکه در نتیجه تقلید بعضی از این شکلهای جدید در صنعت گتیک فرانسه متدرجاً تغییراتی حاصل و خصوصیات جدیدی در آن ظاهر شده است .

بعد از جنگ صد ساله و خرابیهائی که از آن حاصل شد اهالی کشور فرانسه مشغول تعمیر کلیساهای شدند و در بعضی نقاط که خرابی فراوان تر بود کلیساهای جدیدی طبق اصول سبك جدید برپا نمودند و چون این جنگها بیشتر در شمال کشور فرانسه و نقاط نزدیک به انگلستان اتفاق افتاده بود اغلب کلیساهائی که به سبك جدید ساخته شد در شمال و شمال غربی کشور فرانسه واقع است مانند نف کلیسای سنت اوئن (۱) در شهر روئن و نمای خارجی همین بنا - کلیسای سن ماکلو (۲) در همین شهر و کلیسای سن ژاک در شهر دیپ (۳) و کلیسای نتردام در شهر لویه (۴) کلیسای اسقف نشین شهر اورو (۵) - قسمت علیی کلیسای مون سن میشل (۶) . کلیساهای نامبرده در فوق همگی در ناحیه نرماندی ساخته شده اند در ناحیه برتانی نیز کلیساهائی طبق سبك جدید فلامبویان ساخته شد . در پاریس کلیساهای مشهور این سبك بقرار زیرند : کلیسای سن سورن (۷) و سن ژرو (۸) و سنت اتین دومون (۹) - در شهر بووه : قسمت علیی کلیسای سنت اتین - بازو های اسقف نشین همین شهر - در شهر سانلیس (۱۰) بازو های اسقف نشین همین شهر - در ناحیه پیکاردی (۱۱) سن و ولفران در شهر آبویل (۱۲) (شکل ۵۷) و کلیسای سن ریکیه (۱۳) - در ناحیه شامپانی : کلیسائی

-
- (1) St - Ouen (2) St - Maclou (3) St - Jacques à Dieppe
 (4) N.D. de Louviers (5) La cathédrale d' Evreux (6) Mont St Michel
 (7) St Severin (8) St Gervais (9) St Etienne du Mont (10) Senlis
 (11) Picardie (12) St Wulfran d' Abbeville (13) St Riquier

سنت هادلن (۱) و سن نیزیه (۲) و نمای سر در اسقف نشین شهر تروآ (۳) - در ناحیه بورگونی بازوی کلیسای شهر سانس (۴) و کلیساهای شهرهای تونر (۵) و نور (۶) - و تعداد



ش ۵۷ - کلیسا سن وولفران در شهر آ بویل

دیگری از کلیساهای سایر نواحی فرانسه و از حیث طرح کلیساهای جدید با سبک دوم و اول گتیک فرقی ندارند. بازوهای کلیسا کمی وسیعتر از سابق است و بر تعداد محرابها افزوده گردیده.

از نظر تزئینات دو نوار اضافی بنام لیرن و تیرسرون (۷) زیر طاق معمول و بعضی اوقات تعداد آنها زیاد شد بطوریکه طرح اصلی نوارهای اژیف گتیک از آنها خوب تمیز داده نمیشود.

در محل کلید طاق تزئینات اضافی پیدا شد که مانند مقرنس کاریهای مساجد ما از بالا پائین آویزان است. سرستون بکلی حذف شده نوارهای طاق مستقیماً داخل در پایهها میشود. شکل خود پایهها نیز بیش و کم تغییر کرده گاهی بصورت پایههای پیچدار درآمد. گاهی یادگاری از تریفور یومهای پنجره دار قرن ۱۴ دیده میشود ولی غالباً تریفور یوم وجود ندارد و پنجرهها مستقیماً تابالای قوسهای نف اصلی پائین میآیند.

(1) Ste Madeleine (2) St—Nizier (3) Troyes (4) Cath. de Sens
(5) Tonnères (6) Nevers (7) Liernes—Tiercerons

بروسعت پنجره‌ها افزوده شده شبکه پنجره‌ها مفصل‌تر و نازک‌تر میشود. شکل قطعه‌های شبکه شبیه به ابرو یا شعله شمع میشود. در سر در کلیسا بر تزئینات افزوده گردیده بطوریکه تقریباً دیگر محل خالی باقی نمی‌ماند. در شکل قوس‌های اتکاء نیز تغییرات فراوان



شکل ۵۸- کلیسای اسقف نشین شهر کولونی

حاصل میشود و جنبه اتکائی خود را از دست داده بصورت موضوع تزئینی درمی‌آید. بر ارتفاع برج ناقوس‌ها افزوده گردیده تزئینات آن نیز دقیق‌تر و فراوان‌تر از سابق میشود.

در نیمه اول قرن ۱۶ بقدری بر تزئینات داخلی و خارجی کلیسا افزوده شده که دیگر جایی برای ابتکار و اختراع باقی نمانده بود. بعلاوه مردم نیز از دیدن اینهمه تزئینات خسته شده بودند و معماران ناچار بودند سادگی بنا را مجدداً پیشه خود سازند. در همین هنگام در نتیجه جنگ‌های فرانسوای اول با ایتالیا و

زیاد شدن روابط بین این دو کشور مردم به سبک صنعتی جدیدی که در آن کشور ظاهر شده بود آشنائی پیدا کردند و یکباره سبک گتیک در فرانسه متروک شد و سبک جدیدی با تقلید از ابنیه ایتالیائی بوجود آمد.

نقوذسبک گتیک در سبک گتیک بقدری مورد پسند عموم اروپائیان واقع شد که از کشورهای دیگر اواخر قرن ۱۲ و در تمام قرن ۱۳ کشورهای دیگر اروپائی از ابنیه فرانسه تقلید کردند و کلیساهای خود را طبق سبک جدید بنا نمودند.

بعلاوه کشور فرانسه یکی از مراکز مذهبی کاتولیک بود و از آن روحانیون و

کشیشها بسایر بلاد مسافرت میکردند. و سبك جديد گتيك را به کشورهای همسايه تا کشور بوهم و مجارستان و سوئد و انگلستان و ایتالیا و اسپانیا بردند. از طرف ديگر بزرگان مذهبي کشور فرانسه که بسایر کشورها رفته در آن اقامت کردند دستور ساختن ابنیه طبق سبك جديد فرانسوی دادند و بتدريج اين سبك در آن کشورها مورد تقلید واقع شد. صنعتگران خارجی نیز در ضمن مسافرت بفرانسه به سبك گتيك آشنائی پیدا کرده آنرا به ممالک خویش بردند و باین طریق در زمان سن لویی و فیلیپ لوبل صنعت گتيك با تمدن فرانسوی در تمام دنیا منتشر شده نفوذ پیدا کرد.

نفوذ سبك گتيك در انگلستان زودتر از سایر کشورها صنعت گتيك معمول شد. در اوایل قرن ۱۲ و حتی در اواخر قرن یازده در بعضی از کلیساهای انگلستان نوار اژیف دیده شده (قسمت علیی کلیسای شهر دورهام و نفهای طرفین



شکل ۵۹- یکی از شیشه های رنگین کلیسا در دوره گتيك

کلیسای شهر پتر بوروغ و وینچستر و کلوستر) ولی تامدت زیادی از این نوارهای اژیف نتوانستند مانند معماران قرن ۱۳ در فرانسه استفاده کنند باین معنی که بجای اینکه نوارها طاق را سبك کند بر عکس بر سنگینی و عدم استحکام آن میافزود. بعلاوه تزئینات این کلیساهای انگلیسی هنوز طبق اصول دوره رمان مصنوعی است و هنوز صنعتگران تقلید از طبیعت نمیکند.

در نیمه دوم قرن ۱۲ در انگلستان از ابنیه ناحیه «ایل دو فرانس» تقلید نمودند و معروفترین ابنیه این زمان در انگلستان عبارت اند از: کلیسای

اسقف نشین شهر کانتوربری که در سال ۱۱۷۵ بوسیله یکی از معماران شهر سانس شروع شد. قسمت علیای کلیسای اسقف نشین شهر لنکن که در سال ۱۱۹۲ آغاز گردید. در نیمه اول قرن ۱۳ مکتب گتيك انگلستان از مکتب گتيك فرانسه مجزی شد

و در کلیسای سالیسبوری (۱۲۲۴) و بازوی کلیسای یورك (۱) و قسمت علیای کلیسای اسقف نشین ورسستر والی (۲) خصوصیات مکتب انگلستان و تفاوت آن با کلیساهای گتیک فرانسه کاملاً آشکار است و سبکی را که در نیمه اول قرن ۱۳ در انگلستان ایجاد شد



شکل ۶۰ - سنیت مودست در سردر شمالی اسقف نشین شهرسارت

سبک تزئینی (۳) مینامند. این سبک تا سال ۱۳۶۰ معمول بود.

در این سبک تعداد نوارهای طاق زیاد شد و قوس ابرو شکل پدیدار گشت و از آنجا به کشور فرانسه رفت و شبکه پنجره‌ها مفصل‌تر شد و خطوط منحنی در آن ظاهر گشت. این خصوصیات در اواخر قرن ۱۳ و نیمه اول قرن ۱۴ در انگلستان معمول بود.

در ۱۳۶۰ سبک تزئینی، در انگلستان متروک شده بجای آن «سبک عمودی» (۱) معمول گردید و تا قرن ۱۵ و قسمتی از قرن ۱۶ ادامه یافت. این سبک اخیر همدوره با سبک فلامبویان در کشور فرانسه است. در زیر طاق به تعداد نوارها افزوده شد خانه‌های مستطیل شکل پدیدار گشت و مقرنس کاری آن زیاد شد. تزئینات سطحی‌تر از سابق گردید و خصوصاً در پنجره‌ها شبکه‌های عمودی از بامین پنجره تا بالای طاق را فراگرفت و بهمین جهت آنرا «سبک عمودی» نامیده‌اند.

معروفترین کلیساهای این سبک اخیر عبارت‌اند از قسمت‌علیای کلیسای گلوستر و قسمت‌علیای کلیسای اسقف‌نشین شهر یورک و نف کلیسای شهر کانتوربری و کلیسای شهر وینچستر و محراب هانری دوم در وست مینیستر و چند محراب دیگر در شهرهای اکسفورد و کامبریج و طالار بزرگ وست مینیستر که همگی در قرن ۱۴ ساخته شده‌اند. سبک گتیک در ایتالیا در صفحات قبل ملاحظه شد که در اواخر قرن یازده و اواسط قرن ۱۲ نواری شبه به نوار اژیف زیر طاق کلیسا استعمال میشد. این نوع نوارها فاقد کلید قوس بودند و سازندگان آن‌ها بطوریکه بین سازندگان نوار حقیقی اژیف در قرن ۱۳ در ناحیه ایل دو فرانس معمول شد از این نوار نمیتوانستند برای استحکام طاق استفاده کنند. بنابراین با وجود این نوارها نمیتوان ابنیه‌ایرا که در آن بکار برده شده جزء ابنیه گتیک محسوب داشت.

در اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ سبک گتیک معمول در ناحیه «ایل دو فرانس» و بورگونی در ایتالیای مرکزی و شمالی بوسیله روحانیون فرقه سیسترین نفوذ یافت. گذشته از دو ناحیه فوق‌الذکر ابنیه نواحی پروانس و جنوب فرانسه نیز مورد تقلید معماران ایتالیائی واقع شد. در شهر ناپل و در جنوب ایتالیا و حتی در جزیره سیسیل از ابنیه جنوب فرانسه اقتباس نمودند زیرا این نواحی در اواخر قرن ۱۳ تحت حکومت شاهزادگان فرانسوی بسر میبردند.

صنعت گتیک در ایتالیا عمر دراز نداشت زیرا بزودی سبک ایتالیائی «رنسانس» جای آنرا گرفت. معروفترین ابنیه گتیک در ایتالیا در شهرهای میلان و سین (۲) و

و فلورانس و ناپل و ادریتو (۱) و روم و ژن (۲) واقع اند .

سبک گتیک در اسپانیا علت اولیه نفوذ سبک گتیک در اسپانیا روحانیون و شاهزادگان و وصلت های بین خانواده های سلطنتی فرانسه و اسپانیا بودند .



شکل ۶۱ - کلیسای اسقف نشین شهر آمین سر در شمالی

بیشتر ابنیه اسپانیا از کلیساهای ناحیه بورگونی تقلید شده اند و در غالب شهرهای بزرگ این کشور مانند شهر طلیطه و بورگونی و بارسلون (۳) و ژرون (۴) و والانس (۵) و غیره ابنیه باشکوهی از سبک گتیک باقی مانده .

آلمان و اروپای مرکزی در آلمان جنوبی و ناحیهٔ رنانی سبک رمان مدت زیادی در برابر سبک گتیک مقاومت بخرج داد و فقط در اوایل قرن ۱۳ سبک گتیک توانست ابتدا در شهر کولونی و بعد در شهرهای دیگر آلمان از قبیل شهر ترو (۱) و آندرناش (۲) و ورمس (۳) نفوذ یابد و این ابنیه همگی از کلیسای شهرلان تقلید شده‌اند.

کلیسای اسقف‌نشین شهر کولونی تقلید از اسقف‌نشین شهر آمین است (شکل ۵۸) که ساختمان آن در سال ۱۲۶۸ شروع شد و در سال ۱۳۲۲ خاتمه یافت.

شهرهای دیگری که از سبک جدید گتیک تقلید نمودند عبارت‌اند از شهرهای ابراش (۴) و پراگ و چند شهر از کشور لهستان و غالب معماران این ابنیه فرانسوی بودند. در کشور سویس و شهرهای ژنو و لوزان کلیساهائی از سبک گتیک به تقلید ابنیهٔ بورگونی ساخته شد. در شهر نوشاتل (۵) و فربورگ (۶) و سیون (۷) نیز از سبک گتیک اقتباساتی شد.

ابنیهٔ دیگر سبک گتیک در اروپای مرکزی عبارتند از شهر داری شهر برونسویک (۸) و قصر کارلستین (۹) نزدیک شهر پراگ و بعضی از ابنیهٔ شهر نورمبرگ. کشورهای اسکاندینا و نیز از تقلید سبک جدید گتیک بی بهره نماندند و معمولاً ابنیهٔ آنها تقلید از ابنیهٔ گتیک در انگلستان است.

حجاری و مجسمه‌سازی در همان موقعی که در کشور فرانسه نوار اژیف اختراع شد و در نتیجه حذف دیوارهای سنگین میسر شد طاق سبکی در ارتفاعات بلند بسازند و روشنائی از پنجره‌های وسیع داخل در کلیسا شد در همان زمان حجارها و مجسمه‌سازها از قید اصول حجاری دورهٔ رمان خود را آزاد ساخته دست از ساختن مجسمه‌های مصنوعی و نقوش غیر طبیعی و خارج از حقیقت برداشته شروع به تقلید از طبیعت نمودند و بدینوسیله به صنعت خود روح و حیاتی بخشیدند.

مدت نیم قرن طول کشید تا این سنگ تراشان موفق شدند طبیعت را در سنگ

(1) Trèves (2) Andernach (3) Worms (4) Ebrach (5) Neuchâtel
(5) Fribourg (7) Sion (8) Brunswick (9) Karlstein

مجسمه‌سازند. در دورهٔ رمان روی سرستون‌ها برگ «آکانت» را که در زمان روم قدیم معمول بود و تدریجاً از صورت اولیه خود خارج شده، به‌طور مولی مبدل گشته بود رسم مینمودند. در دورهٔ گتیک برای تزئین سرستون برگ مو و توت فرنگی و سایر نباتاتی که در اطراف سنگ تراشان در فرانسه موجود بود سرمشق صنعتگران قرار گرفت و برای اولین بار این نوع سنگ تراشی در نمای خارجی سردر کلیسای اسقف‌نشین پاریس دیده شد.

در این سبک جدیدتر کیب نقش واضح‌تر و فکر صنعتگر ساده‌تر است. مجسمه‌ها مانند سابق وابسته به بنا نیستند بلکه استقلال دارند. به عبارت دیگر آنها را برای تزئین بنا ساخته‌اند. ولی خود این مجسمه‌ها جزئی از بنا محسوب میشوند و محل معینی در ساختمان برایشان در نظر گرفته شده.

نفوذ شرقی در دورهٔ گتیک بکلی متروک گردید. قیافهٔ اشخاص شباهت بانسان حقیقی پیدا کرد و مانند مجسمه‌های سابق یونان قدیم حرکات آنها سنگین و وزین شد. در اواخر قرن ۱۲ موضوعهای حجاری کلیسا بقرار زیر بود:

در پیشانی کلیسا مرگ و تجدید حیات و روز قیامت. در طرفین قسمت داخلی سردر یا لغاز آن پیغمبران.

سبک مجسمه‌سازی قرن ۱۲ و ۱۳ گتیک را ممکنست تا اندازه‌ای بسبک ایدآل سازی قرن پنجم یونان تشبیه کرد. در کلیسای اسقف‌نشین شهر شارتر نمای بازوی شمالی مخصوص وقایع مربوط بحضرت مریم و بازوی جنوبی مخصوص روز قیامت است. در نیمهٔ دوم قرن ۱۳ مجسمه‌سازان فرانسوی در کلیسای اسقف‌نشین شهر رنس بهترین شاهکارهای گتیک را ایجاد نمودند.

در قرن ۱۴ ایدآل سازی تا اندازه‌ای فراموشی شده صنعتگران سعی کردند مجسمه‌های خود را شبیه به اشخاص معینی بسازند و خصوصاً وقتی رسم شد که روی قبرها مجسمهٔ اشخاص را بگذارند بیکه صورت‌سازی بتمام معنی بوجود آمد.

در قرن ۱۵ شهر دیژون مرکز مجسمه‌سازی کشور فرانسه گردید و از این زمان





شکل ۶۳- سن ژان باتیس سر در شمالی کلیسای اسقف نشین شهر شارتر

مجسمه ساز معروف کلوزسلوتر (۱) رامیتوان نام برد. مجسمه ساز معروف دیگر اواخر قرن ۱۵ میشل کولومب (۲) است که در شهر تور (۳) یادگارهای زیبایی از خود بیادگار باقی گذاشته .

در پاریس در قرن ۱۳ یکنوع مکتب مینیاتور سازی بوجود نقاشی
آمد و شهرت زیاد پیدا کرد . در قرن ۱۳ این مکتب نقاشی
صنعتگران ماهری مانند ژان پوسل (۴) بوجود آورد و معروفترین کارهای آن زمان کتاب
موسوم به « ساعات دوک دوبری » (۵) میباشد که امروز در موزه شهر شانتی (۶) است .
در همین زمان در هلند وان ایک (۷) و در ایتالیا گیوتو (۸) راه را برای نقاشی
زیبای قرن ۱۵ و ۱۶ اروپا تهیه میکردند . سبک نقاشی گنیک در پنجره های رنگین نیز
نفوذ زیاد داشت و مایکی از زیباترین آنهارا که متعلق به قرن ۱۵ میلادی میباشد در شکل
ارائه میدهیم .

-
- (1) Claus Sluter (2) Michel Colombe (3) Tours (4) Jean Pucelle
(5) Les Très Riches Heures du duc de Berry (6) Chantilly
(7) Jean Van Eyk (8) Giotto



فهرست مطالب

مقدمه

صنعت رمان

۱	ابتدای تشکیل صنایع رمان - شرایط تاریخی - بسط صنایع رمان
۵	حدود تاریخی و جغرافیائی
۹	صنعت اول رمان
۱۴	مکتب رمان در فرانسه
۲۲	مکتب رمان در انگلستان
۲۵	مکتب رمان در اسپانیا و پرتغال
۲۹	مکتب رمان در ایتالیا
۳۰	ایطالیای شمالی
۳۳	ایطالیای مرکزی
۳۵	ایطالیای جنوبی و سیسیل
۳۵	مکتب رمان در آلمان
۳۹	مکتب رمان در هلند و بلژیک
۴۰	مکتب رمان در سوئیس
۴۲	مکتب رمان در اتریش
۴۳	مکتب رمان در مجارستان
۴۴	مکتب رمان در بوهم
۴۶	مکتب رمان در لهستان
۴۷	مکتب رمان در نروژ
۵۰	مکتب رمان در سوئد
۵۰	بیت المقدس - شام - جزیره قبرس
۵۰	خانه های دوره رمان و صومعه ها
۵۱	نقاشی و میناتور سازی در دوره رمان
۵۲	حجاری و مجسمه سازی در دوره رمان
۵۵	مکتب لانگدوک
۵۵	مکتب بورگنی و دره رود رن
۵۶	مکتب اورنی
۵۶	مکتب ناحیه رودخانه لوآر

۵۶	مکتب جنوب غربی
۵۷	مکتب پروانس
۵۷	فلسطین و شام
۵۷	شمال اسپانیا
۵۷	سایر کشورهای اروپا

صنعت گتیک

۵۹	تعریف
۶۰	ابنیه مذهبی گتیک در کشور فرانسه
۶۱	نواراژیف
۶۲	مسقط الرأس نواراژیف
۶۴	اولین طاق روی اژیف
۶۷	استعمال قوس جناقی یا شکسته
۶۸	دیوار اتکاء و قوس اتکاء

تقسیمات دوره گتیک

۷۰	گتیک قرن ۱۳ و ۱۴
۷۶	گتیک قرن ۱۵ (سبک فلامبویان)
۸۳	نفوذ سبک گتیک در کشورهای دیگر
۸۶	نفوذ سبک گتیک در انگلستان
۸۷	سبک گتیک در ایتالیا
۸۹	سبک گتیک در اسپانیا
۹۰	آلمان و اروپای مرکزی
۹۱	حجاری و مجسمه سازی
۹۱	نقاشی
۹۵	

فهرست تصاویر

صفحه

۲	ش ۱- حیاط صومعه موناژور
۶	« ۲- نقشه اروپا هنگام ظهور سبك اول رمان
۸	« ۳- کلیسای سن مارتین در شهر «ام» (ناحیه ساوآ)
۹	« ۴- کلیسای سن وریل در فرانسه
۱۰	« ۵- کلیسای سن ییترو در آگلیات (ایتالیا)
۱۱	« ۶- کلیسای پائولوسا باردرا (اسپانیا)
۱۲	« ۷- قسمتهای مختلف يك کلیسا
۱۴	« ۸- نقشه مکتب های رمان در فرانسه
۱۵	« ۹- کلیسای سنت اتین در شهر نور
۱۶	« ۱۰- کلیسای نتردام لاگران در شهر بوآتیه
۱۷	« ۱۱- کلیسای سن مارتین دزبوی لودوم (ناحیه اورنی)
۱۸	« ۱۲- طرح مربوط به گنبدها و گوشوارها
۱۹	« ۱۳- کلیسای شهر سریزی لافوره درنرماندی
۲۰	« ۱۴- طرح کلیسای سریزی لافوره
۲۱	« ۱۵- تریفوروم حقیقی و تریفوروم کور
۲۲	« ۱۶- طرح کلیسای شهر کلونی
۲۳	« ۱۷- کلیسای کلونی (طبقات داخلی آن)
۲۴	« ۱۸- کلیسای سنت اتین در شهر نور (قسمت داخلی)
۲۵	« ۱۹- طرح کلیسای مادلن در شهر روزله
۲۶	« ۲۰- نف اصلی کلیسای وزله
۲۷	« ۲۱- یکی از جناحین کلیسای مادلن در روزله
۲۸	« ۲۲- کلیسای شهر اوتن
۲۹	« ۲۳- جلوخان کلیسای سن بول تراواتو
۳۰	« ۲۴- طرح پایه ستون بشکل گل چهاربرك
۳۱	« ۲۵- داخل و خارج کلیسای پریگو
۳۲	« ۲۶- داخل کلیسای پریگو
۳۳	« ۲۷- کلیسای اسقف نشین شهر دورهام
۳۴	« ۲۸- کلیسای پتر بوروغ در انگلستان

- ش ۲۹- کلیسای سن ژاک در کمپوستل
- « ۳۰- کلیسای اسقف نشین شهر پیزدرایطالیا
- « ۳۱- آبه نشین لاآش درآلمان
- « ۳۲- کلیساهای مکتب زمان درآلمان
- « ۳۳- کلیسای پابرن درسویس
- « ۳۴- کلیسای اسقف نشین پک درمجارستان
- « ۳۵- کلیسای تیس میس در بوهم
- « ۳۶- یکی ازخانه های دوره رمان
- « ۳۷- یکی از مینیاتورهای دوره رمان
- « ۳۸- یکی از پنجره های کلیسای رمان
- « ۳۹- حاشیه کلیسای شارتر
- « ۴۰- پیشانی کلیسای شارلیو در بورگونی
- « ۴۱- یک سرستون در کلیسای وزله
- « ۴۲- سن میشل درپوی
- « ۴۳- کلیسای سن ژیل درگارد
- « ۴۴- نمونه طاق روی اژیف
- « ۴۵- نمونه اژیف اولیه
- « ۴۶- کلیسای مورینوال - اولین طاق اژیف دار
- « ۴۷- کلیسای شهر نوآین
- « ۴۸- اسقف نشین شهرلان
- « ۴۹- سردر اسقف نشین نتردام در پاریس
- « ۵۰- اسقف نشین نتردام در پاریس
- « ۵۱- کلیسای اسقف نشین شهررنس
- « ۵۲- نف اصلی اسقف نشین شهررنس
- « ۵۳- اسقف نشین شهرآمین
- « ۵۴- نف اصلی اسقف نشین شهرآمین
- « ۵۵- اسقف نشین شهر بووه
- « ۵۶- سنت شابل در پاریس
- « ۵۷- کلیسای سن وولفران درشهرآبویل
- « ۵۸- کلیسای اسقف نشین شهر کولونی (درآلمان)
- « ۵۹- یکی از شیشه های رنگین کلیسا دردوره گتیک
- « ۶۰- سنت مدست - سردر شمالی اسقف نشین شهرسارت
- « ۶۱- اسقف نشین شهرآمین - سردر شمالی
- « ۶۲- یکی از مجسمه های دوره گتیک درشهر وزله
- « ۶۳- سن ژان باتیس - سردر شمالی کلیسای شهرشارتر

فهرست اصطلاحات

لغات و اصطلاحات مخصوص صنعت معماری قرون وسطی که در این کتاب بکار برده شده و ذیلاً از نظر خوانندگان محترم میگذرد با مشورت عده‌ای از اهل فن انتخاب گردیده. با این حال ممکن است کلمات مناسب تری که از هر حیث برای بیان مفهوم و معنی رساتر باشد در زبان فارسی وجود داشته باشد که بتوان بجای اصطلاحات فرانسه بکار برد. از این جهت از خوانندگان گرامی تمنا داریم در صورتیکه کلمات دیگری از زبان فارسی که معادل لغات مورد بحث باشد پیدا کردند لطفاً نگارنده را مطلع فرمایند که مورد استفاده واقع شود.

اصطلاح فرانسه

معادل اصطلاح در زبان فارسی

Le transept	بازوی کلیسا
La tribune	بالکانه
Le clocher	برج ناقوس
Le pilier	پایه
Le tympan	پیشانی کلیسا
Le triforium	تریفوریوم (سه دهانه)
Le contrefort	جرز مقاومت
Le déambulatoire	دآمبولاتوار (برای این کلمه در زبان فارسی معادلی پیدا نشد)
La colonne corinthienne	سرستون کورنتی
L'art roman	صنعت رمان (برای کلمه «رمان» در زبان فارسی معادلی پیدا نشد)
L'art gothique	صنعت گتیک (معادل فارسی کلمه «گتیک» پیدا نشد)
La viche	طاقچه یا طاقنما
La voûte d'arêtes	طاق ضربی
Les bas-côtés	طرفین یا جناحین
Le chœur	قسمت علیای کلیسا
L'arc boutant	قوس اتکاء
L'arc brisé	قوس شکسته یا جناقی
L'arc formeret	قوس طرفی

معادل اصطلاح در زبان فارسی

اصطلاح فرانسه

L' arc doubleau

قوس مضاعف

L' arc en plein cintre

قوس هلالی

Le linteau

کتیبه

La cathédrale

کلیسای اسقف نشین

La clef de la voute

کلید قوس

La rosace

گل

Le tambour

گوشوار

La chapelle, l' abside

محراب

La cannelure

ناودانک

La nef

نف (ممکن است کلمه ناورا نیز استعمال کرد)

L' ogif

نوار اژیف

La bande lombarde

نوار لمبارد

